

# رازهای جمعه موعود

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تدوین: حاج زین العابدین غلام

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# رازهای جمعه‌ی موعود

حاج زین‌العابدین غلام

غلام زین العابدین

رازهای جمعه موعود / زین العابدین - قم: نسیم حیات ۱۳۸۵  
۱۶۸ ص.

ISBN: 964-492-067-8

۱۲۰۰۰۰ ریال

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه: ص ۱۶۷ - ۱۶۸ همچنین به صورت زیر نویس.

۱. حضرت م ح م د بن الحسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. - رؤیت.

۱ - رازهای جمعه موعود

۲۹۷/۹۵۳

BP ۴۱/۴ / ۸

### رازهای جمعه موعود

● نویسنده: حاج زین العابدین غلام ● ناشر: نسیم حیات ● چاپ: بقیع

● نوبت و تاریخ چاپ: دوم / ۱۳۸۵ ● شمارگان: ۳۰۰۰ جلد ● قیمت: ۱۲۰۰۰۰ ریال

● شابک: ۹۶۴-۴۹۲-۰۶۷-۸

### مرکز پخش

قم - میدان معلم - بلوار سمیه - خیابان شهیدین - پلاک ۸۷

تلفن: ۰۲۵۱-۷۷۴۶۳۳۳-۲ ۷۷۴۹۷۵۰-۷۷۴۹۵۳۴: تلفکس: ۰۲۵۱-۷۷۴۹۵۳۴

## فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۴
مقدمه.....	۶
سرگذشت حضرت مهدی (عج) و مادر گرامی ایشان.....	۷
محبت و رأفت حضرت مهدی (عج).....	۱۹
دیدگاه ادیان و دانشمندان در مورد حضرت مهدی (عج).....	۲۹
قرآن و مهدی (عج).....	۳۹
دیدگاه اهل سنت در مورد حضرت مهدی (عج).....	۴۵
شبهات‌های حضرت مهدی (عج) به پیامبران و امامان معصوم.....	۴۹
غیبت امام زمان (عج).....	۵۷
انتظار فرج.....	۶۷
عصر ظهور.....	۸۷
ملاقات با حضرت مهدی (عج).....	۱۰۷
توصیه‌های حضرت مهدی (عج).....	۱۲۱
سخنان امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری در مورد امام‌فرمان (عج).....	۱۲۷
پرسش و پاسخ پیرامون حضرت مهدی (عج).....	۱۳۳
اشعار در وصف حضرت مهدی (عج).....	۱۴۹
آدرس سایتهای اینترنتی در مورد مهدی (عج).....	۱۶۴
منابع.....	۱۶۷

## پیشگفتار

«و نريد ان نمى على الدين استضعفوا فى الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثين»

«اراده مى‌کنیم بر آنان که در کره‌ی خاکی ناتوان شمرده شده‌اند، منت گذاریم؛ و آنها را رهبران و بازماندگان دین قرار دهیم.»

ستایش و سپاس، خاص پروردگار عالمیان است که انسان را به نعمت عقل و اندیشه، کرامت بخشید و شناخت خویش را با فطرت خدادادی‌اش به وی الهام نمود. سلام و درود بی‌کران بر تمامی انبیا و اولیای الهی به ویژه بزرگ‌ترین ایشان نزد خداوند، پیامبر گرامی اسلام ﷺ و خاندان معصوم و مطهرش و سلام و درود بر آخرین ایشان که نجات‌دهندی عالم بشریت از ظلم و ستم، احیاگر عدل و داد و اهداکننده‌ی آسایش و آرامش به جهانیان و گشاینده‌ی قفل‌های بی‌شمار حیات انسان‌ها و سلام بر معمار بزرگ بنای عظیم و شکوهمند انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی (ره).

آن زمان که دنیا گرفتار سخت‌ترین اضطراب‌ها می‌شود، آتش ظلم و بیداد از همه طرف شعله می‌کشد، انسانیت و برادری از میان نوع بشر رخت

برمی‌بندد و عموم مردم به زندگی‌یی اجباری، بی‌برنامه و مشقت بار تن می‌دهند، نشاط و آسایش از صحنه‌ی حیات محو می‌شود و نگرانی و اضطراب بر افکار بشر مستولی می‌گردد، مهدی صاحب الزمان (عج) ظهور خواهد کرد، اما، نه برای اصلاح و نجات یک اجتماع کوچک، یا گروهی خاص، بلکه برای رهایی تمامی بشریت با هر زبان، دین، رنگ و نژادی که باشند، ظهور می‌کند. با فرج پربرکت آن حضرت، ستمکاران از صحنه‌ی روزگار محو شده، صفا و دوستی، عدالت و یکدلی و نشاط و آرامش همه‌ی عالم را فرا خواهد گرفت. در این کتاب که به خواست و همت و یاری بسیاری از منتظران ظهور آن حضرت به رشته‌ی تحریر درآمده است، سعی شده عبارات در عین سادگی و شیوایی برای سنین مختلف قابل درک باشد و به خوبی بتواند پیام اصلی خود را به خواننده‌ی عزیز منتقل و او را در استمرار و تداوم مطالعه‌ی تمام کتاب ترغیب نموده و در نهایت، وی را به آنچه باید از امام زمانش بداند، آگاه سازد. در پایان، از برادران و خواهران عزیز که در تهیه‌ی این اثر همکاری نموده‌اند، سپاس‌گذاری می‌کنم. امید که مورد عنایت حضرت مهدی (عج) قرار بگیرد!

خدایا چنان کن سرانجام کار تو خشنود باشی و ما رستگار

حاج زین العابدین غلام

## مقدمه

در عصر حاضر که ظلم و تعدی و بی‌عدالتی، بیش از هر زمان دیگری دامن‌گیر بشریت گردیده و ستمگران با هر آنچه دستاورد علم و دانش است، وحدانیت، عدالت و انسانیت را به مسلخ زورمداری و تفرقه‌کشانده‌اند، هیچ سخنی گواراتر از سخن گفتن درباره‌ی منجی عدالت‌گستر عالم بشریت نیست. جامعه‌ی جوان ما به لحاظ بافت جمعیتی خود، بیش از پیش مستلزم ترویج فرهنگ مهدویت و آشناسازی جوانان و نوجوانان، تشنه‌ی آگاهی‌ست. متأسفانه، تاکنون آن گونه که شایسته است در این زمینه فعالیت نشده، از طرفی، ایجاد شبهات مختلف پیرامون موضوع مهدویت و عصر انتظار و وقایع پیش و پس از ظهور حضرت ولی عصر (عج) از سوی دشمنان بین‌اقتدار مختلف و به ویژه نوجوانان و وارونه جلوه دادن مسأله‌ی غیبت و فرج آن امام همام، ضرورت اهتمام همگانی به این امر مهم را صدچندان می‌نماید. امید است با عنایت خاص آن حضرت و توفیقات الهی، در انجام این فریضه‌ی بزرگ، استوار و ثابت قدم باشیم.



(عج)

ولاد امام



## تولد امام مهدی (عج)

با وجود اینکه بنا بود تولد امام زمان (عج) مخفی بماند، اما عده‌یی از دوستان و نزدیکان امام حسن عسکری علیه السلام، امام زمان (عج) را در کودکی دیده و به وجودش شهادت دادند؛ از جمله کسانی که هنگام تولد حضرت صاحب الامر (عج) حضور داشته و جریان را به طور مفصل شرح داده، حکیمه خاتون، دختر امام محمد تقی علیه السلام و عمه‌ی امام حسن عسکری علیه السلام است.

## اجمال داستان

حکیمه خاتون می‌گوید: روزی به خانه‌ی امام حسن عسکری علیه السلام مشرف شدم، شب نیمه‌ی شعبان سال (۲۵۵ هـ.ق) بود. شبانگاه وقتی خواستم به منزل مراجعت کنم، امام حسن علیه السلام فرمود: «عمه جان! امشب در خانه‌ی ما بمان؛ زیرا ولی خدا و جانشین من امشب متولد خواهد شد.» پرسیدم: از کدام کنیزت؟ فرمود: «از سوسن!» اما، هر چه در سوسن دقت نمودم، آثاری از حمل ندیدم. پس از افطار و ادای نماز، با سوسن در یک اتاق خوابیدیم. طولی نکشید که از خواب بیدار شدم و در مورد فرمایشات امام حسن علیه السلام تفکر نمودم. پس، مشغول نماز شب شدم. سوسن نیز از خواب برخاسته، نماز شب را به جای آورد. سپیده‌دم نزدیک بود، اما از وضع حمل خبری نبود. به تدریج در صحت وعده‌ی امام حسن علیه السلام تردید نمودم؛ ناگهان حضرت از داخل اتاقش فرمود: «عمه جان! شک نکن که وقت تولد فرزندم نزدیک شده است.» ناگهان احوال سوسن را متغیر دیدم. احوال او را جويا شدم. گفت: احساس ناراحتی شدیدی در ناحیه‌ی شکم می‌کنم. من به تهیه‌ی مقدمات و وسایل مورد نیاز در هنگام

وضع حمل مشغول شدم و قابلیت او را بر عهده گرفتم. طولی نکشید که ولی خدا، پاک و پاکیزه به دنیا آمد. در همان حال، امام حسن علیه السلام فرمود: «عمّه جان! فرزندم را بیاور!» وقتی نوزاد را نزد ایشان بردم، او را در بغل گرفته، زبان مبارکش را بر چشمان نوزاد مالید. بلافاصله چشمان کودک باز شد. پس، زبانش را بر دهان و گوش آن نوزاد مالید و با دست خود سرش را نوازش کرد. ناگهان کودک به سخن آمده، به تلاوت قرآن مشغول شد! حضرت، کودک را به من داد و فرمود: او را نزد مادرش ببر!» کودک را نزد مادرش بردم، سپس به منزل خود بازگشتم. در روز سوم به خانه‌ی امام حسن علیه السلام مشرف شدم، ابتدا به قصد دیدار نوزاد به حجره‌ی سوسن رفتم، اما کودک را ندیدم. پس، خدمت امام حسن علیه السلام مشرف شدم، ولی خجالت کشیدم از احوال نوزاد جويا شوم! امام حسن علیه السلام فرمود: «عمّه جان! فرزندم در پناه خدا غایب شده است. هنگامی که من از دنیا رفتم و شیعیانم اختلاف پیدا کردند، جریان ولادت فرزندم را به شیعیان مورد اعتماد خبر بده، اما باید آن قضیه مخفی بماند؛ زیرا فرزندم غایب خواهد شد.» همچنین خادم فارسی می‌گوید: نزدیکِ درب خانه‌ی امام حسن علیه السلام بودم، کنیزی که چیز پوشیده‌یی را همراه داشت، از خانه خارج شد. امام فرمود: «آنچه که همراه داری، آشکار کن.» کنیز، کودک زیبایی را نمایان ساخت. امام رو به من کرد و فرمود: «این کودک، امام شماس است!» خادم فارسی می‌گوید: پس از آن، دیگر کودک را ندیدم!»

ابولصر خادم می‌گوید: صاحب الزمان (عج) را در گهواره دیدم. کامل ابن ابراهیم می‌گوید: صاحب الامر (عج) را در خانه‌ی امام حسن علیه السلام دیدم. در سن چهار سالگی بود، و صورتش مانند ماه می‌درخشید و مشکلاتم را قبل از سؤال

پاسخ می داد.

سعد بن عبدالله می گوید: صاحب الامر را دیدم، در حالی که صورتش همانند مه پاره‌یی زیبا بود، و روی زانوی پدر نشسته، و مسایل مرا پاسخ می داد. (۱)

ابراهیم بن محمد می گوید: روزی از ترس والی، قصد فرار داشتم، پس، به منظور وداع وارد خانه‌ی امام حسن علیه السلام شدم، در آن حال، کودک زیبایی را در کنار ایشان دیدم، عرض کردم: یا بن رسول الله! این کودک از کیست؟ فرمود: «او فرزند و جانشین من است.»

سرگذشت حضرت نرجس خاتون علیها السلام: بشر بن سلیمان برده فروش که از نواده‌های ابوایوب انصاری و از شیعیان خالص حضرت علی بن ابی طالب همچنین در سامرا همسایه‌ی امام حسن عسکری علیه السلام بوده است، نقل می کند که روزی کافور، غلام امام هادی علیه السلام نزد من آمد و گفت: حضرت امام هادی علیه السلام تو را احضار فرموده‌اند. من به سرعت خدمتشان شرفیاب شدم. آن حضرت فرمودند: «ای بشر! نه تنها، تو از دوستان ما، بلکه آبا و اجداد و حنا فرزندان نیز همیشه از دوستان خاندان ما بوده و هستند، تو مورد وثوق من هستی؛ می خواهم سِری را به تو بگویم که از این جهت، بر سایر شیعیان برتری پیدا خواهی کرد. من خوشحال شدم و از آقا تشکر کردم. پس آن حضرت نامه‌یی به خط و زبان رومی نوشتند و سر آن را مهر کردند. آن گاه دویست و بیست اشرفی که در کیسه‌ی زردی بود، بیرون آوردند. آنها را به من

دادند و فرمودند: «تو به بغداد می‌روی، و صبح زود فلان روز روی پل بغداد حاضر می‌شوی. اولین کشتی که حامل اسیران است، می‌رسد. مشتریان زیادی از اشراف بنی عباس به طرف آنها هجوم می‌برند. عده‌ی کمی هم از جوانان عرب برای خریدن کنیز می‌آیند. در این بین، شخصی به نام عمر بن زید کنیزی را که دارای این اوصاف است، به معرض فروش می‌گذارد. آن کنیز خود را با دو لباس حریر پوشانده و در معرض فروش مشتریان قرار نمی‌گیرد. او از وضع اسارت خود ناله می‌کند و از پشت پرده‌ی رقیقی به زبان رومی نسبت به هتک حرمتش ابراز ناراحتی می‌نماید. شخصی می‌خواهد او را به خاطر عفت و نجابتش سیصد دینار بخرد. کنیز می‌گوید: اگر دارای حشمت سلیمان باشی، من به تو رغبت ندارم، پول خودت را بیهوده مصرف نکن. فروشنده می‌گوید: پس، من چه کنم؟ من باید تو را بفروشم. کنیز می‌گوید: عجله نکن، خریدار من پیدا می‌شود! در این هنگام نزد فروشنده برو و بگو من نامه‌ی به خط رومی برای آن کنیز از طرف یکی از اشراف آورده‌ام، سپس نامه را به کنیز نشان بده و او را بخر و بیاور. بشر بن سلیمان می‌گوید: آنچه حضرت امام هادی علیه السلام فرموده بودند، انجام دادم. وقتی چشم آن کنیز به نامه افتاد، بسیار گریست. سپس رو به عمر بن زید نمود و گفت: مرا به صاحب نامه بفروش و قسم خورد که اگر مرا به او نفروشی، خود را می‌کشم. من در مورد قیمت کنیز با فروشنده گفت و گو کردم. او به همان مبلغی که امام هادی علیه السلام داده بودند، راضی شد. به این ترتیب، من آن کنیز را خریدم و همراه خود آوردم. کنیز از این جریان بسیار خوشحال بود و مکرر نامه‌ی امام را می‌بوسید و بر چشمان و بدنش می‌مالید. گفتم: سبب تعجب است! نامه‌ای را می‌بوسی که نویسنده‌اش

را نمی‌شناسی! گفت: ای بیچاره‌ی کم‌معرفت! من قصه‌ی دارم که اگر مایل باشی برایت نقل می‌کنم. گفتم: بفرمایید، استفاده می‌کنم. گفت: من دختر پسر قیصر روم هستم. پدربزرگم، پادشاه روم است و مادرم از فرزندان شمعون، وصی حضرت عیسی علیه السلام است! جدّ من، قیصر روم می‌خواست مرا به ازدواج پسر برادرش درآورد. من سیزده سال بیشتر نداشتم. مجلس عقد با شکوهی ترتیب داده شد. سیصد نفر از رهبانان و قسیسین نصاری از فرزندان حواریون حضرت عیسی علیه السلام و هفتصد نفر از اعیان و اشراف و چهار هزار نفر از امرا و فرماندهان و سران لشکر و بزرگان مملکت حضور داشتند. برای جلوس ما تختی ترتیب داده بودند که با انواع جواهرات مزین شده بود، ولی به مجرد آن‌که پسر عمویم روی تخت کنار من نشست و اسقف‌ها خواستند مراسم عقد را برگزار کنند، ناگهان زمین به لرزه درآمد، طوری که صلیب‌ها بر زمین افتادند، پایه‌های تخت شکست، پسر عمویم بیهوش روی زمین افتاد و رنگ از چهره‌ی اسقف‌ها پرید، آنها به شدت می‌لرزیدند. پاپ بزرگ اسقف‌ها رو به قیصر کرد و گفت: پادشاهها! ما را از مشاهده‌ی این اوضاع که نشانه‌ی زوال دین مسیح و پادشاهی شماست، معاف بدار. جدّم نیز این وضع را به فال بد گرفت، ولی در عین حال، به اسقف‌ها دستور داد تا دوباره مجلس عقد را برقرار کنند، برای بار دوّم، مجلس به هم خورد. من همان شب حضرت عیسی علیه السلام و شمعون، وصی او و جمعی از حواریون حضرت عیسی علیه السلام را در خواب دیدم که در قصر جدّم (قیصر روم) اجتماع کرده‌اند و به جای تخت او، منبری از نور گذاشته شده است، مثل اینکه منتظر کسی باشند. چیزی نگذشت که حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و دامادش حضرت علی علیه السلام و جمعی از فرزندان او وارد قصر شدند.

حضرت عیسیٰ علیه السلام از آنها استقبال کرد و با حضرت محمد صلی الله علیه و آله معانقه نمودند. پس از لحظاتی حضرت محمد صلی الله علیه و آله رو به عیسیٰ علیه السلام فرمودند: «یا روح الله! من به خواستگاری دختر وصی شما (اشاره به من) برای فرزندم (اشاره به حضرت امام حسن عسکری علیه السلام) آمده‌ام. حضرت عیسیٰ علیه السلام رو به شمعون کرد و فرمود: سعادت و شرافت به سوی تو رو آورده، لذا با این وصلت باشکوه موافقت کن. شمعون گفت: موافقم! حضرت محمد صلی الله علیه و آله از همان منبر بالا رفت و خطبه‌ی عقد را خواند و مرا به تزویج فرزندش درآورد، و حضرت عیسیٰ علیه السلام و فرزندان خود را نیز شاهد گرفت. وقتی از خواب بیدار شدم، از ترس جانم، خوابم را برای پدر و جدّم نقل نکردم، ولی پس از آن شب، قلبم مملوّ از محبت حضرت امام حسن عسکری علیه السلام شد و به تدریج از عشق او لاغر، رنجور و بیمار شدم. قیصر، تمام پزشکان پایتخت را برای معالجه‌ی من فرا خواند، ولی آنها موفّق نشدند مرا درمان کنند. روزی جدّم گفت: نور دیده‌ام! هر چه می‌خواهی بگو، تا انجام دهم! چرا تا این حد افسرده و ناراحت شده‌ای؟ گفتم: پدر جان! اگر زندانیان و اسیران مسلمان را آزاد کنی، شاید حضرت عیسیٰ علیه السلام و حضرت مریم علیهما السلام مرا شفا دهند. جدّم تقاضای مرا پذیرفت. من هم طوری که او متوجّه نشود مقداری غذا خوردم. او بسیار خوشحال شد و جانب احترام مسلمان‌ها را بیشتر رعایت می‌کرد. از این جریان، چهارده شب گذشت. شبی در خواب دیدم حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و حضرت مریم علیها السلام و حوریه‌های بهشتی به عیادت من آمده‌اند. حضرت مریم علیها السلام رو به من کرد و فرمود: «این خانم بانوی تمام زنان عالم، فاطمه زهرا علیها السلام و مادر شوهر توست که به عیادت آمده است.» من به گریه افتادم، دامن او را گرفته و از اینکه

حضرت امام حسن عسکری علیه السلام دیگر به دیدنم نیامده، شکایت کردم. فرمودند: «او از این جهت به دیدنت نیامده که تو هنوز مسیحی هستی. اگر می‌خواهی خدا و حضرت عیسی علیه السلام و حضرت مریم علیها السلام از تو راضی باشند و پسر من حضرت امام حسن عسکری علیه السلام به دیدنت بیایند، باید به اسلام گواهی بدهی و مسلمان شوی.» لذا من در عالم خواب شهادتین را بر لب جاری کردم و مسلمان شدم. حضرت زهرا علیها السلام مرا در آغوش گرفت و حالم بهبود یافت. پس، آن حضرت به من فرمودند: از امشب منتظر باش که فرزندم حسن عسکری علیه السلام نزد تو خواهد آمد. شب بعد، حضرت امام حسن عسکری علیه السلام به خوابم آمد. من از گذشته‌ها شکایت کردم و گفتم ای محبوب! من در فراق تو تلف شدم. او فرمود: «نیامدن من، تنها به خاطر مذهب تو بود، حال که اسلام آوردی، هر شب به دیدنت می‌آیم، تا وقتی که این فراق به وصال مبدل گردد.» بحمدالله از آن شب تا به حال، حضرت امام حسن عسکری علیه السلام مرتب به خوابم آمده است. بشرین سلیمان می‌گوید: من از آن خانم پرسیدم: که چه طور شد که به میان اسیران افتادی؟ او گفت: شبی در عالم خواب، امام حسن عسکری علیه السلام فرمود: «فلان روز پدر بزرگت قیصر، لشکری به جنگ مسلمانان می‌فرستد، تو هم به طور ناشناس در لباس خدمتکاران همراه عده‌یی از کنیزان از فلان راه به آنها ملحق شو!» من این کار را انجام دادم. پیش قراولان اسلام مطلع شدند و ما را اسیر کردند و با خود آوردند. من تا به امروز که نامه‌ی حضرت هادی علیه السلام را به من دادی، به احدی نگفتم که دختر قیصر روم هستم، حتا پیرمردی که در تقسیم غنائم جنگ نصیب او شده بودم، از من پرسید: اسمت چیست؟ در پاسخش گفتم: نرجس! گفت: این نام کنیزان است.

بشر می‌گوید، گفتم: تو از کجا عربی را آموخته‌یی؟ گفت: جدم در تربیت من بسیار می‌کوشید، زنی را که به چندین زبان مسلط بود، به عنوان مربی برای من در نظر گرفت، او زبان عربی را به من یاد داد.

بشر می‌گوید: وقتی او را به سامرا خدمت امام علی النقی علیه السلام بردم، حضرت برای رونمای او فرمودند:

«آیا می‌خواهی به تو ده هزار دینار بدهم، یا مژده‌ی مسرت‌انگیزی را بدهم.» عرض کرد: مژده بدهید! فرمود: «به تو مژده می‌دهم که به زودی فرزندی خواهی داشت که شرق و غرب عالم را مالک می‌شود و دنیا را پس از آن که مملو از ظلم و جور شد، پر از عدل و داد می‌کند. عرض کرد: این فرزند از کدام شوهر خواهد بود؟ حضرت امام هادی علیه السلام فرمودند: «از آن کسی که پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در فلان شب و در فلان ماه و در فلان سال رومی، تو را برای او خواستگاری فرمود. در آن شب حضرت عیسی بن مریم علیه السلام و وصی او تو را برای چه کسی تزویج کردند؟» گفت: برای فرزند دلبند شما. فرمود: «آیا او را می‌شناسی؟» عرض کرد: چه گونه او را نمی‌شناسم، در حالی که از آن شبی که به دست حضرت فاطمه علیه السلام مسلمان شده‌ام، او همواره به دیدن من می‌آمد.

امام دهم علیه السلام به خادمش، کافور فرمود: «به خواهرم، حکیمه بگو نزد من بیاید.» وقتی آن بانوی محترمه آمد، حضرت هادی علیه السلام فرمود: «این دختر، همان است که گفته بودم.» حکیمه خاتون او را در بغل گرفت و از دیدارش شادمان گشت. حضرت هادی علیه السلام به حضرت حکیمه خاتون فرمودند: «خواهرم! او را به خانه‌ی خود ببر و مسایل و احکام اسلام را به او تعلیم بده. او



همسرِ فرزندم، حسن علیه السلام و مادر قائم آل محمد (عج) است.

### ولادت

۱. نام دوازدهمین امام شیعیان چیست؟

- محمد همچون رسول خدا صلی الله علیه و آله؛

۲. کنیه‌ی آن حضرت چیست؟

- ابولقاسم؛

۳. پدر بزرگوار آن حضرت چه کسی است؟

- امام حسن عسکری علیه السلام؛

۴. مادر بزرگوارشان چه نام دارد؟

- نرجس خاتون؛

۵. لقب‌های آن حضرت چیست؟

- مهدی، قائم، حجّت‌الله، ولی‌الله، صاحب‌الامر، خاتم، منتظر، صاحب

الزمان، بقیّة‌الله.

۶. عمّه‌ی آن حضرت چه نام دارد؟

- حکیمه خاتون؛

۷. در زمان تولّد حضرت مهدی (عج)، امام حسن عسکری علیه السلام دستور

خواندن چه سوره‌یی را به خواهرشان دادند؟

- سوره قدر؛

۸. آن حضرت چه زمانی و در کجا پا به جهان هستی نهاده و دیده‌ی

روزگار را به دیدار خود روشن ساختند؟

- سحرگاه شب جمعه - پانزدهم شعبان سال ۲۵۵ هجری قمری - در شهر

سامرا.

۹. پس از تولد، آن حضرت چه حرکت شگفت‌انگیزی از خود نشان داد؟  
 - در پیشگاه خداوند سجده نمود و به یگانگی خداوند و رسالت پیامبر ﷺ و به امامت پدرانش گواهی داد و چون به نام خود رسید، گفت: پرودگارا وعده‌ی خود را ظاهر نما، وظیفه‌ام را تمام گردان، گام‌هایم را استوار دار و با قیام من زمین را از عدل و داد پُر کن.

۱۰. تولد آن امام بزرگوار مصادف با حکومت کدام ستمگر روزگار بود؟  
 - معتمد عباسی؛

۱۱. معتمد عباسی برای جلوگیری از تولد امام، دست به چه عمل بی‌رحمانه‌یی زد؟

- همان‌طور که فرعون دستور داده بود هر پسری که متولد می‌شود بلافاصله او را از بین ببرند، معتمد عباسی نیز دستور داد، خانه‌ی امام حسن عسکری علیه السلام را محاصره کنند، عده‌یی از زنان را مأمور مراقبت از همسر امام حسن عسکری علیه السلام کرد، تا به محض ظهور نشانه‌ی بارداری در همسر امام، جریان را گزارش دهند.

۱۲. حضرت چند سال از زندگی خود را با پدر بزرگوارشان گذراند؟  
 - پنج سال، از سال ۲۵۵ تا ۲۶۰ هجری قمری.

### اسامی و القاب مبارک امام زمان (عج) در کلام معصومین:

۱. مهدی، ۲. محسن، ۳. حامد، ۴. احمد، ۵. منعم، ۶. خاتم‌الائمه،
۷. ابوالقاسم، ۸. ابی‌صالح، ۹. خاتم‌الاولیاء، ۱۰. احسان، ۱۱. قطب،

۱۲. خلف، ۱۳. مضطر، ۱۴. قائم الزمان، ۱۵. خلیفة الله، ۱۶. قیّم الزمان،  
 ۱۷. خلیفه الاتقیاء، ۱۸. ناطق، ۱۹. قاطع، ۲۰. فتح، ۲۱. بقیة الله،  
 ۲۲. کاشف الغطاء، ۲۳. داعی، ۲۴. ثائر، ۲۵. کمال، ۲۶. ربّ الارض،  
 ۲۷. نورالاصفیاء، ۲۸. کلمة الحق، ۲۹. سدرة المنتهی، ۳۰. نور الاتقیاء،  
 ۳۱. لسان الصدق، ۳۲. صاحب الغیبة، ۳۳. ولی الله، ۳۴. میزان الحق،  
 ۳۵. صاحب الزمان، ۳۶. وارث، ۳۷. منصور، ۳۸. صاحب الرجعة، ۳۹.  
 هادی، ۴۰. حجت، ۴۱. صاحب العصر، ۴۲. منتقم، ۴۳. حق، ۴۴. صالح، ۴۵.  
 منتظر، ۴۶. حجاب، ۴۷. صاحب الامر، ۴۸. موعود، ۴۹. برهان الله، ۵۰. طاب  
 الثرات، ۵۱. عالم، ۵۲. صاحب، ۵۳. عدل، ۵۴. قائم، ۵۵. غوث، ۵۶.  
 جوارالکنس،  
 ۵۷. ضیاء، ۵۸. غایب، ۵۹. غایة القصوی، ۶۰. خلیل، ۶۱. فجر، ۶۲. باسط،  
 ۶۳. منان، ۶۴. مدبر، ۶۵. مأمول، ۶۶. مؤمل، ۶۷. نور آل محمد ﷺ، ۶۸. نجم،  
 ۶۹. بلد الامین، ۷۰. بقیة الانبیاء، ۷۱. تالی، ۷۲. حاشر، ۷۳. لواء اعظم،  
 ۷۴. خازن، ۷۵. صمصام الاکبر، ۷۶. عین، ۷۷. یعسوب الدین، ۷۸. جابر؛  
 برخی از نامها و القاب حضرت، به خاطر شرایط سخت دوران ظلم جهت  
 ناشناخته ماندن ایشان توسط دوستان آن حضرت چنین خطاب می شد:  
 ۱. فقیه، ۲. جعفر، ۳. ناحیه مقدسه، ۴. رجل، ۵. سید، ۶. سید الدار، ۷. غریم،  
 ۸. صاحب الناحیه؛<sup>(۱)</sup>

(۱) سالنامه مرکز فعالیت های اسلامی صاحب الزمان کرمان.



حضرت مہدی (عج)  
و محبت و رافت

اگر کسی بر روی سکوی محبت بایستد و جهان را از دید عشق بنگرد، متوجه خواهد شد که تمامی جهان با قانون عشق و محبت اداره می‌شود، این مسأله‌یی است که تمام دانشمندان به آن معترفند.

از نظر دانشمندان فیزیک - که حوزه‌ی کار آنها محدوده‌ی فیزیکی و مادی جهان است - یکی از قوانین عام جهان، نیروی جاذبه است؛ یعنی جهان با نیروی جاذبه اداره می‌شود در دنیای جمادات، الکترون‌ها عاشقانه گرد هسته‌ی اتم می‌چرخند، در گیاهان گرایش و کشش‌های گوناگونی از جمله: نورگرایی (فتوتروپیسم) و زمین‌گرایی (ژئو تروپیسم) وجود دارد، که ساقه‌ی گیاه را به سوی نور و ریشه‌ی آن را به سوی زمین هدایت می‌کند. حتا اگر به مانعی برخورد کند، با آن به مبارزه برخاسته، راه خود را ادامه می‌دهد، در این زمینه، آزمایش غربال در علوم طبیعی، شاهدی گویاست.

حیوانات که حیات خاصی دارند، به طور بارزی دارای این ویژگی هستند، وجود غرایز در آنها، بهترین شاهد است. کشش‌های غریزی در جنبه‌های گوناگون، موجب حیات و بقای آنهاست.<sup>(۱)</sup>

### محبت در قرآن

در صد و چهارده سوره‌ی قرآن، دویست و بیست و هشت مرتبه از رحمت خاص و عام آفریدگار جهان نام برده شده و صدها مرتبه به تعبیرات گوناگون از این قانون در تمامی عالم پرده برداری شده است، طوری که بیست و هشت بار

(۱) منسوب به حضرت امیرالمؤمنین علیّه السلام

کلمه‌ی «ودّ» و مشتقات آن؛ صد و پانزده مرتبه لفظ «حبّ» و مشتقات آن و ده‌ها بار لفظ «ولایت» و مشتقات آن به کار برده شده است.

این همه تأکید و توصیه، به خاطر خاصیت فطری انسان است که قرآن نیز به آن اشاره می‌کند؛ زیرا قرآن، زبان فطرت انسان‌هاست و انسان کامل، مجسمه‌یی از تمام قوانین موجود در قرآن کریم است. در نتیجه، آن دو در آثار و خواص مشترکند. از این رو، به هر دو آنها، «کتاب» و «امام» اطلاق شده است.<sup>(۱)</sup>

### محبوب

محبت شدید اقتضا می‌کند عاشق همواره در قرب وصال و حضور معشوق تلاش کند. این شوق لحظه به لحظه شدیدتر می‌گردد، همانند مادری که هنگام جوشش عشق به فرزند، او را به سینه می‌چسباند. گویا تاب و تحمل وجود کوچک‌ترین فاصله‌یی را میان خود و فرزندش ندارد و بر آن است که بیش از پیش در کنار او باشد؛ حتّاً گاهی حاضر است جان خود را نیز فدای جان فرزند کند؛ باشد، تا او باشد و اگر خود فنا شود، باکی نیست. عبارت زیبا و پرمعنای «بِأَبِي أُمَّتٍ وَأُمِّي وَ نَفْسِي وَ أَهْلِي وَ مَالِي»<sup>(۲)</sup> نشانگر همین مطلب است.

### خستگی ناپذیری امام عصر (عج)

با توجه به طول عمر شریف امام عصر (عج) اگر بخواهیم موارد نشاط و

(۱) مهر محبوب ص ۱۹

(۲) زیارت جامعه کبیره.

خستگی ناپذیری ایشان را برشمریم، سبب تألیف کتاب‌های قطوری خواهد شد؛ زیرا روایات در طولانی بودن زمان عبادت و بندگی‌های ایشان به درگاه پروردگار حکیم، همچنین دعاها و مناجات‌ها و راز و نیازهای ایشان به قدری زیاد است که هر کدام موضوع کتاب جدیدی را به وجود می‌آورد. در کتب حدیث، فصل‌های جداگانه‌ی درباره‌ی ادعیه‌ی زیاراتِ وارده و اذکار و نمازهایی از ایشان نقل شده است، که در طول غیبت صغری و کبری آنها را به طور مستقیم تعلیم فرموده‌اند.

آن حضرت هر ساله به زیارت حج تشریف می‌برند، در مراسم آن حضور می‌یابند، و اعمال حج و عمره را انجام می‌دهند. در طول هزار و صد و پنجاه و چندین سال زندگی، چه قدر به نماز ایستاده و روزه گرفته‌اند و اعمالی از واجبات و مستحبات انجام داده و به زیارت اجدادشان به خصوص حضرت امام حسین سیدالشهدا علیه السلام رفته‌اند؛ در هیچ کدام از این اعمال، کوچک‌ترین احساس خستگی و یکنواختی نداشته و ندارند.

مورد دیگر، این‌که در طول مدّت غیبت خود، از هزاران استغاثه‌کننده، دستگیری کرده و به فریادشان رسیده‌اند و از شیعیان به طور جمعی و فردی حمایت فرموده‌اند.

اینها دلایلی‌ست بر این‌که زندگی چندین صد ساله‌ی ایشان مشحون از کوشش در راه عبودیت حق تعالی‌ست و آنی حالت کسالت و ملال در وجد نازنینشان راه ندارد.

چه بسا، شیعیانی که در زمان غیبت امام عصر (عج) هر چند محبوب دل آرای خویش را به چشم سر ندیده بودند، آنچنان دل‌باخته و گداخته‌ی خورشید

فروزان وجودش شده بودند که اندوه فراق، طاقت و آرامش آنها را ربوده و خواب راحت را از دیدگانشان دور ساخته بود؛ چرا که یار را به خود نزدیک، اما خود را از او دور می‌یافتند.

یار نزدیک‌تر از من به من است وین عجب‌تر که من از وی دورم!  
 او - هر چند جسم مبارکش از دیدگان غایب است - در دل‌های پاکان و خلوتگه راز داران، در مناجات عارفان، در نجوای استغفار دل شکستگان حضور دارد و با آنهاست. آنها نیز در سجده‌های طولانی، رکوع‌های خاشعانه و خاضعانه و در مناجات شبانه و خالصانه‌ی خود همواره از او یاد می‌کنند.

آنها در به جا آوردن نمازهای اول وقتشان با یار همراهی می‌کنند. یکی از رموز نماز اول وقت همین است که موجب همراهی محب با محبوب می‌گردد و نمازش با نماز او همراه و یکی می‌شود. پس، محبت و عشق، تنها به دیدن و رؤیت دیده‌ی جسمانی حاصل نمی‌شود. که محبوب محبوب‌ها نیز در زمان غیبت با چشم ظاهری قابل رؤیت نیست.<sup>(۱)</sup>

در تجلیات فرزند نرجس خاتون (ارواحن فداه) برای عاشقان رویش، چه بسیار می‌بینیم آنان که برای اولین بار، محضر همایونی و شریفش را درک نموده‌اند، او را از احسانش شناخته‌اند؛ چرا که سرتاسر وجود او محبت به شیعیان و عنایت به دوستان و خاکساران آستانش است.

یکی از علل ارادت و محبت ما نسبت به ذات مقدس ایشان، احسان و

(۱) مهر محبوب، ص ۱۶۸.



کرامت و بزرگواری آنهاست که: «عادتکم الاحسان و سجیتکم الکرّم»<sup>(۱)</sup>. یکی از بزرگ‌ترین احسان‌های امامان و بزرگواران (سلام‌الله‌علیهم‌اجمعین) الفت دادن به قلوب مؤمنان و عاشقان است. قرآن کریم آن را منتهای الطاف الهی به شمار آورد:

«فَالْفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا»

«آن‌گاه میان دل‌هایتان الفت بخشید، پس به واسطه‌ی نعمت او (اسلام) برادر یکدیگر شدید.» از وظایف مهم امامان و پیشوایان معصوم، بیدار کردن فطرت‌های خفته است.

دل پاک امام علیه‌السلام قدرت جاذبه‌ی خاصی دارد که دل‌های پراکنده را به سوی خویش فرا می‌خواند و آنها را حول محور شعاع‌های وجود نورانی خویش همسو می‌نماید. سرانجام، به وسیله‌ی تماس‌های مستمر و دایمی، خاصیت جاذبه و ربایش او به دل‌های دیگر سرایت می‌کند. دامنه‌ی امواج این نیرو آنچنان گسترده است که حتّاً از پس ابرهای تیره و سیاه غیبت نیز به باطن اشیا نفوذ می‌نماید و آنها را به سوی خویش جذب می‌کند.

«أَيْنَ مُؤَلَّفُ شَمَلِ الصِّلَاحِ وَالرِّضَا؟»

«کجاست آن امام بزرگواری که دل‌های پراکنده‌ی اهل صلاح و صفا را به هم الفت دهد؟»

از دیگر علل محبت به او، جمال و زیبایی اوست؛ چرا که انسان به طور فطری هر پدیده‌ی زیبایی را دوست دارد. خداوند هم این خواسته‌ی فطری

(۱) زیارت جامعه کبیره.

انسان را تأیید نموده است. او انسان و مناظر پیرامون وی را به زیباترین شکل آفریده و در تمام آفرینش جنبه‌ی تناسب را رعایت نموده؛ این صورتگر ماهر چنان به رنگ‌آمیزی جهان پرداخته که با تماشای آن، تماشاگران مدهوش می‌شوند. خداوند نیز بارها در آیات کریمه‌ی قرآن دامنه‌ی کوهساران، کرانه‌ی دریاها، تابش زیبای ماه و خورشید و ستارگان را توصیف می‌کند و به بیان این زیبایی‌ها می‌پردازد. زیبا دوستی و جمال پرستی از خواسته‌های مسلم انسان است و مقدار زیادی از توان و تلاش این خلیفه‌ی الهی صرف زیباسازی محیط زندگی‌اش می‌گردد.<sup>(۱)</sup>

به طور کلی، دیدن موجود زیبا و با طراوت، خود به خود برای انسان لذت بخش است، اگر چه نفع دیگری از آن عاید شخص نگردد. لذا آن هنگام که به منظره‌ی زیبای ساحل آرام دریا و یا جنگلی انبوه از درختان سبز سر به فلک کشیده و یا دشتی خرم و پهناور می‌نگریم و یا حتا تصویر زیبایی از طبیعت را نظاره می‌کنیم، از آن لذت برده، دلشاد می‌شویم و از آنجا که اندیشه و فکر انسان به عالم ماده و زیبایی آن محدود نمی‌شود و زیبایی‌های روحانی و معنوی را بیشتر ارج می‌نهد، زیبایی نامتناهی معنوی را بیش از همه چیز طالب است.<sup>(۲)</sup>

شاید شما بارها آزموده باشید که اگر نیمه شبی در دل سحر با محبوب بی نیاز خویش خلوتی داشته، تسبیح و تقدیس و عرض نیازی نموده‌اید، با تمام

(۱) مهر محبوب، ص ۴۰.

(۲) المحججه البيضاء ۱۲/۸.

وجود، عنایات کریمانه‌اش را دریافته‌اید و از صمیم قلب احساس کرده‌اید که این بار مولای محبوبتان، امام زمان را بیشتر دوست می‌دارید و با او سنخیت بیشتری دارید. این، همان محبت است که باعث قداست و پاکی می‌شود، پاکی و قداست نیز مشروط بر آن که از طریق راهنمایی ائمه‌ی اطهار علیهم‌السلام باشد، سبب مزید محبت خواهد شد. این همه، از همسانی و ائتلاف ارواح ما با آن ذات پاک و مقدس سرچشمه می‌گیرد.

همین مشابهت در اصل آفرینش و خصوصیات فطری و روحی، سبب جذب و کشش ما به سوی آنان می‌شود، هر چه قرب و نزدیکی بیشتر باشد، این دوستی و سنخیت عمیق‌تر می‌گردد.

در آیه‌ی کریمه‌ی سوره بقره واژه‌ی «وسط» به کار رفته که به معنای معتدل است؛ یعنی افراط و تفریط در آن راهی ندارد. در نتیجه، عاشق صادق، شمع شاهد خود را - که معتدل و به دور از افراط و تفریط است - به ملاک سنخیت با او می‌شناسد. این سنخیت از اصل آفرینش و نور در خلقت، پرده برمی‌دارد؛ زیرا همه آنان به شهادت آیه‌ی کریمه ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدَّ حُبًّا لِلَّهِ﴾ «و کسانی که ایمان آورده‌اند به شدت خدا را دوست دارند و شاخص‌های خود را می‌شناسند.»<sup>(۱)</sup>

برای مثال: امیرالمؤمنین علیه‌السلام شاهد و الگو و «قسیم الجنه و النار» است، ملاک و الگوی عشق انبیاست؛ خوبِ خوبان و محبوب محبوب‌هاست.

## آثار محبت

هر چند در ظاهر، اعضا و جوارح ما در فعالیت‌های خود از عقل فرمان می‌گیرند؛ در حقیقت، مرکز فرمان اصلی، قلب و دل انسان است و همچنین دل مرکز کنترل محبت‌ها و دوستی‌هاست. پس، اگر این مرکز کنترل و فرماندهی و سازماندهی وجود انسان به محبوبی اشتغال تام داشته باشد، تمام نیروهای تحت فرمان او - که اعضا و جوارحند - با یکدیگر هماهنگ و هم‌آواز خواهند شد.

نوشته‌های سید ابن طاووس و کتاب‌های غیبت نعمانی، النجم الثاقب، مکیال المکارم و پیوند معنوی شاهد گویای این ادعا هستند. جملات نویسندگان آنها بیانگر شدت محبت آنان به ساحت مقدس مولایشان (عج) است و نشان می‌دهد که چه گونه پروانه‌وار به گرد شمع فروزان وجود ایشان می‌گردند و ظهور خورشید جمالش را به انتظار نشسته‌اند. چه بسا، کامروا چشم از دنیا فرو بسته‌اند.

از سوی دیگر، ذکر و یاد محبوب، امواج محبت را در قلب محب خروشان‌تر و متلاطم‌تر می‌گرداند؛ زیرا چشم، گوش و زبان، هر کدام راه‌های نفوذ به قلب‌اند. پس، آن هنگام که محب آوای محبت محبوبش را بشنود و منتظر نشانی از او باشد و یا به ذکر نام زیبایی او زبان بگشاید، امواج محبت از این منافذ به درون دریای دل راه یافته، موجی بر امواج بلند آن می‌افزاید و آتش عشق او را فروزان‌تر می‌گرداند؛ بخصوص اگر زمزمه‌ی عشق به معشوق به گونه‌ی باشد که صدای جان بخش او را بشنود، شوری دیگر در قلب عاشق آفریده خواهد شد که با شنیدن صدای روح افزای معشوق، تمام وجودش به

گوهر عشق او مزین خواهد شد. در اینجاست که عاشق سراپا محبت می‌گردد و هر موی و رگ و خون او فریاد عشق و ندای وصال سر می‌دهد. اکنون به گوشه‌یی از مناجات‌های سوزناک حضرت زین العابدین، امام سجاده علیه السلام می‌نگریم:

«خداوندا! بر محمد و آل محمد درود فرست و در اوقات غفلت مرا برای یاد خود بیدار گردان، و در ایام فراغت مرا به بندگی خود بگیر و برای من به سوی محبت خود راهی هموار بگشا و به وسیله‌ی آن، خیر دنیا و آخرت را برای من کامل فرما.»<sup>(۱)</sup>

(۱) صحیفه‌ی سجادیه، دعای بیستم، بخش ۲۹؛ فیض الاسلام، ص ۱۴۱.



حضرت مهدی (عج)

در مورد

دیدگاه ادیان

اعتقاد به مهدی موعود، مسأله‌یی است که در تمام ادیان و مذاهب مختلف جهان اعم از کلیمی، مجوسی، اسلام و غیره مطرح بوده و هست، به این معنی که در آخر الزمان مُصلحی ظهور خواهد کرد و به جنایت‌ها و خیانت‌ها و تبعیض‌های بشر خاتمه خواهد داد. آری، اعتقاد به مهدی، نه تنها باوری اسلامی است که عنوانی برای خواسته‌ها و آرزوهای همه انسان‌های دردمند و ستم‌دیده با کیش و مذاهب گوناگون می‌باشد. همچنین بازده الهام فطری مردم است و با تمام اختلافاتی که در عقاید و مذاهب گوناگون وجود دارد، دریافته‌اند که برای انسانیت در زمین، موعودی خواهد بود که با ظهورش هدف نهایی ادیان الهی تحقق یافته و مسیر آن به دنبال رنجی بسیار، همواری و استواری لازم است. بنابراین، مسأله‌ی مهدویت با سابقه‌یی دیرینه در مذهب ملت ریشه دارد.

انجیل: «کمرهای خویش را بسته، چراغ‌های خود را افروخته بدارید؛ شما مانند کسانی باشید که انتظار آقای خودشان را می‌کشند، که چه وقت از عروسی مراجعت می‌کند، تا هر وقت که بیاید و در را بکوبد، بی‌درنگ برای او باز کنند، خوشا به حال آن غلامان که آقا ایشان را بیدار یابد... پس، شما نیز مستعد باشید؛ زیرا در ساعتی که گمان نمی‌برید پسر انسان می‌آید.»

تورات: «نهالی از تنه‌ی «یسی» بیرون آمده، شاخه‌یی از ریشه‌هایش خواهد شکفت و روح خدا بر او قرار خواهد گرفت... مسکینان را به عدالت داوری خواهد کرد و به جهت مظلومان زمین، به راستی حکم خواهد کرد، گرگ با بزّه سکونت خواهد کرد و پلنگ با بزغاله و گوساله و شیر و پرواری با هم؛ طفل کوچک آنها را خواهد راند. در تمامی کوه مقدس من ضرری نخواهد کرد؛

زیرا جهان از معرفت خدا پرخواهد شد.»

زبور: «شیران منقطع خواهند شد و اَمّا منتظرانِ خداوند وارث زمین خواهند شد. هان! پس از اندک زمانی شیر نخواهد بود. در مکانش تاُمُل خواهی کرد و نخواهی بود.»

### دیدگاه ادیان پیرامون امام زمان (عج)

زبور حضرت داود از کتاب مقدس

۱. میان امت‌ها بگوئید: خداوند سلطنت می‌گیرد، ربع مسکونی پایدار می‌شود و جنبش نخواهد خورد، قوم‌ها را به انصاف داوری خواهد نمود، آسمان شادی کند، و زمین مسرور گردد و دریا و پری آن غرّش نماید، صحرا و هر چه در آن است به وجد آید، آن‌گاه تمام درختان جنگل ترنم خواهند کرد؛ زیرا می‌آید برای داوری جهان می‌آید، ربع مسکون را به انصاف داوری خواهد کرد.<sup>(۱)</sup>

۲. شیران منقطع خواهند شد و اَمّا منتظرانِ خداوند وارث زمین خواهند شد.<sup>(۲)</sup>

کتاب شاکمونی (هندوها)

پادشاهی و دولت دنیا به فرزند سید خلائقِ دو جهان، یعنی «کشن» (در لغت هندی نام پیامبر اسلام است) بزرگوار تمام می‌شود. وی کسی است که بر

(۱) مزمور، ۹۶.

(۲) مزمور، ۳۷.



کوه‌های مشرق و مغرب دنیا حکم می‌راند، فرمان می‌دهد، بر ابرها سوار می‌شود، فرشتگان، کارکنان او بوده و جن و انس در خدمت او می‌باشند. از سودان که زیر خط استواست، تا ارب تسعین که زیر قطب شمالی است و ماورای دریاها را صاحب می‌شود؛ دین خدا، یک دین شده و دین خدا زنده می‌گردد، نام او «قائم» بوده و خداشناس می‌باشد.

### کتاب دادنگ (بودائیان)

از قول بودا: پس از آن که مسلمانی به هم رسید و در آخر، عالم از ظلم، فسق، گناه، ریای زاهدان، خیانت امینان، حسودی بخیلان و، عمل نکردن دانایان به آموخته‌ی خود، دنیا از ظلم، جفا و گناه پر شود، از دین جز نام آن نماند، پادشاهان و رئیس‌ان، بی‌رحم و ظالم شوند و رعیت بی‌انصاف، نافرمان و متقلب شود، همه در خرابی نظم دنیا بکوشند و همه جا را کفر و ناسپاسی فرا گیرد، آن وقت «دست راستین»، جانشین «مماطا» (یعنی محمد ظهور کند) خاور و باختر عالم را بگیرد. آدمیان را به راه خوبی‌ها رهبری کند. او تنها حق و راستی را قبول می‌کند و بس.

### تورات

۱. در ایام آخر، واقع خواهد شد... داوری میان امت‌ها روان خواهد شد او امت‌ها را داوری خواهد نمود. قوم‌های بسیاری را تنبیه خواهد کرد. امتی بر امتی شمشیر نخواهد کشید و بار دیگر، جنگ را نخواهد آموخت.<sup>(۱)</sup>
۲. عصای قدرت و سلطنت یهود دور نخواهد شد، فرمانروایی از میان

(۱) کتاب اشعاع نبی، باب دوم، بندهای ۲ - ۴.

پاهای وی تا (شیلو)<sup>(۱)</sup> نیاید و او را اطاعت امت‌ها خواهد بود.<sup>(۲)</sup>

۳. طفل شیرخوار بر سوراخ مار بازی خواهد کرد. طفل از شیر باز داشته شده، دست خود را بر خانه‌ی افعی خواهد گذاشت و در تمامی کوه مقدس من ضرر و فساد نخواهند کرد زیرا؛ که جهان از معرفت خداوند پر خواهد بود، مثل آب‌هایی که دریا را می‌پوشانند.<sup>(۳)</sup>

### انجیل

۱. عیسی علیه السلام به ایشان گفت: هرآینه، به شما می‌گویم، شما که مرا متابعت نموده‌اید، وقتی پسر انسان بر کرسی جلال خود نشیند، شما نیز به دوازده کرسی نشسته، بر دوازده سبط داوری خواهید نمود و هرکه به خاطر اسم من، خانه‌ها یا برادران یا خواهران یا پدر یا زن یا فرزندان یا زمین‌ها را ترک کرد، صد چندان [آن را] خواهد یافت و وارث جاودانی خواهد گشت.<sup>(۴)</sup>

۲. به جنگ، نیکو جنگ کرده‌ام و دوره‌ی خود را به کمال رسانیده، ایمان را محفوظ داشته‌ام؛ پس از این، تاج عدالت برای من حاضر شده است، که خداوند داور عادل در آن روز به من خواهد داد، نه به من، بلکه به همه کسانی که ظهور او را دوست دارند.<sup>(۵)</sup>

(۱) شیلو: کسی که دارای حق است و صلح و سلامتی را با خود می‌آورد.

(۲) تورات، سفر پیدایش، شماره ۱۰ و ۴۲.

(۳) اشعیا نبی، باب یازدهم، بندهای ۸ - ۹.

(۴) انجیل متی، باب ۱۹، بندهای ۲۸ و ۲۹.

(۵) رساله دوم پولس به تیموتائوس، باب ۴، بندهای ۷ و ۸.

۳. به زودی می آیم. پس، آنچه داری حفظ کن، مبادا کسی تاج تو را بگیرد! (۱)

۴. پس از مصیبت آن ایام، آفتاب تاریک گردد و ماه، نور خود را ندهد، ستارگان از آسمان فرو ریزد و افلاک متزلزل گردد و آن گاه عداوت بر انسان....

۵. در آسمان پدید آید و آن وقت، جمیع طوایف، سینه زنی کنند و پسر انسان را ببینند که بر ابرهای آسمان باقوت و جلال عظیم می آید. (۲)

۶. راست می گویم که رفتن من برای شما مفید است؛ زیرا اگر بروم، «تسلی دهنده» نزد شما نخواهد آمد. اما اگر بروم، او را نزد شما می فرستم و چون او آید، جهان را بر عدالت و داوری ملزم خواهد نمود... چیزهای بسیار دیگری نیز دارم که به شما بگویم، لکن الان طاقت تحمل آنها را ندارید؛ زمانی که او، یعنی «روح راستی» آید، شما را به جمیع راستی ها هدایت خواهد کرد؛ زیرا که او از خود تکلم نمی کند، بلکه به آنچه شنیده است سخن خواهد گفت. از امور آینده به شما خبر خواهد داد، آنچه از آن من است می گیرد و به شما خبر خواهد داد. (۳)

۷. آن گاه پسر انسان را می بیند که باقوت و جلال عظیم بر ابرها می آید. در آن وقت فرشتگان، خود را از جهات اربعه، از انتهای زمین تا اقصای فلک فراهم خواهند آورد... ولی از آن روز و آن ساعت هیچ کس غیر از پدر اطلاع

(۱) مکاشفه یوحنا، رسول، باب، بند ۱۱.

(۲) انجیل متی، باب ۲۴، بندهای ۲۹ و ۳۰.

(۳) انجیل یوحنا، باب ۱۶، شماره ۷.

ندارد، نه فرشتگان در آسمان و نه پسر هم! پس، در حذر باشید، بیدار شده و دعا کنید؛ زیرا نمی‌دانید آن وقت، چه زمانی است. (۱)

### نظرات دانشمندان درباره‌ی حکومت واحد جهانی

آلبرت انیشتاین، دانشمند و ریاضی‌دان بزرگ:

ملل جهان از هر نژاد و رنگی که باشند، می‌توانند و باید زیر پرچمی واحد در صلح، برابری و برادری زندگی کنند. حکومت‌های متعدّد، خواه و ناخواه به نابودی بشریت منجر خواهند شد.

برتراند راسل، دانشمند و فیلسوف مشهور انگلستان:

اکنون که از لحاظ فنی مشکل بزرگی در راه امپراطوری وسیع جهانی وجود ندارد و چون اثرات تخریبی جنگ اکنون بیش از قرن‌های گذشته است، حتماً باید حکومت واحدی را قبول کنیم یا اینکه به عهد بربریت برگردیم و یا به نابودی نژاد انسانی راضی شویم. (۲)

کانت، فیلسوف مشهور آلمانی:

ایجاد نظم منوط به وضع قانونی جهانی است. این، همان خواسته‌ی مذاهب است. این، همان است که پیامبران از دورانی بس کهن برای تحقق بخشیدن به آن به پاخاسته، خروش برآوردند و به‌دین گونه قصد داشتند روشنگر تاریکی‌ها باشند.

(۱) انجیل مرقس، باب ۱۳، شماره ۱۹ و ۳۲.

(۲) تاثیر علم بر اجتماع، ص ۵۶.

پروفسور آرنولد توین بی، متفکر انگلیسی:  
تنها راه حفظ صلح و نجات نسل بشر، تشکیل حکومتی جهانی و  
جلوگیری از گسترش سلاح‌های اتمی است.  
پدوسکا، مبلغ مذهب مسیحیت در آمریکا:  
در انجیل برای ظهور مصلح جهانی علائمی ذکر شده است؛ از جمله: وقوع  
زلزله‌ها، سیل‌ها، جنگ‌ها، قحطی و خشکسالی که تمام این علایم محقق  
شده‌اند، آن روز، بسیار نزدیک است.  
ایچیر و اوزاوا یکی از مقامات ژاپن:  
حلّ مسایل و معضلات ژاپن با اصلاحات امکان‌پذیر نیست. چیزی که ما  
نیاز داریم یک انقلاب است.

خاخام و سیروئل دیوید وایس:

کسانی که به کتاب تورات معتقدند، می‌دانند وجود اسرائیل به طور کامل  
غیر مذهب یهود است و تورات تصریح می‌کند یهودیان تا ظهور ناجی خود  
نمی‌توانند از دولت برخوردار شوند.

آیین زرتشت:

در آسمانی بودن آیین زرتشت اختلاف وجود دارد، ولی گروهی از محققین  
اسلامی آن آیین را در زمره‌ی ادیان آسمانی برشمرده‌اند. در آن آیین نیز  
موضوع منجی جهان مطرح شده است و افراد زرتشتی را به آمدن او بشارت  
داه‌اند. ما به یک مورد اشاره می‌کنیم:

در آیین زرتشت، «سوشیانت» به عنوان منجی جهان یاد شده است.  
کلمه‌ی سوشیانت که در کتاب «اوستا» از او یاد شده است، به معنای «سود

رساننده» و «سود بخش» است. سوشیانت یاوران و نگاهبانان آیین «مزدیسنا» هستند، که هدفشان رستگاری و نجات مردم از جهل، ناامنی، ظلم و ستم است. سوشیانت بزرگ به عنوان منجی کل جهان می‌باشد.

#### کتاب پاتیکل (هندوها):

چون مدت روز تمام شود، دنیای کهنه، نو شود و زنده گردد. صاحب ملک تازه پیدا شود. از فرزندان و پیشوای جهان یکی ناموس آخرالزمان و دیگری صدیق اکبر، یعنی وصی بزرگ‌تر وی که «پشن» نام دارد، نام صاحب آن ملک تازه «راهنما» است، به حق پادشاه شود و خلیفه «رام» (خدا) باشد و حکم براند. برای او معجزات بسیاری باشد. هر که به او پناه برد و دین پدران او را اختیار کند، سرخ روی باشد و نزد رام او تمام شود و از ساحل دریای محیط، جزایر سراندیب، قبر آدم علیه السلام، از جبال القمر تا شمال هیکل زهره تا سیف البحر و اقیانوس را مسخر گرداند.

#### کتاب زکریای نبی:

اینک، روز خداوند می‌آید و غنیمت تو در میان [شما] تقسیم خواهد شد. جمیع امت‌ها را ضد اورشلیم برای جنگ جمع خواهیم کرد، شهر را خواهند گرفت و خانه‌ها را تاراج خواهند نمود، آن روز، [روز] معرفت خداوند خواهد بود، و «یهوه» (خدا) بر تمامی زمین پادشاه خواهد بود.

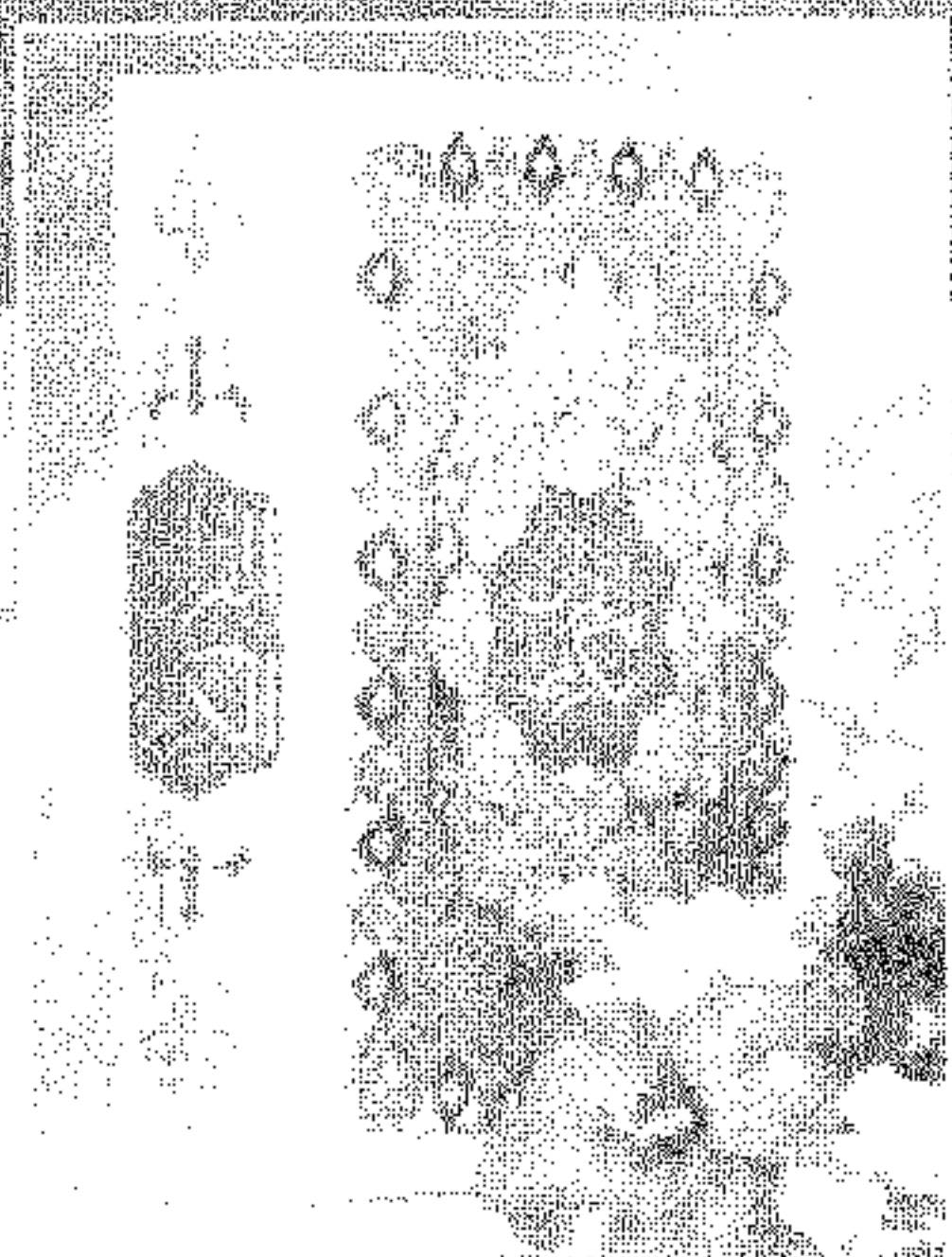
اسامی مقدس امام زمان (عج) در کتب مذهبی ملل مختلف جهان

عقاید اقوام درباره‌ی ظهور حضرت مهدی (عج):

۱. ایرانیان باستان: گرزا سیه از کابل قیام خواهد کرد.

۲. برهمنان: در پایان دنیا شینو قیام خواهد کرد.

۳. نژاد اسلام: از مشرق یک نفر قیام می‌کند.
۴. نژاد انگل ساکسون: آرتور از جزیره‌ی آلوان ظاهر می‌شود و بر دنیا مسلط می‌گردد.
۵. نصاری: ماهدی (مهدی) ظهور می‌کند و عالم را متصرف می‌شود.
۶. قسمتی از یک لوح درهرم ثلاثه مصر: ریان دومغ هستم. روزی فرا می‌رسد که فرستاده‌ی پروردگارم قفل‌ها را از این اسرار بگشاید. او کسی است که در پایان دنیا در اطراف خانه‌ی خدا پدیدار می‌گردد.
- توضیح: این لوح در سال ۲۷۰ هجری، قمری به وسیله احمد بن طولون، حکمران مصر کشف و توسط اسقف حبشه خوانده شد.
۷. فیلسوف، پتاه هوتپ (۳۰۰ هق): سلطانی دادگر خواهد آمد که اختلاف‌های طبقاتی را از بین می‌برد و مردم را به آرامش خواهد رساند. اما بدانید او نیرویش دیده نمی‌شود و جهان را با آن نیرو مسخر می‌گرداند.
- توضیح اینکه: پتاه هوتپ وزیر سلسله‌ی پنجم فراعنه‌ی مصر بود که در شهر همفیس زندگی می‌کرد.
۸. اقوام اسکاندیناوی: برای مردم بلاهایی می‌رسد و جنگ عالمگیر زندگی اقوام را تباه می‌سازد. آن‌گاه اودین با نیرویی [عظیم] بر همه پیروز می‌گردد.
۹. یونانیان: نجات دهنده‌ی دنیا، کالوپرک ظهور می‌کند.
۱۰. اقوام اروپای مرکزی: بوحض، ظهور می‌کند و دنیا را تصرف می‌کند.
۱۱. اقوام آمریکای مرکزی: نجات بخش دنیا، «کوتزلکوتل» پس از بروز حوادثی، در جهان پیروز خواهد شد.



(عج)

# قرآن مصدق دیدگاه دین پرستان حضرت



در قرآن آیاتی در موضوعاتی مثل: حتمی بودن غلبه‌ی نور الهی، نوید اینکه [دنیا] به دست مؤمنان خواهد افتاد و خدا دینشان را پا برجا خواهد ساخت، ترس، آنان را به امنیت و آرامش بدل خواهد کرد، زمین را بندگان صالح خدا به ارث خواهند برد و غیره وارد شده است. برخی از این آیات، تنها به مدد روایات و تفسیرهای مبتنی بر دیدگاه‌های کلامی یا مصادر حجیت مذهبی در آموزه موعود می‌تواند دلالت کند، اما برخی دیگر، دلایل مستقل تری بر حتمی بودن وقوع حادثه‌یی از این دست، دارد. هر چند، این آیات از کم و کیف ماجرا خبری نمی‌دهد، این آیات صراحت کافی در اینکه مصداق آن وعده‌ها، همانا ظهور منجی جهانی اسلام، مهدی موعود می‌باشد، ندارد. با وجود این، به نظر می‌رسد حداقل آیات زیر را بتوان منشاء قرآنی باور مسلمین در مورد حقیقت وجود موعود دانست.

✽ سوره نور، آیه ۵۵:

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَ لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَن كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾

«خداوند به کسانی که ایمان آورده‌اند و اعمال صالح انجام داده‌اند وعده می‌دهد که آنها را خلیفه‌ی روی زمین قرار خواهد داد. همان‌گونه که به پیشینیان خلافت روی زمین را بخشید و دین و آیینی را برای آنها پسندیده، پابرجا و ریشه دار خواهد ساخت. خوف و ترس آنها را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند. آنچنان که تنها مرا می‌پرستند و چیزی را برای من شریک نخواهند ساخت و کسانی که پس از آن، کافر شوند، فاسقند.»

بدون شک حکومت، مهدی (عج) که طبق عقیده‌ی عموم مسلمین اعم از شیعه و سنی، سراسر زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد، وقتی ظلم و جور همه جا را فرا گرفته باشد، که مصداق کامل این آیه است.

✽ سوره هود، آیه ۸۶:

﴿بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾

«بقیة الله برای شما بهتر است، اگر ایمان داشته باشید.»

در روایات متعددی می‌خوانیم از بقیة الله که به وجود حضرت قائم (عج) تفسیر شده است. از جمله کتاب اکمال الدین از امام محمد باقر علیه السلام چنین نقل گردیده است: «نخستین سخنی که مهدی (عج) پس از قیام خود می‌گوید این آیه است: ﴿بقیة الله خیر لکم ان کنتم مومنین﴾ سپس می‌گوید: من بقیة الله و حجت و خلیفه‌ی او میان شما هستم. پس از آن، هیچ کس بر او سلام نمی‌کند، بلکه می‌گوید: السلام علیک یا بقیة الله فی ارضه

✽ سوره یونس، آیه ۲۰:

﴿الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانْتَبِهُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ﴾

«مراقب باشید همانا، من نیز مراقبم.»

در روایات، این آیات به انتظار فرج مهدی (عج) تأویل شده است. تفسیر المیزان در ذیل این آیه شریفه نقل می‌کند که محمد بن فضیل از حضرت رضا علیه السلام درباره‌ی انتظار فرج سؤال کرد. امام علیه السلام در جواب فرمود: «نمی‌دانید که انتظار فرج، خود فرج است.» آن‌گاه فرمودند: «خدا می‌فرماید: ﴿فارتبوا انی معکم رقیب﴾.»

همچنین در مورد غیبت، نعمانی از فضیل بن یسار روایت کرده که از امام جعفر صادق علیه السلام پرسیدم: مقصود از آیه ﴿یوم ندعو اکل الناس بامامهم﴾ چیست؟ ایشان فرمود: «ای فضیل! امام خود را بشناس که شناختن او به تو

ضرری نمی‌رساند، خواه این امر زود واقع شود و خواه به تأخیر بیفتد. کسی که امام خود را بشناسد و پیش از قیام صاحب الامر بمیرد، مثل کسی است که در لشکر او نشسته است.» برخی از اصحاب این‌گونه روایت کرده‌اند: «مثل کسی است که در رکاب پیغمبر ﷺ شهید شده است.»

✽ سوره انبیاء، آیه ۱۰۵:

﴿... أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾

«همانا، زمین را بندگان شایسته‌ی من به میراث خواهند برد.»

✽ سوره نمل، آیه ۶۲:

﴿أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ...﴾

«یا آن‌که درمانده را چون (خدا) بخواند اجابتش کند و رنج را برطرف نماید و

شما را [در] زمین جانشین قرار دهد.»

✽ سوره قصص، آیه ۵:

﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾

«و ما اراده کردیم که بر آن طایفه‌ی ضعیف و ذلیل در آن سرزمین منت گذاریم و

آنها را پیشوایان خلق قرار دهیم و وارث ملک و جاه فرعونیان گردانیم.»

✽ سوره فصلت، آیه ۵۳:

﴿سَنُرِيهِمْ يُتَيَّنًا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ...﴾

«به زدوی آیاتمان را در آفاق و در وجود خودشان به آنان نشان خواهیم داد،

تا برایشان آشکار شود که او حق است.»

✽ سوره صف، آیه ۸:

﴿يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ، وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ.﴾

«می‌خواهند نور خدا را با دهان‌هایشان [با گفتار باطل و طعن و مسخره] خاموش

کنند، ولی خدا، کامل کننده‌ی نور خویش است، اگرچه کافران را ناخوش آید.»

✽ سوره صف، آیه ۹:

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ  
وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾

«اوست آن خدایی که پیامبر خود را همراه با هدایت و دین راستین فرستاد،

تا او را بر همه ادیان پیروز گرداند. هر چند، مشرکان را ناخوش آید.»

✽ سوره صف، آیه ۱۳:

﴿وَأُخْرَىٰ تُحِبُّونَهَا نَصْرٌ مِّنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ وَبَشِيرٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ﴾

«و نعمتی دیگر که دوستش دارید نصرتی ست از جانب خداوند و پیروزی

نزدیک است و مؤمنان را مژده بده.»

✽ سوره عصر، آیه ۱-۳:

﴿وَالْعَصْرِ ﴿۱﴾ إِنَّ الْإِنسَانَ لَفِي خُسْرٍ ﴿۲﴾ إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا  
الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ ﴿۳﴾﴾

«سوگند به زمان که آدمی در زبان است، مگر آنها که ایمان آورده‌اند و

کارهای شایسته کردند و یکدیگر را به حق و صبر سفارش نمودند.»

✽ سوره انعام، آیه ۱۵۸:

﴿يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ ءَايَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا ءِيمَانُهَا لَمْ تَكُنْ ءَامَنَتْ مِن قَبْلُ  
أَوْ كَسَبَتْ فِي ءِيمَانِهَا خَيْرًا...﴾

«روزی که پاره‌یی از آیات پروردگار تو پدیدار گردد، آن روز، هیچ کس را -

اگر از پیش، ایمان نیاورده باشد - ایمان و باور، سودی نخواهد بخشید.»

✽ سوره بقره، آیه ۱۴۸:

﴿فَاسْتَبِقُوا الخَيْرَاتِ اِنَّ مَا تَكُونُوا يَاتِ بِكُمْ اللّٰهُ جَمِيعًا...﴾

«در نیکی کردن، بر یکدیگر سبقت گیرید، هر کجا باشید خدا شما را گرد می‌آورد.»

✽ سوره مائده، آیه ۵۴:

﴿يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ، فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ...﴾

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هر کس از شما از دینش باز گردد، چه باک، که به زودی، خدا مردمی را برانگیزد که دوستشان بدارد و آنان نیز خدا را دوست بدارند.»

✽ سوره اسراء، آیه ۸۱:

﴿وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا﴾  
«بگو حق آمد و باطل نابود شد، حقا که باطل نابود شدنی بود.»

✽ سوره توبه، آیه ۳۳:

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ، وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾

«او همان خدایی است که رسول خویش را با دین حق برای راهنمایی فرستاد، تا آن دین را پیروز گرداند بر همه دین‌های دیگر، هر چند بر مشرکان دشوار آید.»

✽ سوره اسراء، آیه ۳۳:

﴿وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ، سُلْطٰنًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا﴾

«و هرگز نفس محترمی که خدا قتلش را حرام کرده مکشد، مگر آن که به حکم حق مستحق قتل شود و کسی که خون مظلومی را به ناحق بریزد، ما به ولی او حکومت و تسلط بر قاتل دادیم. پس در مقام انتقام آن ولی در قتل و خونریزی اسراف نکند، که او از جانب ما مؤید و منصور خواهد بود.»

حضرت مهدی (عج)

در مورد

دیدگاه اهل سنت

به طور کلی، در میان عارفانِ مسلمان اعم از سنی و شیعه و آنان که ادعای رؤیت و مشاهده‌ی مهدی موعود را دارند، یا آنان که چنین ادعایی نکرده‌اند، به چهره‌های مشهوری برمی‌خوریم که هر کدام به گونه‌ی وجود حضرت مهدی (عج) و «غیبت» و «ظهور» او را مورد تأکید قرار داده‌اند و این موضوعات را از حقایق مسلم دین و وقایع حتمی جهان دانسته‌اند؛ کسانی مانند:

۱. شیخ محی الدین عربی ۲. شیخ صدر الدین قونیوی ۳. جلال الدین رومی ۴. شاه نعمت الله ولی ۵. شیخ حسن عراقی ۶. شیخ عبدالوهاب شعرانی ۷. شیخ فرید الدین عطار نیشابوری ۸. حافظ رجب برسی ۹. شیخ محمود شبستری ۱۰. شیخ احمد جام نامقی (ژنده پیل) ۱۱. شیخ ابویعقوب بادسی ۱۲. خواجه محمد پارسا.

کسانی که نام بردیم، برخی از عرفای اهل سنت و برخی شیعه هستند. در اینجا، لازم است بگوییم که میان اهل سنت به ویژه عالمان، محققان و عارفان و شاعران ایشان، افراد بسیاری به هم رسیده‌اند که نسبت به مقام والای مهدی آل محمد ﷺ اظهار ارادت و اخلاص کرده‌اند و از خودشیفتگی نشان داده‌اند.

### **عقیده‌ی علمای اهل سنت درباره‌ی وجود مقدس امام زمان (عج):**

سویدی:

«آنچه علما بر آن اتفاق نظر دارند، آن است که مهدی (عج) در پایان روزگار قیام می‌فرماید و زمین را پر از عدل و داد می‌کند، احادیث بسیاری راجع به او و ظهورش وجود دارد.»<sup>(۱)</sup>

ابن ابی الحدید:

«بین عموم مسلمین در تمام این قرن‌ها مشهور است که: در آخر الزمان مردی از اهل بیت ظاهر خواهد شد که دین را تأیید و عدل را آشکار می‌فرماید، مسلمانان از او

(۱) سبائک الذهب، ص ۷۸.

پیروی می نمایند و بر ممالک اسلامی مستولی می شود، نام او، مهدی (عج) است.»<sup>(۱)</sup>  
**محب الدین طبری:**

محب الدین طبری از رسول اکرم ﷺ روایت می کند که فرمودند: «اگر از دنیا نماند مگر یک روز، خداوند آن روز را طولانی می کند، تا مردی را از اهل بیت من که هم نام من است، مبعوث نماید. سلمان پرسید: یا رسول الله! از کدام فرزندات؟  
 حضرت دست مبارکش را روی شانهای حسین علیه السلام نهاد و فرمود: «از این فرزندم!»<sup>(۲)</sup>

**ابن جوزی:**

ابن جوزی می گوید که رسول خدا ﷺ فرمود: «در آخر الزمان مردی از فرزندان من خروج می کند که نامش مانند اسم من و کنیه اش مانند کنیه من است، زمین را پراز عدل کند چنانچه از ظلم پر شده باشد و این، همان مهدی ست» این حدیث، مشهور است.<sup>(۳)</sup>

**شیخ سلیمان بلخی:**

شیخ سلیمان بلخی از کتاب *فرائد السمطين* نقل می کند که رسول خدا ﷺ فرمود: «خلفا و اوصیای من و حجّت های خدا بر مردم پس از من دوازده نفرند، اوّل آنها علی و آخرشان فرزندم، مهدی ست. عیسی بن مریم علیه السلام ظهور می کند و پشت سر مهدی (عج) نماز می خواند، زمین به نور پروردگار روشن می شود و سلطه و حکومت مهدی به مشرق و مغرب می رسد.»<sup>(۴)</sup>

(۱) مقدمه ابن خلدون، ص ۳۶۲.

(۲) ذخائر العقبی صفحه ۱۳۶.

(۳) تذکره الخواص صفحه ۲۴۰.

(۴) ذخائر العقبی صفحه ۱۵.



### صلاح الدین صفدی:

صلاح الدین صفدی در شرح دایره می‌گوید: «به طور یقین، مهدی موعود، امام دوازدهمین امام از ائمه علیهم‌السلام است. اولشان سید ما علی و آخرشان مهدی ست. خداوند از آنان راضی شود و ما را از وجود آنها بهره‌مند گرداند.»<sup>(۱)</sup>

### کتابهای اهل سنت درباره‌ی امام زمان (عج)

شماری از کتابهای اهل سنت که احادیث مربوط به مهدی (عج) در آنها نقل شده و یا درباره‌ی مهدی سخنی به میان آمده و بر قطعی بودن امر مهدی تأکید شده، به شرح زیر است:

۱. الرساله	محمد بن ادريس شافعي	در گذشته ۲۰۴ ه.ق؛
۲. مسند	احمد حنبل شيباني	در گذشته ۲۴۱ ه.ق؛
۳. صحيح	محمد بن اسماعيل بخاري	در گذشته ۲۵۶ ه.ق؛
۴. صحيح	مسلم بن حجاج نيشابوري	در گذشته ۲۶۱ ه.ق؛
۵. سنن	ابن ماجه قزويني	در گذشته ۲۷۳ ه.ق؛
۶. سنن	ابو داوود سجستاني	در گذشته ۲۷۵ ه.ق؛
۷. جامع	ابو عيسى ترمذي	در گذشته ۲۷۹ ه.ق؛
۸. حديث الولاية	محمد بن جرير طبري	در گذشته ۳۱۰ ه.ق؛
۹. مستدرک الصحيحين	حاکم نيشابوري	در گذشته ۴۰۵ ه.ق؛
۱۰. شعب الايمان	ابوبکر بيهقي	در گذشته ۴۵۸ ه.ق؛
۱۱. كشف الاسرار	رشيد الدين ميبدي	بعد از ۵۲۰ ه.ق؛
۱۲. مفاتيح الغيب	فخرالدين رازی	بعد از ۶۰۶ ه.ق؛
۱۳. جامع الاصول	مجدالدين ابن اثير	بعد از ۶۰۶ ه.ق؛
۱۴. معجم البلدان	ياقوت حموي	بعد از ۶۲۶ ه.ق؛

(۱) ينابيع الموده صفحه ۴۱۷.

تتیباهفت  
حضرت مهدی  
به پیامبران و امامان

## شباهت‌های امام زمان (عج) به انبیا

### شباهت به حضرت نوح علیه السلام

۱. نوح، عمر بسیار طولانی نمودند (دو هزار و پانصد سال)، حضرت قائم علیه السلام نیز عمر درازی دارند.
۲. نوح زمین را با سخن خود از کافران پاک کرد و گفت: پروردگارا! روی زمین دیگر، کافری قرار مده<sup>(۱)</sup>. حضرت قائم نیز زمین را از لوث وجود کافران پاک خواهند کرد.
۳. هر که از نوح تخلف جست، هلاک شد، از حضرت قائم، نیز هر کس سرپیچی کند هلاک خواهد شد.
۴. فرج نوح را خداوند آنقدر به تأخیر انداخت که بیشتر معتقدین به حضرت از او برگشتند، و اعتقاد خود را از دست دادند فرج حضرت ولی عصر نیز با همین اوصاف خواهند بود.
۵. ندهای نوح بر شرق و غرب عالم می‌رسید و این امر یکی از معجزات آن حضرت بود. قائم علیه السلام نیز هنگام ظهور بین رکن و مقام فریادی بر می‌آورد که تمام عالم سخنان آن حضرت را می‌شنوند.

### شباهت به حضرت ابراهیم علیه السلام:

۱. ابراهیم علیه السلام دوران حمل و ولادتش مخفیانه بود، حضرت قائم علیه السلام نیز حمل و ولادتش پنهانی صورت گرفت.
۲. ابراهیم علیه السلام دو غیبت داشت، حضرت قائم علیه السلام نیز دو غیبت دارند.
۳. ابراهیم علیه السلام هنگامی که در آتش افکنده شد، جبرئیل برایش جامه‌یی از

(۱) سوره نوح، آیه ۲۶.

بهشت آورد، حضرت قائم علیه‌السلام همان جامه را هنگام قیام می‌پوشند.

۴. ابراهیم علیه‌السلام خانه‌ی کعبه را بنا کرد و حجر الاسود را در جایگاهش نصب فرمود، حضرت قائم علیه‌السلام نیز مسجدالحرام را در مکان اصلی آن می‌سازند و حجرالاسود را به محلی که در آن بوده، باز می‌گردانند.

۵. ابراهیم علیه‌السلام مردم را به سوی خدا فراخواند، قائم علیه‌السلام نیز مردم را به سوی خدا دعوت می‌کنند.

#### شبهات به حضرت یوسف علیه‌السلام

۱. یوسف از زیباترین اهل زمان خود بود، حضرت قائم علیه‌السلام نیز، زیباترین فرد زمان خود می‌باشند.

۲. یوسف مدتی طولانی غایب شد تا اینکه برادران بر او داخل شدند. پس، آنها را شناخت، در حالی که آنها او را نشناختند. حضرت قائم نیز از خلق غایب شد، در حالی که در میان آنها راه می‌رود، آنان را می‌شناسد، ولی آنها او را نمی‌شناسند.

۳. یوسف، خداوند امرش را یک شب اصلاح فرمود که پادشاه مصر آن خواب را دید. قائم علیه‌السلام نیز خداوند امرش را در یک شب اصلاح می‌کند، پس، در آن شب یاران آن حضرت را از سرزمین‌های دور جمع می‌کند.

۴. یوسف گرفتار زندان شد، قائم نیز در زندان دنیابه سر می‌برد؛ زیرا دنیا با این همه ظلم و ستم معاندین و مخالفان، از زندان هم بدتر است.

۵. یوسف از خاص و عام غایب شد و خود را از برادرانش مخفی ساخت، با اینکه فاصله‌ی میان او و اهلش نزدیک بود، قائم علیه‌السلام نیز همین طور است.

#### شبهات به حضرت خضر علیه‌السلام

۱. خداوند عمر خضر را طولانی نموده و این موضوع، نزد شیعه و سنی

مسلم است. خداوند عمر با برکت حضرت قائم را نیز طولانی قرار داده است. یکی از دلایل و استدلال‌های طولانی شدن عمر قائم علیه السلام، بودن عمر طولانی خضر می‌باشد.

۲. نام حضرت خضر، بلیاست. برچمب خشکی نمی‌نشست مگر اینکه سبز باشد و هرگاه نماز می‌گذاشت، اطرافش سبز شد و... حضرت قائم نیز به هر سرزمینی قدم گذارد، آنجا سبز و پر گیاه می‌شود و آب از آنجا می‌جوشد و چون از آنجا برود، آب فرو می‌رود و زمین به شکل اولیه‌ی خود بر می‌گردد.

۳. خداوند به خضر قدرت و نیرویی عنایت فرموده، به هر شکل که بخواهد در آید، خداوند به حضرت قائم علیه السلام نیز همین قدرت را عنایت فرموده است.

۴. خضر وجه کارهایش آشکار نشد، مگر بعد از اینکه خودش آنها را فاش می‌کرد، قائم علیه السلام نیز وجه غیبتش آن طور که باید، مکشوف نمی‌شود مگر پس از ظهور!

۵. خضر هر سال در مراسم حج شرکت می‌کند و تمام مناسک را انجام می‌دهد، قائم علیه السلام نیز هر سال در مراسم حج شرکت می‌کنند و مناسک را به جا می‌آورند.

### شبهات به حضرت موسی علیه السلام:

۱. موسی، دوران حملش و ولادتش مخفی بود، قائم علیه السلام نیز مدت حمل و ولادتشان مخفی بود.

۲. خداوند با موسی سخن گفت و چنین فرمود: «تو را انتخاب کردم برای یاری دین و...» به قائم علیه السلام نیز هنگامی که در آسمان به سراپرده‌ی عرش صعود کردند، چنین جملاتی فرمود، بلکه بیشتر فرمود.

۳. موسی وقتی غایب شد، قومش در سختی قرار گرفتند، به طوری که دشمنان، پسران آنها را می‌کشتند و زنانشان را زنده می‌گذاشتند و... در زمان غیبت قائم نیز بر شیعیان سختی و فشار زیادی وارد می‌آید.

۴. خداوند دشمن موسی (فرعون) را در زمین فرو برد، قائم علیه‌السلام نیز دشمنانش (لشکر سفیانی) را به زمین فرو خواهد برد.

۵. برای موسی از سنگ برایش دوازده چشمه جوشید، برای قائم (عج) نیز از سنگ، آب خواهد جوشید.

۶. خداوند در یک شب امر موسی را اصلاح فرمود، قائم علیه‌السلام نیز در یک شب امر ظهورش توسط خداوند اصلاح خواهد شد.

#### شباهت به حضرت داوود علیه‌السلام

۱. داود را خداوند عزوجل در زمین خلیفه ساخت و فرمود: ﴿یا داود انا جعلناک خلیفه فی الارض﴾ خداوند قائم (عج) را نیز خلیفه‌ی روی زمین قرار داده است. ﴿امن یجیب المضطر اذا دعاه...و یجعلهم خلفاء فی الارض﴾

۲. سنگ با داود سخن گفت و صدا زد: ای داود: مرا بگیر و جالوت را با من به قتل برسان! قائم علیه‌السلام نیز شمشیرش او را صدا می‌زند: ای ولی خدا! با من دشمنان خدا را به قتل برسان! همچنین در روایت آمده است: در زمان ظهور آن حضرت علیه‌السلام اگر کسانی زیر سنگ پنهان شوند، سنگ فرد مؤمن را صدا می‌زند و به او خبر می‌دهد که کافر زیر من است، بیا او را بکش!

۳. داود، جالوت را کشت، قائم علیه‌السلام نیز دجال - که از جالوت بدتر است - را می‌کشد.

۴. داود به وسیله‌ی الهام خداوندی میان مردم حکم می‌کرد، قائم (عج) نیز

مانند داود قضاوت خواهد کرد و از بی‌تنبه و شاهد نمی‌پرسد، زیرا نیازی به آنها ندارد.

۵. نوشته‌یی از آسمان بر داود نازل شد که مَه‌ری از طلا بر آن بود. در آن نوشته، سیزده مسأله آمده بود که خداوند آنها را به داود وحی می‌کرد. قائم (عج) نیز بر منبر کوفه در حالی که سیصد و سیزده تن از یاران حقیقی دورشان هستند، از قبای خود نوشته‌یی بیرون خواهد آورد که با مَه‌ری زرین مَمهور شده است.

#### شبهات به حضرت سلیمان علیه السلام

۱. خداوند سلیمان را جانشین داود قرار داد، در حالی که هنوز به سن بلوغ نرسیده بود، خداوند قائم (عج) را نیز خلیفه قرار داد، در حالی که کودکی تقریباً پنج ساله بودند.

۲. خداوند باد را در تسخیر سلیمان قرار داده بود، همچنین باد را در خدمت قائم (عج) قرار می‌دهد.

۳. سلیمان مدتی از نظرها غایب شد، قائم (عج) نیز در غیبت به سر می‌برد و غیبتش طولانی‌تر از سلیمان است.

۴. آفتاب برای سلیمان بازگشت، قائم (عج) نیز آفتاب را می‌خواند و ایشان را پاسخ می‌دهند.

۵. سلیمان حشمة الله بوده، قائم (عج) نیز حشمة الله است.

#### شبهات به حضرت عیسی علیه السلام

۱. عیسی فرزند بهترین زنانِ زمانِ زمانش می‌باشد، قائم (عج) نیز فرزندِ بهترین زنانِ زمانش است.

۲. عیسی در شکم مادر تکلم کرده و تسبیح می‌گفت، قائم (عج) نیز در شکم مادر سخن گفت و سوره‌ی قدر را قرائت نمودند.
۳. عیسی در کودکی در گهواره سخن گفت، قائم (عج) نیز در گهواره به سخن آمد.
۴. خداوند عیسی را به سوی خود برد، قائم (عج) نیز به سوی خداوند در آسمان‌ها رفت.
۵. عیسی فرمود: «من به شما خبر می‌دهم آنچه می‌خورید و آنچه در خانه‌هایتان ذخیره می‌کنید.» قائم (عج) نیز بر تمام احوال مردم مطلع می‌باشند.

### شبهات به خاتم النبیین صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم

۱. سخن جامع در این باب فرمایش رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌باشد که فرمودند: «مهدی از فرزندان من است، اسم او، اسم من و کنیه‌اش، کنیه‌ی من است از نظر خلق و خوی شبیه‌ترین مردم به من است.» مؤلف مکیال المکارم در این باره می‌گوید: از این سخن مبارک، درهای بسیاری گشوده می‌شود که شایسته است در آن تدبّر نمایی، تا ان شاءالله صبرت زیاد و سینه‌ات فراخ گردد.

### شبهات به امام حسین علیه‌السلام

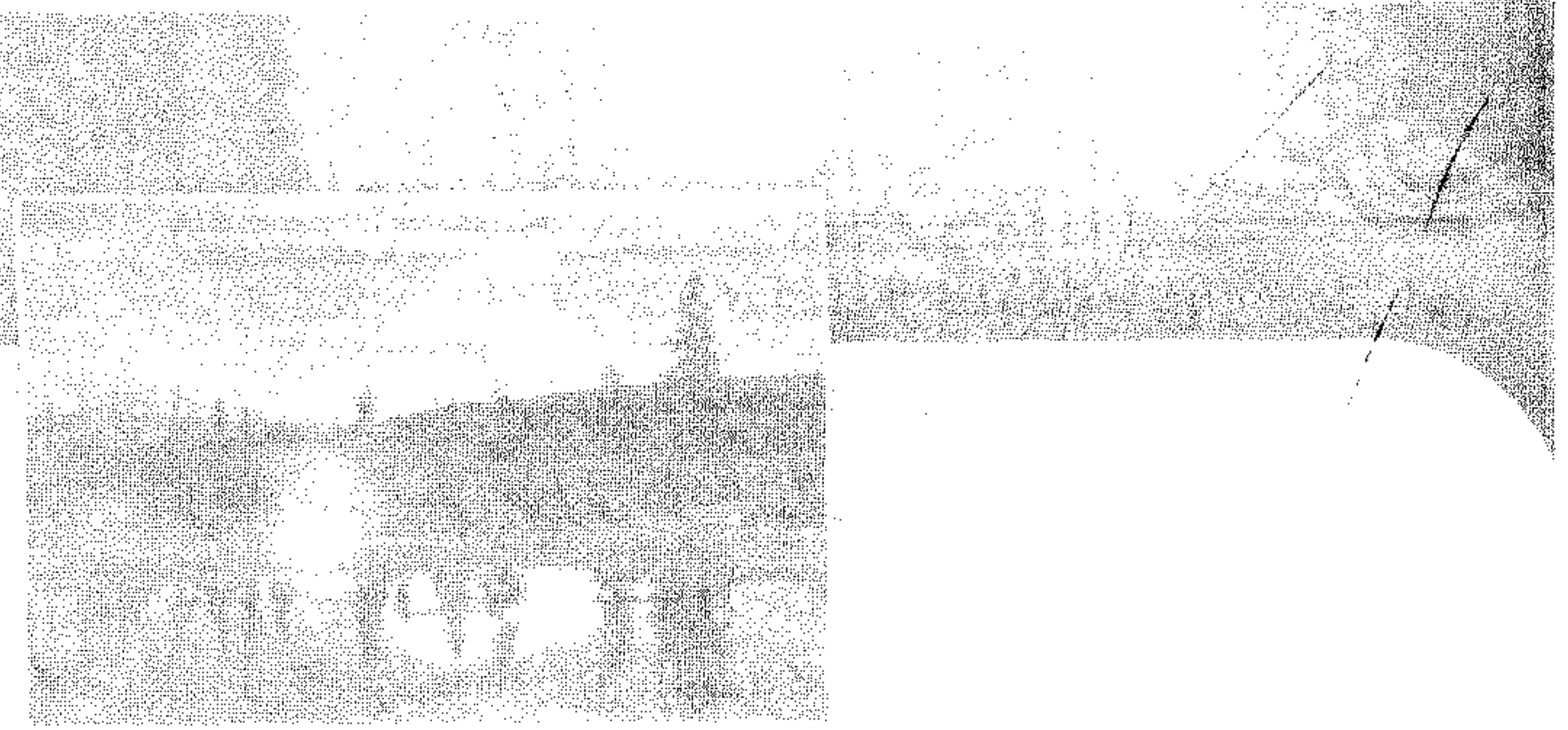
۱. بیعت نکردن طاغوت زمان با آن دو وجود مقدّس، چنانچه امام حسین علیه‌السلام نیز حاضر به بیعت با سردمداران جور و ستم نشدند.
۲. آرزوی بودن در رکاب ایشان برای مؤمنین و امامان... چنانچه در زیارت عاشورا می‌خوانیم: «کاش با شما بودم!» طبق روایات هر دو آرزوی ثواب شهادت را دارند.



۳. امام حسین علیه السلام با تعقیب مأموران حکومت جور از مدینه بیرون رفتند و در مکه نزول کردند، سپس به سوی کوفه حرکت فرمودند. حضرت حجت (عج) نیز نظیر همین اتفاق برایشان رخ داد سفیانی عده‌یی را به مدینه می‌فرستد و حضرت مهدی (عج) از آنجا به سوی مکه کوچ می‌کند.

۴. مصیبت او سخت‌ترین مصیبت‌هاست. مصیبت غربت و تنهایی امام حسین علیه السلام همانند مصیبت طولانی غربت و تنهایی و مظلومیت امام عصر (عج) است.

۵. امام حسین ندای هل من ناصر ینصرنی سر دادند و طلب یاری از مردم نمودند. امام عصر (عج) نیز هنگام ظهور، طلب یاری می‌کنند. در قسمتی از روایت آمده است که می‌فرماید: «خدا را خدا را، دربارهی ما، ما را خوار نکنید و یاریمان نمایید، که خداوند شما را یاری کند» هم اکنون اگر گوش دلمان را باز کنیم، ندای هل من ناصر ینصرنی امام زمان (عج) را خواهیم شنید که اهل ایمان را به یاری می‌طلبد. امید است بتوانیم با تقوا و یاد آن دو عزیز در همه‌ی امور و درخواست فرج ایشان از خداوند متعال، آن عزیز را یاری کرده و قلب مقدّسشان از ما راضی و خشنود گردد! ان شاءالله.



# خپل امان زمان

راه صحیح معرفت این است که انسان از خدا بخواهد، تا ولی خودش را به او بشناساند. زراره می‌گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: «قائم ما قبل، از قیام خود غیبتی طولانی دارد.» زراره پرسید چرا؟ فرمود: «برای اینکه اگر ظاهر باشد، او را خواهند کشت و زمین را از حجت خدا خالی خواهند کرد.»

آن گاه فرمود: «ای زراره! اوست که انتظارش را می‌کشند و اوست که مردم در ولادتش شک می‌کنند. برخی می‌گویند: پدرش از دنیا رفت و فرزندی از خود به یادگار نگذاشت. برخی می‌گویند: در شکم مادرش است.

برخی می‌گویند: غایب است برخی می‌گویند: به دنیا نیامده است.

برخی می‌گویند: دو سال قبل از وفات پدرش به دنیا آمد، او همان موعود منتظر است.

لیکن خدای سبحان می‌خواهد شیعیان را امتحان کند و در این امتحان سخت، باطل‌گرایان دچار تردید می‌شوند.»

زراره که گویا با شنیدن این کلمات وحشت کرده بود، به فکر چاره افتاد و گفت: فدایت شوم، اگر من در آن زمان زنده بودم چه کنم؟ امام صادق علیه السلام فرمود: «اگر آن زمان را درک کردی، پیوسته این دعا را بخوان:

اللهم عرفنی نفسک فانک ان لم تعرفنی نفسک لم اعرف نبيک، اللهم عرفنی رسولک فانک ان لم تعرفنی رسولک لم اعرف حجّتك اللهم عرفنی حجّتك فانک ان لم تعرفنی حجّتك ضللت عن دینی؛

«خدایا! خودت را به من بشناسان، که اگر خودت را به من نشناسانی، پیامبرت را نشناسم. خدایا! پیامبرت را به من بشناسان، اگر پیامبرت را به من نشناسانی، حجّتت را نخواهم شناخت. خدایا! حجّتت را به من بشناسان، اگر

حجّت را به من شناسانی، از دین منحرف و گمراه خواهم شد.»  
 امام زمان (عج) در دوران غیبت صغری برای خود نائبی خاص انتخاب فرمود، تا مرجع شیعیان باشد، و آنها حوائج و سوالات خود را به وسیله‌ی او به آن حضرت برسانند و جواب دریافت کنند.

### وجود امام غایب به چه کار می‌آید؟

بسیاری می‌پرسند: مهدی غایب است، زندگی ایشان هم زندگی معمولی است، مگر امام و پیشوا نباید میان مردم زندگی کند، مشکلات جامعه را بداند، موانع و مشکلات مردم را برطرف کند. پس، امام غایب به چه کار می‌آید؟ پاسخ این است: غایب بودن امام مهدی (عج) به معنای نامرئی بودن ایشان نیست، امام در همین جامعه‌ی انسانی به صورت ناشناس زندگی می‌کند و بر اعمال مردم نظارت دارد. باید بدانیم، امام زمان در زمان ما ظهور ندارد، نه اینکه حضور ندارد. امام واسطه‌ی فیض است. حاضر باشد یا غایب، وجودش موجب برکت است، اگرچه ظاهر نیست و ما او را مشاهده نمی‌کنیم. آن حضرت در پس پرده‌های غیبت از دین خدا پاسداری می‌کند. از مردم دستگیری نموده و بسیاری از عالمان و بزرگان دین و حتّاً افراد عامی را در رسیدن به حقیقت راهنمایی می‌کند. پیامبر ﷺ فرمودند: «به خدا قسم! مردم در زمان غیبت، از وجود او بهره می‌برند چنان که از آفتاب پشت ابر بهره جویند.»<sup>(۱)</sup>

(۱) بکصد پرسش و پاسخ پیرامون امام مهدی (عج).

### مهدی‌های دروغین (در زمان غیبت)

عده‌یی در طول تاریخ، ادعای مهدویت کردند؛ مانند مهدی سودانی، (در سال ۱۸۸۱ میلادی چنین ادعایی کرد و بر سودان حاکم شد. او در نهم ماه رمضان ۱۳۰۲ هجری به علت بیماری تیفوس درگذشت). مهدی یمنی، (در سال ۱۱۵۹ میلادی در تهامه یمن ادعای امامت کرد و عده‌یی به او گرویدند، سه سال بعد، از دنیا رفت). مهدی سنگالی، (در سال ۱۸۲۸ میلادی در سنگال قیام کرد و چندی بعد کشته شد). مهدی مغربی، (در یکی از شهرهای مغرب عربی ادعای امامت کرد و پیروان بسیاری یافت و سرانجام کشته شد). مهدی سومالیایی، (در سال ۱۸۹۹ میلادی ادعای مهدویت کرد و قدرت و نفوذ بسیاری کسب کرد. بیش از بیست سال حکومت کرد. با دولت‌های ایتالیا و انگلستان جنگید و در سال ۱۹۲۰ وفات یافت).

### وظیفه‌ی ما چیست؟

ما در دوران هجران و غیبت آن بزرگوار به سر می‌بریم، بهترین عمل، دعا برای فرج و ظهور وجود مقدس امام زمان (عج) است. این دعا اهمیت بسیاری دارد. ما در دعاهایی که برای رفع مشکلات زندگی می‌کنیم، بسیار اصرار می‌نماییم؛ برای مثال اگر خانه نداشته باشیم، برای داشتن آن دعا می‌کنیم، در حالی که این گونه حاجات شخصی بوده در حدّ حاجتی دنیوی برای ما سودمند است. ولی یکی از ابعاد اهمیت دعا برای ظهور امام زمان (ارواحنا فداه) آن است که تمام حوایج مؤمنین در ظهور با عظمت سرور عالم هستی، حضرت بقیّة الله الاعظم (ارواحنا فداه) تحقق می‌یابد. حال اگر قدری دقت نماییم متوجه می‌شویم، وقتی دعا نموده و به درگاه خداوند

متعال، و با خواست واقعی و قطعی اظهار عجز و زاری کنیم و از خداوند ظهور و فرج امام زمان (عج) را طلب کنیم، در واقع، خواستار اصلاح جهان هستی را شده‌ایم.

### مدت غیبت و زمان ظهور او

حکمت حضرت سبحان به مقتضای امتحان از همه افراد انسان و مهلت دادن به افراد عاصی و گوشمالی دادن اهل ایمان در اثر کوتاهی در طاعت و فرمان، سبب شد مدتی حجت و ولی خود را از مردم مخفی سازد، حال آن که تا چه مدت و چه اندازه طول بکشد، از مقتضای حکمت و امتحان و از اخبار چیزی معلوم نیست، چون وجدان سلیم به طبع خفا و غیبت نظر کند، متوجه می‌شود که مخفی شدن و غیبت نمودن از اسرار سیاست است و امر سری و سیاسی باید وجهش و مدتش معلوم نباشد و گرنه مخفی نخواهد بود و از سیاست خارج خواهد شد. و از این جهت، در اخبار تأکیدات بلیغه شده است که احدی جز خداوند وقت آن را نمی‌داند، حتّا ائمه علیهم‌السلام، و خود امام عصر (علیه‌السلام) تا لحظاتی قیام از آن آگاه نیستند. همچنین اخبار بسیاری وارد شده که هر کس وقتی را معلوم کرد، تکذیب کنید.

### خصوصیات غیبت و زمان غیبت

در زمان پدر بزرگوارش اگر چه از مردم مخفی بود، اما از برخی اصحاب خاصّ مخفی نبود، ولی پس از پدر بزرگوارش به طور کلی از همه غایب گشت و ابتدای غیبت از همان وقت شروع شد، لیکن، چنانچه نزد شیعه معروف است، برای آن حضرت دو غیبت است: یکی را غیبت صغری، یعنی کوچک‌تر و دیگری را غیبت کبری، یعنی بزرگ‌تر. گویند و در اخبار پیش از تولّدش به همین دو غیبت اشاره شد، چنانچه از حضرت زین العابدین علیه‌السلام آمده است که

فرمود: «قائم ما را دو غیبت است: یکی از آن دو درازتر از دیگری است.»<sup>(۱)</sup>

### چهار نائب خاص ایشان در دوران غیبت صغری عبارتند از

نائب اول: ابو عمر عثمان بن سید العمری الاسدی است، او برای سه امام نیابت کرده است: حضرت امام علی النقی علیه السلام، حضرت امام حسن عسکری علیه السلام و حضرت حجت علیه السلام. نیابت او برای حضرت حجت علیه السلام از سال ۲۶۰ تا سال ۲۸۰ هجری قمری بود.

نائب دوم: محمد بن عثمان العمری فرزند ابو عمر عثمان است پس از وفات پدرش از سال ۲۸۰ تا سال ۳۰۵ هجری قمری به نیابت حضرت انتخاب شد. او نیز از حضرت عسکری علیه السلام نیابت می‌کرد.

نائب سوم: ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی است او پس از وفات محمد بن عثمان از سال ۳۰۵ تا سال ۳۲۶ هجری قمری به نیابت منصوب شد.

نائب چهارم: ابوالحسن علی بن محمد سمری است. پس از وفات حسین بن روح، یعنی از سال ۳۲۶ تا سال ۳۲۹ هـ به نیابت تعیین شد. در نیمه‌ی شعبان وفات کرد. محل نیابت این چهار نفر بغداد بود ایشان در بغداد مدفون گشته و مزارشان معروف است.<sup>(۲)</sup>

### از خصوصیات زمان غیبت

۱. سستی مردم در دین

از دین نماند مگر نام او.

(۱) مهدی منتظر، بخش ۲، ص ۵۵.

(۲) مهدی منتظر، ص ۵۷.

اسلام غریب شود چنان که در ابتدا غریب بود. مردم از دین جا خالی کنند، چنان که ظرف از آب هنگام وارونه کردن خالی می‌شود. خود را مسلمان بنامند، اما دورترین مردم از آن باشند. صبر کننده بر دین مانند کسی است که اخگر آتش در کف خود گرفته باشد. ظواهر دین کهنه و مندرس گردند، دین را به دنیا بفروشند. دین، پست شود و دنیا بلند گردد. دین را ترک کرده و به دنیا بچسبند. آخرت را ترک گفته و به دنیا رو کنند. اگر دنیایشان تأمین باشد، هرچه از دین تلف شود، پروا نکنند. دینشان در همت آنها و همتشان، شکمشان و قبله‌ی ایشان، زانیشان باشد. برای نان خم شوند و برای درهم سجده کنند. حیران و سرگردان شوند، نه نصاری و نه مسلمان باشند!

## ۲. اوضاع مساجد

مسجدها مانند کنیسه و کلیسا به طلا و نقره زینت شود. مساجد مخروبه گردد. (یعنی آنها که مورد توجه نیست). مناره‌ها بلند شود. اماکن بر مساجد تنگ گرفته شود و مساجد را در مضیقه افکند (یا از جهت اعمال و کردارشان و یا از جهت بلند کردن ساختمان‌ها و...) در مساجد آلات موسیقی بنوازند و کسی اعتراض نکند. مساجد را مجالس طعام و غذا قرار دهند. مسجدها معمور به اذان ولی دل‌ها خالی از ایمان باشد، مساجد آباد، (از نفوس یا از نقوش) و دل‌ها بی‌راهنما و ویران باشد. به سبب خصومت‌ها و دشمنی‌ها نماز در مسجدها ترک می‌شود. صف‌ها بسیار، اما دل‌ها پر از بغض و کینه به یکدیگر و با زبان‌های مختلف باشند. مساجد پر باشد از کسانی که خوف خدا ندارند، برای غیبت و خوردن گوشت اهل حق در مساجد جمع می‌شوند. برای یکدیگر شراف مسکر توصیف می‌کنند. در مساجد حلقه حلقه بنشینند و ذکر و صحبت ایشان دنیا و حب دنیا باشد. با ایشان مجالست مکنید که خداوند را به ایشان نیازی



نیست.

### ۳. وضع معیشت و کسب

مردم از مال حرام اجتناب نکنند. حرام را غنیمت شمرند. مال ایتام را حلال بدانند. مردم کسی را که مال ایتام می خورد، فردی صالح می نامند و از فضایل او صحبت می کنند. طالب حلال مذمت و سرزنش شود و طالب حرام مدح و تعظیم گردد. کمتر چیزی که پیدا شود، درهم حلال است. ربا و مال های شبهه ناک را حلال شمارند. به رشوه و ربا رفتار کنند. ربا، آشکار گردد و هیچ ملامتی بر آن نشود. ربا را سهل شمارند. تجارشان طبق ربا کار کنند. معیشت خود را از کم فروشی به دست آورند. کم فروشی کنند و از وزن و کیل بدزدند. تاجر در تجارت خود دروغ بگویند، زرگر در زرگری خود و هر صاحب صنعتی در صنعت خود دروغگو باشد. پس، از این جهت، وسیله های کسب کم شود و راه معیشت بر ایشان تنگ گردد. با شریکان خود به خیانت رفتار کنند. زنان به کار مشغول شوند و با شوهران از جهت حرص بر دنیا در کسب و تجارت شرکت کنند.

### ۴. روش حکومت اولیای امور

ریاست را برای متاع دنیا طلب کنند. ریاست را برای ظلم کردن و فخر فروشی بر یکدیگر بطلبند. والیان در دادن حکم رشوه گیرند. حکومت و ولایت را در مازاد گذارند. هر کس بیشتر رشوه دهد، یا عهده دار امر بیشتری شود، به ریاست و منصب رسد. مردم بر حکومت و امارت حریص خواهند شد. پس، هر کس که از او بهره یی ببرد، حال او در امارت نیکو خواهد بود و آن کس که از او بهره یی نباشد، روزگارش بد شود و به امارت نرسد. والیان، مردان خائن را امین کنند از جهت طمعی که به وی دارند. اولیای امور، اهل کفر را نزد خود مقرب سازند و اهل خیر را از خود دور کنند. افراد نزدیک به والیان کسانی هستند که

مدح خود را در بدگویی و فحش دادن به ما (اهل بیت) می‌بینند، و آن کس که ما را دوست می‌دارد، سخن او را تزویر می‌دانند و شهادت او را نمی‌پذیرند. صاحب منصب که مردم از جهت تسلط او می‌ترسند، مرد شریف را [ملامت] می‌کند و به ذلت به او می‌نگرد و همواره در پی قتل اوست.<sup>(۱)</sup>

#### ۵. دستگاه شهود و قضاوت و ترک حدود

قضات برخلاف امر خدا قضاوت کنند، قاضیان به چیزی که نمی‌دانند، قضاوت کنند. قاضیان رشوه گیرند. بیشتر ایشان شهادت دروغ و باطل دهند. شهادت‌های دروغ را قبول کنند و شهادت‌های عدل رد شود. شهادت‌های معارض یکدیگر دهند. حدود تعطیل شود و به هواهای خود در آنها عمل شود. هیچ حدی برای خدا جاری نشود.<sup>(۲)</sup>

#### ۶. زنا

زنا شایع شود. زنا را دوست بدارند. زنا را حلال شمرند. زنا را سهل شمرند و آمد زنا بالا رود. زنان مدح خود را در زنا بینند. زنان به مردان خود رشوه دهند، تا به ایشان رخصت مجامعت با مردم داده شود. شب‌ها پرده‌ی حیا برداشته شود و از هیچ جرأتی بر خدا حیا نکنند.<sup>(۳)</sup>

#### ۷. غنا و موسیقی و رقص

غنا و آواز را دوست بدارند. رقص و طرب و غنا را حلال شمرند. آلات ساز و آواز رایج شود. تار و طنبورزنی را نیکو شمارند و نیکو بیاموزند. زن‌های آوازه

(۱) مهدی منتظر، بخش دوم، ص ۱۳۹.

(۲) همان، ص ۱۴۱.

(۳) همان، ص ۱۴۴.

خوان و رقاصه آشکار شوند.

مردم، زن‌های آوازه خوان و آلات موسیقی برای خود اتخاذ کنند. سهو و آلات سهو ظاهر شود، عبرین بردی بگذرند و احدی، احدی را منع نکند. برای غنا و آوازه سال‌ها می‌زیادی صرف کنند. آلات غنا و موسیقی در حرمین مکه و مدینه ظاهر شود.

#### ۸. دروغ، شهادت دروغ، قسم دروغ، غیبت و بهتان

دروغ را حلال شمارند. زبان راستگو کم و نایاب و دروغ زیاد شود و همه جا را فرا بگیرد. قسم‌های دروغ به خدا، بسیار شود. فاسق دروغ بگوید و دروغ او را رد نکنند. دروغگو را تصدیق و خائن را امین کنند. راستگو را تکذیب کنند. راستگوترین فرد نزد مردم، دروغگوی افترا بند است. شهادت‌های دروغ، معمول گردد. دروغ، حدیث ایشان و غیبت میوه‌ی ایشان باشد. بهتان، معصیت و طغیان علنی گردد.

#### ۹. قتل و خونریزی

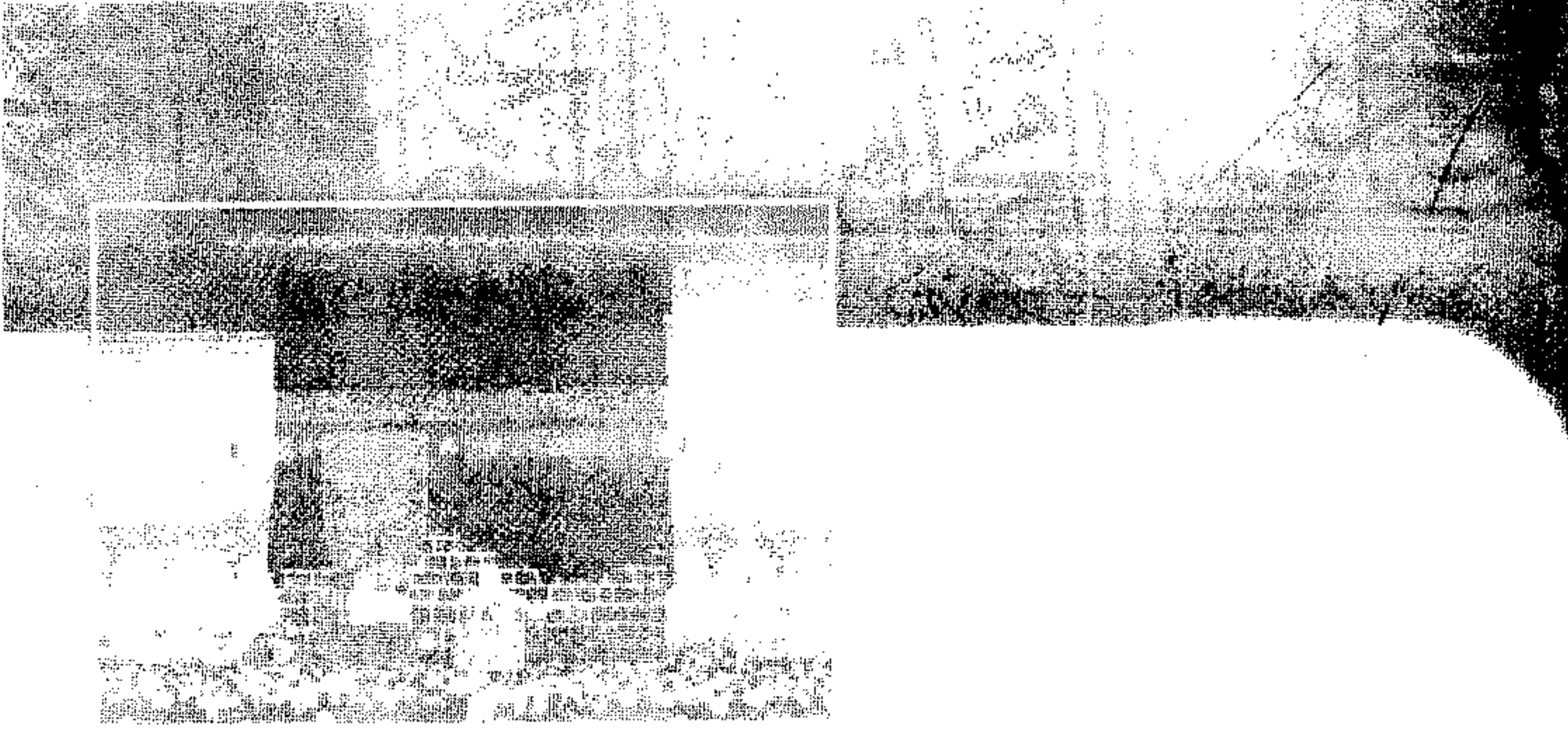
خونریزی را سهل شمارند. خونریزی و آدم‌کشی بسیار شود. برخی را از روی عداوت و دشمنی بکشند.<sup>(۱)</sup>

#### ۱۰. قطع ارحام پدر و مادر

قطع رحم‌ها کنند. به طور علنی به پدر و مادر جفا و ستم شود. پدران و مادران را فحش دهند. فحش به پدران و مادران را علنی کنند. فحش و بدگویی به پدر و مادر را شعار خود کنند. پس، بر پدر افترا زنند و بر پدر و مادر نفرین کنند و به مرگشان خوشحال باشند. فرزندان بر پدر خصمنانک باشد. مرد از اطاعت زن خود اطاعت کند از پدر و مادر خود نافرمانی کند و سعی بر هلاکت برادر خود داشته باشد. کوچک‌ترها، بزرگان را تحقیر کنند. به پدر و مادر جفا و به رفیقان نیکی کنند.<sup>(۲)</sup>

(۱) مهدی منتظر. بخش دوم، ص ۱۵۰.

(۲) همان. ص ۱۵۶.



انتظار فوج

آن چه را که هزاران سال است بشر، در آرزویش نشسته، هزاران هزار دل، در انتظارش لحظه شماری کرده، پدران به فرزندان نویدش را داده‌اند، مادران قصه‌اش را بر کودکان خوانده‌اند، عروسان حجله نشین، حسرتش بوده‌اند، گل‌های گریبان دریده‌ی باغ و شمع‌ها در غیبتش بسی اشک ریخته‌اند. بلبلان غزل‌ها در وصفش سروده‌اند، پروانگان در آتش هجرانش به خاکستر نشسته‌اند، عاشقان آستین به خون دیده شسته‌اند هر نامه‌ای که می‌گشودند، سخن از او می‌گفت و هر که می‌رسید، سراغ از او می‌جست، پیام‌آوری نبود که مژده‌ی وصلش را ندهد. و به انتظارش ننشیند. آری، همه جا و همیشه سخن از او بوده؛ شیعه در انتظارش گریبان دریده و عیسوی، چشم به راهش دوخته، کلیمی نیز آمدنش را لحظه شماری می‌کند. همه و همه می‌گویند: خواهد آمد، آن که صلح به ارمغان می‌آورد، صلحی فراگیر از قلّه‌ها تا قعر دریاها، کران تا کران را از عدل خود پر خواهد کرد. صحرا و دشت در عطر ظهورش غرق می‌شوند، شور در دل ابرها می‌افکند و زمین مستانه آن چه دارد، بر طبق اخلاص می‌ریزد.

### اسلام و انتظار

اسلام که تعلیمات و هدایت‌های آن بر اساس فلسفه‌های عمیق و صحیح اجتماعی‌ست، اصل انتظار و نگاه به آینده را پشتوانه‌ی بقای جامعه‌ی مسلمان و محرک احساسات و مهیج روح فعالیت و اقدام مسلمانان قرار داده است. انتظار آینده‌ی بهتر و عصر فتح و گشایش و فرج را برترین اعمال شمرده است. پس از رحلت رسول خدا ﷺ و شهادت امیرالمؤمنین و

سیدالشهدا علیه السلام تا امروز، ریشه‌ی تمام حرکات و نهضت‌های شیعه و مسلمین علیه حکومت‌های باطل و استثمارگران، همین فلسفه‌ی اجتماعی انتظار و عقیده به ادامه‌ی مبارزه حق و باطل تا پیروزی مطلق بوده است. همواره از میان شکست‌ها، پیروزی‌هایی به دست آمده و در عین ذلت ظاهری، پرتو و شعاع عزت و سربلندی و آقایی نمودار شده است؛ اراده‌ها و همت‌ها به حرکت و فروش درآمد و افراد بااراده و مصمم و متعهد وارد میدان شده‌اند هرچه دشمنان حق و عدالت مسلمانان را از بین می‌برند، یا به زندان می‌اندازند، یا آنها را شکنجه و عذاب می‌دهند و یا آنها را با زور، یا تطمیع از اجرای قوانین اسلام و برقراری شعائر دینی باز می‌دارند و از هرگونه وسیله‌ی تبلیغاتی اعم از وسایل ارتباط جمعی، رسانه‌های گروهی و مطبوعات در کشورهای مختلفی مانند: ایران، الجزایر، اندونزی، اوگاندا، اتیوپی فلسطین، و نقاط دیگر بر ضد دین اسلام استفاده می‌کنند باز هم مبارزه‌ی مسلمانان ادامه می‌یابد، تا ملت‌هایی مثل: ایران، الجزایر و اندونزی آزاد شوند. این، فلسفه‌ی اجتماعی انتظار ظهور و یکی از اسرار غیبت حضرت صاحب الامر (عجل الله تعالی فرجه) است از این جهت که ثواب منتظرین همانند ثواب مجاهدین و بلکه شهیدان بدر و أحد است. از نظر یک فرد مسلمان در هر شرایط و اوضاع ناگواری که پیش بیاید، کار اسلام خاتمه یافته تلقی نمی‌شود و گستره‌ی دین اسلام نامحدود است.

### انتظار فرج یعنی چه؟

برخی از مسلمانان در برابر ناپاکی‌ها و گناهان فردی و اجتماعی

بی تفاوتند، گویا هیچ‌گونه وظیفه‌یی بر خود احساس نمی‌کنند و آنها همواره می‌گویند باید در انتظار فرج و ظهور امام زمان (عج) بود و اصلاحات باید به دست آن حضرت انجام گیرد. بی تردید انتظار ظهور حضرت و برقراری حکومت امام زمان (عج) از نظر اسلام دارای فضیلت و ثواب‌های فراوانی است، اما به راستی معنای صحیح و واقعی انتظار فرج و ظهور چیست؟ مکتب انتظار، یک مکتب وسیع تربیتی و اصلاحی است. انسانی که خویش را منتظر حکومتی می‌داند که در آن حکومت هدفی جز برقراری عدل عمومی، اجرای دقیق تعالیم اسلامی و مبارزه با گناه و ناپاکی‌ها و آلودگی‌ها نیست، آیا ممکن است خود، فردی آلوده و ناپاک و گناهکار باشد؟ آیا مسلمانی که ربا می‌خورد و یا به اموال و نوامیس دیگران تجاوز می‌کند، ممکن است خود را منتظر حکومتی بداند که در مبارزه با ربا خواران و متجاوزین به اموال و نوامیس مردم آشتی‌ناپذیر است؟ این، جنون است، یا انتظار؟ نه، چنین چیزی ممکن نیست؛ زیرا در این صورت فردی که خود را منتظر می‌نامد، درست مانند کسی است که با اضطراب و نگرانی خاصی در خیابان به این سو و آن سو می‌نگرد و می‌گوید در انتظار آمدن میهمان عزیزی هستیم، در حالی که برای پذیرایی از آن میهمان هیچ‌گونه آمادگی ندارد، نه غذایی تهیه کرده و نه خانه را برای پذیرایی از میهمان مهیا ساخته است! درباره‌ی چنین فردی باید گفت که او مجنون است، نه منتظر!

### انتظار واقعی

انسان از چیزی یا کسی پاسداری می‌کند و یا منتظر کسی است که او را

بشناسد و به او معرفت داشته باشد. اگر شناخت و معرفت، صحیح و شایسته باشد، انتظار نیز واقعی خواهد بود. از این جهت، انسان در عصر غیبت، یا منتظر واقعی است، یا گرفتار جاهلیت و عدم شناخت و معرفت صحیح است.

### ارزش انتظار

بشر در زندگی اجتماعی و فردی، مرهون نعمت انتظار است و اگر از انتظار، به معنای واقعی محروم شود و امیدی به آینده نداشته باشد، زندگی برایش مفهومی نخواهد داشت. حرکت و انتظار در کنار هم می‌باشند و از هم جدا نیستند. انتظار، علت حرکت و در واقع تحرک بخش است. آنچه مورد انتظار است، هرچه مقدس‌تر و عالی‌تر باشد، انتظارش نیز ارزنده‌تر و مقدس‌تر خواهد بود. باید ارزش مردم را از انتظاری که دارند، شناخت. یکی، انتظارش این است که سال به پایان برسد. تا رتبه‌یی بگیرد و حقوق و جیره‌اش زیاد شود. یکی دیگر، انتظارش این است که سال تحصیلی به پایان برسد، تا مدرکی بگیرد و به وسیله‌ی آن، شغل مناسبی اختیار کند، یکی، منتظر است اوضاع مالی بهتری پیدا کند، تا خانواده تشکیل دهد و همسری انتخاب کند و از تجرد و تنهایی خود خلاص شود. دیگری، منتظر است درآمدش افزایش یابد، خانه‌ی شخصی، ماشین و... خریداری کند، اگر همت و نظرش بلند باشد، بیمارستان، یا مسجد، یا مدرسه، یا کتابخانه تأسیس کند. دیگری انتظار دارد در فلان مناقصه یا مزایده برنده شود. خلاصه، همه منتظرند. کاسب منتظر، کنتراتیچی منتظر، باغدار منتظر، صنعتگر منتظر، پدر، مادر و معلم همه منتظرند، ملت‌ها، جوامع و حکومت‌ها همه منتظرند. رژیم‌های سرمایه‌داری



انتظار دارند که قدرتشان گسترش بیشتری پیدا کند، دنیا را بیش از پیش به زیر یوغ استثمار خود بکشند و خون ضعیفان را بمکند. رژیم‌های کمونیستی منتظرند انقلاب کمونیستی همه جا را تحت سلطه‌ی خود بگیرد و شدت فقر، جنگ و اختلاف طبقاتی اوضاع را به نفع آنها تغییر دهد، و کمونیسم بتواند آزادی‌های فردی و حرمت انسانی را لگدمال کند. افراد جامعه مانند چهار پایانی که خوراک و وسایل فربه شدن و خوردن و چریدن آنها فراهم شده است در جامعه زندگی کنند و انسانیت را به وادی فراموشی بسپارند. دانشجویان واقعی و محققان منتظرند با نیروی تفکر و اندیشه، مشکلات علمی را حل کرده و هر چه بیشتر بر دانش و درک خود بیفزایند و دایره‌ی معلومات خود را توسعه دهند. پزشک باایمان منتظر است هر چه زودتر نتیجه‌ی معالجات خود را در بیمارش ببیند.

قل کل متربص فتربصوا؛

«بگو همه منتظرند، پس، منتظر باشید.»

اگر انتظار، در این دنیا که عامل تدریج و تدرج، تأثیر و تأثر، فعل و انفعال و گذشت زمان است، از بشر گرفته شود، دیگر ادامه‌ی حیات برایش بی‌لذت و بی‌معنی خواهد بود. انتظار است که زندگی را لذت‌بخش و معنادار می‌سازد و شخص را به زندگی علاقه‌مند می‌کند. یک درخت، تا وقتی که انتظار می‌رود رشد کند و سایه داشته باشد و میوه بدهد، باقی می‌ماند، ولی وقتی دیگر میوه نداد و رشد و ترقی نکرد، آن را قطع کنند و در عوض، نهالی می‌نشانند، تا سال‌ها چشم انتظار رشد و ثمره دادن آن بدوزند. لذا آن را پرورش می‌دهند و آبیاری می‌کنند. پس، تمام موجودات جهان و تمام جوامع و همه مردم تا

هستند و در سراسیمه‌ی سقوط، انقراض و مرگ و نیستی وارد نشده‌اند، منتظرند و باید منتظر باشند.

### مفهوم حقیقی انتظار چیست؟

یکی از مهم‌ترین و پرارزش‌ترین وظایف شیعه در عصر غیبت موعود جهان، مسأله‌ی انتظار است. انتظار، در لغت به معنای «مراقب بودن» است و معمولاً به کسی گفته می‌شود که از وضع موجود ناراحت است و برای ایجاد وضع بهتری تلاش می‌کند؛ برای مثال: بیماری که انتظار بهبودی می‌کشد، یا پدری که در انتظار بازگشت فرزندش از سفر است، هر دو از بیماری و فراق ناراحتند و برای به وجود آوردن وضع بهتری می‌کوشند. بنابراین، مسأله‌ی انتظار حکومت حق و عدالت مهدی (عج) و قیام مصلح جهانی در واقع، مرکب از دو عنصر است: عنصر نفی و عنصر اثبات؛ عنصر نفی، همان بیگانگی با وضع موجود و عنصر اثبات، خواهان وضع بهتر است. با توجه به معنای لغوی انتظار، گاهی تصور می‌شود وظیفه‌ی ما در دوران غیبت، تنها آن است که به انتظار روزی بنشینیم، تا امام (عج) بیاید، کفر را از بین ببرد و مسلمانان بتوانند در سایه‌ی قیام او در امن و امان زندگی کنند. به عبارت دیگر، ما در دوران زندگانی خود به منظور برقراری حکومت اسلامی در تمام زمینه‌ها به ویژه در امور سیاسی هیچ‌گونه مسئولیت دینی برای قیام نداریم؛ چرا که برقراری حکومت همه جانبه‌ی اسلامی، وظیفه‌ی امام منتظر (عج) است. پس، ما اکنون مکلف به قیام نیستیم. برخی گمان می‌کنند که این عقیده‌ی شیعه است و با این گونه توهم‌های بی‌جا اعتقاد شیعه به امام زمان (عج) را - که فکری

سازنده و انقلابی است - به اندیشه‌ی تخریر کننده تبدیل کرده‌اند، تا به بهانه‌های واهی، از زیر بار مسئولیت قیام برضد باطل شانه خالی کنند.

### انتظار سازنده

ظهور مهدی موعود حلقه‌ی است از حلقه‌های مبارزه‌ی اهل حق با اهل باطل که به پیروزی نهایی اهل حق منتهی می‌شود. سهیم بودن یک فرد در این سعادت موقوف به این است که آن فرد به طور عملی در گروه اهل حق باشد. آیاتی که به آنها در روایات استناد شده است نشان می‌دهد مهدی موعود (عج) مظهر نویدی است که به اهل ایمان داده شده است، او مظهر پیروزی نهایی اهل ایمان است.

«وعد الله الذین امنوا و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض و لیمکن لهم دینهم الذی ارتضی لهم و لیبذلنهم من بعد خوفهم امنا یعبدوننی لا یشرکون بی شیاً»

«خداوند به کسانی که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند وعده داده است که آنان را جانشینان زمین قرار دهد، دینی که برای آنها پسندیده است، مستقر سازد. دوران خوف آنان را تبدیل به دوران امنیت نماید (دشمنان آنان را نابود سازد). بدون ترس و واهمه، خدای خویش را بپرستند و اطاعت غیر خدا را گردن نهند و چیزی را در عبادت یا طاعت حق شریک نسازند.»

### فضیلت مردن در حالت انتظار

حضرت امام باقر علیه السلام فرمود: «هر مؤمنی، شهید است. اگر در رختخواب خود بمیرد، شهید است. او مانند کسی است که در عسکر قائم علیه السلام مرده باشد.»

حضرت صادق علیه السلام نیز به فضیل بن یسار فرمود: «ای فضیل! امام خود را بشناس؛ اگر امام خود را شناختی، ضرر ندارد که این امر (فرج) پیش افتد یا به تأخیر افتد و کسی که امام خود را بشناسد، پس، اگر بمیرد پیش از آن که صاحب این امر قیام کند، به منزله‌ی کسی است که در عسکر او نشسته است، حتا به منزله‌ی کسی است که در زیر لوای او می‌باشد.» همچنین آن حضرت به فضیل فرمود: هر کس بمیرد و منتظر این امر باشد، نه تنها مانند کسی خواهد بود که با قائم در خیمه‌ی اوست، بلکه مانند کسی است که با شمشیر خود در پیش روی پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌جنگد.»

و نیز فرمود: «اگر شما به آنچه ما وصیت کردیم، رفتار کنید و از آن تجاوز نکنید، پس اگر یکی از شما بمیرد پیش از آن که قائم ما خروج کند، شهید خواهد بود و اگر او را درک کند و کشته شود، برای او اجر دو شهید رکاب قائم (عج) نوشته خواهد شد.»

### انتظار، بسیج عمومی

انتظار، نوعی بسیج عمومی است. مکتب تشیع علوی در عصر انتظار پیروانی آماده و همواره در سنگر دارد. این افراد از نظر قدرت ایمانی و روحی، نیروهای بدنی و سلاحی، تمرین‌های عملی و نظامی، تربیت‌های اخلاقی و اجتماعی و سازماندهی‌های سیاسی و مرامی و غیره همواره در سنگرند. در سنگر مبارزه با تمایلات نفسانی، سستی‌های تکلیفی، فتورهای موضعی، ذلت‌پذیری، استعمارزدگی، مبارزه با ستم، تبعیض، استثمار، بردگی دیگران، پذیرفتن سلطه‌ی یهود، نصاری، ملحدان و تحمل قدرت‌های ناحق

می‌باشند. این آمادگی عمومی و دایمی، جوهر اصلی انتظار است؛ به همین دلیل باید ماهیت انتظار شناخته شود، تا انتظار، انتظاری اسلامی، شیعی و سازنده باشد، نه نوعی تنبلی و تکلیف‌رهایی و «وادادگی». انتظار، پدیده‌ی عظیم و جریانی مهم است. همه می‌دانیم که ظهور مهدی موعود و رسیدن فرج اعظم و فتح اکبر، امری بسیار بزرگ و مهم است. همانا، ظهور موعود سبب نشر عدالت در همه آفاق و نشر حق در همه نفوس است. شیعه، منتظر این امر بزرگ است. شیعه خود را برای چنین هدف عظیمی آماده می‌سازد.

### بعد فرهنگی

در بخش فرهنگی، کسی منتظر واقعی آن حضرت است که علاوه بر خود سازی به «دگر سازی» نیز بپردازد، تا از این طریق، زمینه‌ی ظهور آن حضرت را فراهم کند. به طور کلی انتظار فرج در هر امری، از اعمال صالح است و انتظار فرج مهدی موعود، در واقع، انتظار فرج فرزند آل محمد و نور چشم شیعیان ایشان و فرج مظهر دین است، این انتظار فرج، برترین انتظارات است. حضرت رضا علیه السلام از پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: «افضل اعمال امت من، انتظار فرج است.» حضرت زین العابدین علیه السلام نیز چنین فرمایش را از پدر خود از امیرالمؤمنین علیه السلام و ایشان از پیغمبر صلی الله علیه و آله نقل فرمود. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «افضل عبادت مؤمن، انتظار فرج است.» همچنین مردی از آن حضرت پرسید: چه عملی نزد خداوند محبوب‌تر است؟ فرمود: «انتظار فرج!»

### بعد عدل

بعد عدل و دادگری نیز در مسأله‌ی انتظار بسیار قابل توجه است. انتظار

مهدی، انتظار ظهور عدل است، عدل جهانی و عدل آفاقی و انفسی است. مهدی، مظهر اسماء الهی است، از جمله این اسامی: «یا عدل» و «یا حکیم» است. مهدی، تجسم اعلاّی حق و تحقق و الهی عدل است. اوست که جهانِ سراسر بیداد را آکنده از داد می‌سازد و عدل خدایی را در همه جا و همه سو جاری می‌کند. عدالت خواهی و دادگری او فراگیر است.<sup>(۱)</sup>

### بعد دینداری

از ویژگی‌های انسان منتظر، دینداری اوست. جز این نیز نمی‌توان تصوّر کرد. انسان در دوران غیبت باید بیش از پیش مراقب دین و ایمان و اعمال صالح خود باشد و از هرگونه سستی و انحراف دوری گزیند. و اگر ابتلایی یافت زودی بازگردد، در راه صحیح قرار گیرد و به امام توجه و توسّل جوید. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «برای صاحب الامر، غیبتی طولانی‌ست. در این دوران، هر کسی باید تقوا پیشه سازد و در دین خود چنگ زند.»<sup>(۲)</sup>

### بعد امر به معروف و نهی از منکر

یکی از تکالیف عمده‌ی دینی، امر به معروف و نهی از منکر است. به کمک این دو فریضه، احکام و فرایض الهی برقرار می‌ماند و جامعه‌ی دینی از انحراف‌رهایی می‌یابد. همچنین می‌دانیم که رضا و خشنودی مهدی علیه السلام در آن است که «معروف» عملی شود و «منکر» ترک گردد. بنابراین، انسان منتظر

(۱) بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۴۱.

(۲) بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۵.

نمی‌تواند در این باره بی تفاوت باشد.

### بعد امامت

نقش اعتقاد به امامت نیز در انتظار به خوبی روشن است. مهدی، وصی صدیقین و خاتم ائمه‌ی طاهرین است. امامان پیشین، یکایک او را یاد کرده‌اند. او فرزند آنان، یادگار ایشان و ادامه دهنده‌ی راه آنان است. مهدی، مظهر قائم و جاری امامت است، او قطب نمای حرکت در اقیانوس بزرگ هستی و مشعل راه حیات و تکلیف است. وجود مهدی و انتظار ظهور او، بزرگ‌ترین تأکید بر اصل اعتقادی امامت و رهبری است.

### بعد توحید

از دیگر ابعاد مهم انتظار که باید پیوسته مورد توجه باشد، بعد توحیدی آن است. انتظار در ماهیت خود، انسان منتظر را متوجه مبدا عالم و خدای جهان و سرچشمه‌ی همه هست‌ها و هستی‌ها می‌کند. انسان منتظر همواره چشم به راه فرجی است که به قدرت مطلقه‌ی الهی تحقق خواهد یافت. منتظران، چشم به راه «مهدی» هستند. مهدی کیست؟ بنده‌ی خدا، خلیفه خدا و ولی خدا در زمین است که به قدرت خدا زنده است و مشغول عبادت خدا و سامان بخشیدن به اوضاع جهان است. روزی به امر خدا برای استقرار دین خدا و نجات جامعه‌ی بشری ظهور خواهد کرد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «بهترین اعمال امت من، انتظار رسیدن فرج از نزد خدای عزیز و جلیل است.»<sup>(۱)</sup>

(۱) کمال الدین، ج ۲، ص ۳۵۷.

## بعد قرآن

امر مهم دیگری که هر منتظری باید متوجه آن باشد، کتاب خدا و قرآن کریم است. مهدی، زنده کننده همه‌ی احکام قرآن است. انسان منتظر همواره این آرمان را در دل زنده می‌دارد که روزی با ظهور جهانگیر مهدی آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم و آخرین خلیفه‌ی آورنده‌ی قرآن، احکام قرآن جاری شود. قرآن در سراسر جهان حاکمیت می‌یابد و کتاب آسمانی برنامه‌ی زندگی انسان زمینی می‌گردد. به این ترتیب توجه به قرآن کریم و نورانیت و هدایت قرآن نیز از مسائل عمده‌ی انتظار است. (۱) ای امام عاشقان! شیفتگان تو هر جمعه «ندبه» می‌کنند و از آفریدگار خویش توفیق دیدار تو را می‌طلبند. هر شبه از تداوم غیبت دلگیر می‌شوند. ای آفتاب! می‌دانیم که همچنان بر ما می‌تابی که اگر جز این بود، نابودی، سرنوشت محتوم ما بود، اما از آن دلتنگیم که چون خورشیدی از ورای ابرها به ما نور می‌بخشی، حال آن که ما عاشق دیدار جمال چهره‌ی تو هستیم و می‌خواهیم چهره‌ی زیبا و دلربایت را از نزدیک ببینیم و با دیدن خورشید رویت غرق شور و شگفتی و شادی شویم. این تمنای ما را به استحضار حق برسان و دست‌های نیاز ما را خالی برمگردان. به حق همه طالبان یار و ظهور او ما را دریاب که عاشقان بر دست‌های دلدار بوسه می‌زنند!

(۱) المحاسن.



### در انتظار خورشید:

ولایت گلی، زیبا و خوشبوست که جهان را معطر و نفوس را عطر آگین می‌سازد. اگر ولایت نباشد، جهان پایدار نمی‌ماند، زمین بی‌قرار می‌شود، آسمان، آرامش پیدا نمی‌کند و انسان، گوهر هستی را به کف نمی‌آورد! اگر ولایت نباشد، پوچی و تباهی دنیا را فرا می‌گیرد. همه چیز بی‌معنا می‌شود. آفتاب، زمین را سرسبز نمی‌کند. آسمان، بخیل می‌شود، هر درخت، سبزه و گیاهی می‌خشکد و قلب انسان از حرکت باز می‌ایستد! سبز، یعنی تو؛ سبزه، یعنی تو؛ آب، یعنی تو؛ آینه، یعنی تو؛ نور، یعنی تو؛ آفتاب، یعنی تو؛ ما از میان همه رنگ‌ها رنگ سبز را برگزیده‌ایم، تا از همه نیرنگ‌ها در امان باشیم. سبز سرور همه‌ی رنگ‌هاست. رنگ سبز به ما طراوت و سرسبزی و بالندگی به ارمغان می‌آورد.

سبز، نوری است که آفرینش هستی را زیبا کرد، طبیعت را شکوفانمود و به زندگی شور و نشاط و حرکت داد. سبز، بیننده را زنده می‌کند، دل را به ساقه‌ی عشق پیوند می‌زند، ریشه‌ی ولا را در پهنه‌ی اندیشه‌ها غرق می‌کند و شور، شرافت، شوق، شکر، شادی، شهود و شایستگی را به ما می‌بخشد. سبز، یعنی برترین رنگ ماندگار، یعنی جلوه‌ی حضرت آفریدگار! سبز، یعنی ولایت گل‌ها، یعنی اقرار و اعتراف به مرتبه‌ی والا و عظیم چهارده شاخه‌ی نور، چهارده عاشق حقیقت، چهارده درخت پرثمر و جاودانه!

سبز، یعنی سلام بر رسالت، ولایت و امامت؛

سبز، یعنی عشق ورزیدن به همه معانی والا و پیوستگی با عالم بالا؛

سبز، یعنی علی علیه السلام و همه پیروانش؛

سبز، یعنی عاشقانه زیستن و گوش جان سپردن به رهنمودهای ولی؛  
 سبز، یعنی عزت و افتخار حسین بن علی علیه السلام؛  
 انتظار، یعنی تنفس هوای پاک بهاری؛  
 انتظار، یعنی سفر به نقطه تلاقی همه خوبی‌ها؛  
 انتظار، یعنی گسترش فرش ایمان در گستره زندگی؛  
 انتظار، یعنی تمامی قلب را به قائم بخشیدن؛  
 انتظار، یعنی سوزاندن هرچه ستم در چهار سوی دنیا؛  
 انتظار، یعنی تطهیر شدن در باران یقین؛  
 انتظار، یعنی فشردن دست‌های اتحاد؛  
 انتظار، یعنی انتقام‌گیری از دشمنان گل و آب و آینه؛  
 اگر منتظر واقعی باشیم، خویشتن خویش را به گناه نمی‌آییم.  
 اگر منتظر واقعی باشیم، زمینه را برای ظهورش آماده می‌کنیم.  
 اگر منتظر واقعی باشیم، هر شب تا پگاه و هر بامداد تا شامگاه لب و دل و  
 جان خویش را با رایحه‌ی یاد و نام او عطرآگین می‌سازیم.  
 اگر منتظر واقعی باشیم، هیچ واقعه‌ی نمی‌تواند ما را از او جدا کند.  
 اگر منتظر واقعی باشیم فرامین جانشین گرامی او، ولی فقیه را به جان  
 می‌خریم و تا کوی جانان به سر می‌دویم!

## انتظار از زبان دوازده امام

امام علی علیه السلام

«چشم به راه رسیدن فرج باشید و از گشایش الهی ناامید نگردید؛ زیرا

بهترین کارها نزد خدای بزرگ، انتظار فرج است.»

امام حسن علیه السلام

«...امام قائم که هنگام ظهورش حضرت عیسی از آسمان فرود می آید و پشت سر او نماز می گزارد... تولدش از مردمان پنهان است و از چشمها غایب می شود. او نهمین فرزند بردارم، حسین و فرزند بهترین زنان است، عمری طولانی دارد خداوند او را در سیمای انسانی چهل ساله در زمین آشکار می سازد تا همگان بدانند که خداوند بر هر کاری قادر است.»

امام حسین علیه السلام

«ما دوازده مهدی و هدایت کننده داریم، نخستین ایشان امیرمؤمنان، علی بن ابیطالب علیه السلام است و آخرین ایشان، نهمین فرزند من می باشد. او امام قائم به حق است. خداوند زمین را پس از نابودی به دست او زنده می کند و تمامی دین حق به وسیله او آشکار می گردد، هر چند برای مشرکان خوشایند نباشد. او از چشمها پنهان می شود، به گونه ای که مردمانی از دین بر می گردند و مردمانی نیز در دین باوری پایدار می مانند.

گروه دین باوران آزار می بینند به آنان می گویند: کجاست این وعده‌ی ظهور (امام غایب) اگر راست می گوئید؟ آگاه باشید، کسی که در دوران غیبت بر آزار و تکذیب مردمان شکیبایی و رزد، همچون مجاهدین و شمشیر زنان رکاب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است.»

امام سجاد علیه السلام

«آن کس که بر دوستی ما در دوران غیبت قائم ما پایدار بماند، خداوند به او

پاداش هزار شهید از شهیدان بدر و أحد را بدهد.»

امام باقر علیه السلام

«تقوا را پیشه سازید و بار سنگین انتظار را به کمک ورع (پرهیز از گناهان) و پارسایی و کوشش بسیار در عبادات و اطاعت خداوند به منزل برسانید. هر کدام از شما دینداران، هنگامی غرق شادمانی می‌شود که بر آستانه‌ی ورود به جهان دیگر قدم نهد و زندگی در دنیا را سپری کند.

آنجا چشم‌هایتان به نعمت الهی و کرامت خدایی و بهشت جاودانی روشن گردد. آنجاست که همه‌ی اندوه‌ها از میان می‌رود آنجاست که می‌بینند راهی که شما پیموده‌اید حق و راهی که مخالفان شما پیموده‌اند باطل بوده است.»

امام صادق علیه السلام

«هر کس که خوش دارد از اصحاب قائم به شمار آید باید در عصر انتظار، مظهر اخلاق نیک اسلامی باشد. چنین کسی اگر پیش از قیام قائم در گذرد، پاداش او مانند کسی است که قائم را درک کرده و به حضور او رسیده است. پس (در دینداری) بکوشید و در حال انتظار ظهور حق به سر برید. این (اعتقاد درست و کردار پاک) گوارا باد بر شما ای گروهی که رحمت خدا شامل حال شماست!»

امام کاظم علیه السلام

«آفرین به شیعیان ما! آنان که به رشته‌ی ولایت ما در دوران غیبت قائم ما چنگ زنند و بر دوستی ما و بیزارگی از دشمنان ما پایدار بمانند. اینان از ما هستند و ما نیز از آنانیم. ایشان به امامت ما خرسندند و ما نیز به پیرو بودن

آنان خشنودیم. رستگار و خوشبخت باشند. به خدا سوگند! آنان در مقامات آخرت با ما هستند.»

امام رضا علیه السلام

«چه زیباست، شکیبایی و انتظار فرج، آیا سخن خدا را نشنیده‌یی:

﴿وار تقیوا انی معکم رقیب﴾

«چشم به راه آمدن او باشید من نیز با شما و همچون شمایم.»

همچنین آنجا که می‌فرمایند:

﴿فانتظروا انی معکم من المنتظرین﴾

«منتظر باشید، من هم با شما منتظرم»

پس، شکیبایی ورزید همانا، فرج هنگامی فرا می‌رسد که همه ناامید شده

باشند.»

امام جواد علیه السلام

عبدالعظیم حسنی می‌گوید: خدمت امام جواد علیه السلام رفتم و می‌خواستم در

مورد امام قائم سؤال کنم که آیا او همان مرد است یا دیگری؟ پیش از سؤال

من، امام فرمود: «یا ابالقاسم! قائم ما همان مهدی است که باید در دوران

غیبت او چشم به انتظار او داشت و در روزگار ظهور از او فرمان برد. او سومین

فرزند من است. به خدایی که پیامبر را به نبوت برانگیخت و ما را امام قرار داد،

بی‌گمان اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نماند، خداوند آن روز را دراز گرداند، تا

قائم قیام کند و زمین را از عدل و داد لبریز سازد، پس از آن که سرشار از ستم و

بیداد شده باشد. خداوند بزرگ، امر (ظهور و قیام) او را در یک شب به سامان

رساند، چنان که امر (قیام) موسی را سامان بخشید، آن گاه که رفت تا برای خانواده‌اش آتش بیاورد، او در آن هنگام پیامبر شده بود.» سپس فرمود:

«بهترین کارهای پیروان و شیعیان ما، انتظار فرج است.»

#### امام هادی علیه السلام

علی بن مهزیار می‌گوید: به امام هادی علیه السلام نامه‌یی نوشتم و در آن از فرج حضرت پرسیدم. امام نوشت: «آن گاه که صاحب (امام) از سرزمین ستمکاران پنهان شد، انتظار فرج و گشایش داشته باشید.»

#### امام حسن عسکری علیه السلام

«گویا شما شیعیان درباره‌ی جانشین من اختلاف نظر دارید. بدانید اگر کسی امامان پس از پیامبر را باور دارد، لیکن فرزندان (مهدی) را انکار کند چنان است که همه پیامبران را باور دارد و پیامبر اسلام را منکر است و منکر پیامبر اسلام همچون کسی است که همه‌ی پیامبران را انکار کرده است؛ زیرا پیروی از آخرین ما چون پیروی از نخستین ماست. آگاه باشید، که فرزندان دارای غیبتی ست که مردمان دچار شک و تردید می‌گردند مگر آنان که خداوند بزرگ آنها را نگاه دارد.»

#### امام مهدی (عج)

«پرودگارا! بر محمد و آل محمد درود فرست و دوستانت را با تحقق وعده‌هایت گرامی دار! ایشان را به آرزوهایی که به کمک تو داشتند، برسان... زیرا مهلت (و دوران جباران و ستمگران) در نظر ما به آخر رسید و ما برای خشم تو خشمگینیم؛ و در یاری حق کوشاییم، و به صدور فرمان تو

اشتیاق داریم و تحقق وعده‌هایت را انتظار می‌کشیم، و چشم به راه دوخته‌ایم، تا بیم‌هایی را که به دشمنانت دادی بر آنان فرود آید.»<sup>(۱)</sup>

---

(۱) بحار الأنوار، ج ۵۸، ص ۲۳۳.



عظيمة



جهان، آبستن حادثه‌ی بزرگ است. حادثه‌ی که بشریت را از جهالت و سرکشی آزاد کند. ظهور مصلحی که نور و سرور را به ارمغان آورد. گویی صدای پای مرکب آن سوار حجازی به گوش می‌رسد و بشریت، لحظه به لحظه آمدن او را به خود نوید می‌دهد. جان‌ها سرگردان و چشم‌های بی‌قرار به دنبال نشانه‌ی از او می‌گردند. نشانه‌ها و نویدهای این ظهور و جهانی که هستی پس از ظهور به خود خواهد دید. اینک، در گردونه‌ی بینش ماست.

### علامه ظهور

۱. ندای آسمانی: در اولین جنبش قیام منادی حق، از آسمان طوری به نام مهدی ندا کنند که فریاد ظهور او به سمع تمام جهانیان برسد.

۲. نفاق و بدبینی مردم: آن امری که مردم در انتظار آن هستند؛ یعنی ظهور (مهدی) (عج) عملی نخواهد شد، تا اینکه برخی از مردم از برخی دیگر بیزاری جویند و علیه یکدیگر شهادت دهند و عده‌ی را لعنت کنند.

۳. ظلم و ستم: ستمکاران جبار، معاندین سرکش و خونخوار و فرمانروایان بی‌باک و غدار فراوان شود و سرتاسر جهان را بیدادگری فراگیرد و پس از قیام به وسیله‌ی آن بزرگوار، عدل و داد برقرار گردد.

۴. هرج و مرج: فتنه و فساد از هر جهت بر عالم غلبه پیدا می‌کند. هر دسته بر دسته‌ی دیگر شورش می‌کند، بزرگ‌ترها بر کوچک‌ترها

رحم نمی‌کنند و کوچک‌ترها احترام بزرگ‌ترها را رعایت نمی‌کنند. دنیا پر از هرج و مرج می‌شود. در آن وقت، مهدی (عج) ظهور خواهد کرد و نظم و ترتیب عالم را برقرار کرده، سروسامان خواهد داد.

۵. کشتن و مردن: در زمان مهدی (عج) موت قرمز و سفید پیدا می‌شود (موتی که به وسیله‌ی شمشیر و خونریزی حامل می‌شود و موتی که به وسیله‌ی طاعون یا وبا اتفاق می‌افتد) همچنین پیدایش ملخ در موسم غیر خود صورت می‌گیرد. در روایت دیگری آمده است مهدی خروج نمی‌کند، تا از هر سه نفر، یکی کشته شود، یک نفر بمیرد و یک نفر باقی بماند.

۶. خروج سید خراسانی: مردی از بنی عباس از طرف مشرق خروج خواهد کرد و با مردی از آل ابوسفیان قتال می‌کند و اطاعت و فرمانبرداری را برای مهدی مهیا می‌نماید. در آن موقع است که مردم، مهدی (عج) را طلب و تمنا می‌کنند.

۷. خروج دجال: اهل حق در آن زمان برای آخرین بار با دجال و قوم او مواجه شده و قتال خواهند کرد.

۸. خروج سفیانی: در این مورد، روایات بسیاری آمده است که سفیانی با لشکریان خود خروج می‌کند و همین که به زمین نرمی رسیدند، (در زمین بیداء) به زمین فرو خواهند رفت. در روایتی دیگر آمده است: آن موقع که لشکر سفیانی با مهدی برای جنگ روبه‌رو می‌شوند. ندایی از آسمان می‌شنوند که می‌گوید: آگاه باشید! اولیای خدا یاران مهدی هستند... (و مهدی (عج) پیروز خواهد شد).

### چهل مورد از علایم آخر الزمان از زبان رسول خدا ﷺ

۱. وقتی امت من نماز را ضایع کنند.
۲. از شهوت پیروی کنند.
۳. خیانت در میان مردم زیاد شود.
۴. امانت و امانت داری کم شود.
۵. مشروبات الکلی بنوشند.
۶. امنیت از راه‌های هوایی و زمینی برداشته شود.
۷. مردم همدیگر را سب و لعن کنند.
۸. خانواده‌ها در دامن فساد سقوط کنند.
۹. مردم، در زندگی گرفتار تجملات و مد پرستی شوند و سرانجام، قناعت و میانه روی ترک شود.
۱۰. افراد جامعه به یکدیگر بدبین شوند.
۱۱. درختکاری زیاد و محصول‌ها اندک شود.
۱۲. قیمت‌ها بالا رود.
۱۳. عمل شنیع لواط علنی شود.
۱۴. عمل خلاف پسندیده شود.
۱۵. فحش و ناسزاگویی به پدران و مادران را وسیله‌ی سرگرمی و مزاح قرار دهند.
۱۶. آشکارا ربا بخورند.
۱۷. زنا و بی عصمتی میان مردم رواج پیدا کند.
۱۸. افراد نادان و سفیه، زمام امور را به دست گیرند.

۱۹. مردم از اخلاق و کار خویش تعریف کنند.
۲۰. مردم خانه‌های خود را بیارایند، دیوارهای آن را زینت دهند و قصرها و خانه‌ها بلند شوند.
۲۱. باطل را به لباس حق جلوه دهند.
۲۲. محبت نسبت به یکدیگر و صله رحم از دل‌های مردم برداشته شود.
۲۳. جامه‌های نرم و زیبا و نازک بپوشند و بدن آنها نمایان باشد.
۲۴. به دنیا رغبت پیدا کنند و آن را بر آخرت مقدم بدانند.
۲۵. رحم از دل‌های مردم برود.
۲۶. فساد، جنبه‌ی عمومی پیدا کند. (خواهی نشوی رسوا هم‌رنگ جماعت شو)
۲۷. قرآن را به بازی بگیرند.
۲۸. اموال بیت المال (وجوه شرعیه) را مال شخصی خود بدانند (یا حقوق شرعیه‌ی مال خود را ندهند و بگویند مال خودمان است).
۲۹. مسکرات را با تغییر نام، حلال بدانند.
۳۰. ربا را با نام خرید و فروش و اجاره دادن محلی از مقروض بگیرند.
۳۱. دل‌های مردم پر از تکبر و نخوت شود.
۳۲. از اسلام چیزی جز نام آن باقی نماند.
۳۳. تنها محبوب مردم، دینار و درهم باشد.
۳۴. غیبت، نقل مجالس، شود.
۳۵. کوچکترها احترام بزرگ ترها را نگه ندارند.

۳۶. مرد از همسر خود اطاعت کند.

۳۷. برادر نسبت به برادر حسد ورزد.

۳۸. رشوه خواری میان مردم رواج پیدا کند.

۳۹. زن‌ها سوار بر زین‌ها شوند (اسب سواری، رانندگی و غیره).

۴۰. زنان شبیه مردان شوند و مردان نیز از نظر لباس و قیافه به زن‌ها

شباهت پیدا می‌کنند.<sup>(۱)</sup>

### در زمان ظهور

این حدیث زیبا را بشنوید که از حضرت ادریس (علی نبینا و آله و علیه السلام) یکی از پیامبران پیشین نقل شده است و درباره‌ی آرامش و امنیت در آن زمان سخن می‌گوید: «در زمان ظهور آن حضرت، امنیت بر زمین حاکم می‌شود و هیچ چیز بر دیگری ضرر نمی‌رساند و هیچ کس از چیزی نمی‌هراسد تا به آنجا که درندگان و چهارپایان بین مردم می‌چرخند، ولی به هم آزاری نمی‌رسانند. جسارت از درندگان گرفته می‌شود و زهر حیوانات گزنده از بین می‌رود. برکات از آسمان نازل می‌شود و زمین از رویش گیاهانش زیبا می‌شود. همه گل‌ها و میوه‌های معطر ظاهر می‌گردد و رأفت و رحمت قلب مردم را تسخیر می‌کند.

اینها همه از برکت آن پیک صلح و امنیت است که چون قدم به عرصه‌ی ظهور می‌نهد، درندگان از کار خود خجل می‌شوند و گزندگان زهر کینه از یاد می‌برند. چنین است که، کسی از دیگری نمی‌ترسد و دل‌های مالمال از کینه و بغض، لبریز

(۱) نشانه‌های شگفت آور آخرالزمان، محمد جواد مهری.

از رحمت و شفقت می‌شود و تا آنجا که مهر و عطوفت به پیکار خشم و نفرت می‌رود که قفل سینه‌های کینه توز را شکسته و عفریت عناد و دشمنی را از تخت به زیر افکنده و ملکه‌ی رأفت، تاج بر سر نهاده، بر سریر دل تکیه می‌زند.»<sup>(۱)</sup>

### اولین کلام حصرت مهدی (عج)

امام صادق علیه السلام فرمود: «پس، چون خروج کرد پشت می‌دهد بر کعبه و سیصد و سیزده نفر جمع می‌شوند و اول چیزی که تکلم می‌فرماید این آیه است:

﴿بَقِيَّةَ اللَّهِ خَيْرَ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾

آن گاه می‌فرماید: منم بقية الله و حجت و خليفه‌ی او بر شما، پس، سلام نمی‌کند بر او سلام کننده‌یی مگر آن که می‌گوید: السلام عليك يا بقية الله في ارضه!»<sup>(۲)</sup>

### ویژگی‌های عصر ظهور

آری! سرانجام، اداره‌ی امور جهان غرق در کفر به دست صالح‌ترین افراد بشر صورت خواهد گرفت و به برکت وجود آن حاکم معصوم الهی، بشریت از آسیب ظلم و ستم نجات می‌یابد. جهان از فقر و پریشانی، ناامنی‌های گوناگون و بی‌عدالتی‌ها آزاد خواهد شد. اینک که عالم به سوی آینده‌یی درخشان تکامل روحانی و عقلانی، نظم مستحکم دینی و الهی، عصر صلح، صفا، برادری و همکاری پیش می‌رود ما نیز به امید آن عصر نورانی، با قلبی آکنده از نشاط و دلی زنده، پا بر جا ایستاده و انجام وظیفه می‌کنیم. تنها آرزوی ما زندگی در

(۱) مکیال المکارم ۱/ ۱۰۱ از سعد السعود: ۳۴.

(۲) هود، آیه ۸۶.

پناه حکومت آن رادمرد عالم بشریت، حضرت مهدی (عج) است.

### ۱. حکومت در عصر ظهور

حکومتی که در مدینه‌ی فاضله‌ی اسلامی و در عصر حاکمیت امام مهدی (عج) مستقر خواهد شد، در تمام جهات با حکومت‌های موجود در عالم متفاوت است. حاکم، نوع حکومت، قوانین و نظامات جاری در آن، هیچ شباهتی به حکومت‌های موجود در عالم ندارد. نوع حکومتش الهی و بر مبنای ایمان به خدای یگانه و توحید خالص است. هدف آن، اتحاد مردم برداشتن دیوارهای امتیازات و اعتبارات بیهوده، برقراری توحید، ایجاد ارتباط و حسن همکاری بین مردم است. حاکم آن نیز امام معصوم، احیا کننده‌ی شریعت نبوی و مجری قوانین اسلامی و دستورات الهی است. اسلام می‌خواهد تمام اختلافات و جدایی‌ها را که به نام‌های گوناگون پدید آمده، به وسیله‌ی عقیده‌ی توحیدی از میان بردارد. باید تمامی اختلافات نژادی، طبقاتی، ملی، وطنی، جغرافیایی، مسلکی، حزبی و زبانی از میان برود و سبب امتیاز، افتخار و اعتبار نشود، حتا اختلاف دینی هم باید در آن حکومت کنار گذاشته شود، همگی زیر پرچم اسلام و تسلیم فرمان خدا باشند. این، همان حکومت واحد جهانی است.

### ۲. عدل در عصر ظهور

مسأله‌ی عدل در اسلام از روز نخست در تمام زمینه‌ها از بعد عقیدتی و دینی تا بعد فقهی و اجتماعی مورد توجه و عنایت بوده است. از قرآن و سنت بر می‌آید که عدل و مظاهر آن، پسندیده و موجب خشنودی حضرت حق است. اما قدر و منزلت آن به علت گستردگی و اقامه‌ی آن در سطح وسیع اجتماعی است؛ یعنی مردم آن قدر به رشد معنوی و کمال روحی نایل گردند که

تمام افراد یا حداقل اکثر آنان خواهان عدل باشند و خود به طور عملی آن را به اجرا گذارند. به هر حال، در اسلام و تعالیم الهی، عدل از جایگاه رفیعی برخوردار است، تا جایی که انسان‌ها مأمور شده‌اند در تمام زمینه‌های زندگی خود، در اصول و فروع در نظام اجتماعی و اقتصادی، سیاسی و نظامی، در گفتار و کردار و... عدالت را مراعات کنند.

«عدالت ورزید که عدالت به تقوا نزدیک‌تر است.»

دو چیز از شاخصه‌های اصلی حکومت اوست.

الف) حکومت واحد جهانی و تنها اوست که چنین حکومتی را ایجاد می‌کند.  
ب) عدل جهانی که تنها در جامعه‌یی که او تشکیل می‌دهد و خود در رأس آن قرار می‌گیرد، با تمام ابعادش گسترده می‌شود. همان گونه که حکومت او جهانی است، عدل او نیز گسترده و جهانی است. در روایات متعدّد، این شاخصه از سایر شاخصه‌های حکومت مهدی (عج) بارزتر و بیشتر مورد توجه قرار گرفته است.

### ۳. علم در عصر ظهور

عصر ظهور، زمان گسترش و شکوفایی علم و دانایی است، و مدینه‌ی فاضله‌ی اسلامی، شهر علم و دانش است. با آمدن منجی عالم همان گونه که ظلم و بیداد جای خود را به عدل و دادگری می‌سپارد و نابسامانی‌های اجتماعی به سامان می‌گراید، جهل و نادانی نیز جای خود را به علم و دانایی می‌دهد و جهان به نور عقل و دانش منور می‌شود، علوم و دانش‌هایی که در طور اعصار و قرون در پشت پرده‌ها مکنون مانده بود، ابراز می‌گردد. دانایی و یادگیری تا در وجود تک تک انسان‌ها نفوذ می‌کند.

امام صادق علیه السلام در این باره فرموده است: «علم و دانش بیست و هفت حرف است و بیست و هفت شعبه و شاخه دارد. تمام آنچه پیامبران الهی برای مردم



آورده‌اند، دو حرف بیش نبوده و مردم تا کنون جز آن دو حرف، نشناخته‌اند. اما هنگامی که قائم قیام کند، بیست و پنج حرف و شاخه و شعبه‌ی دیگر را آشکار و میان مردم منتشر می‌سازد و دو حرف دیگر را با آن ضمیمه می‌کند تا بیست و هفت حرف کامل و منتشر گردد!»

این حدیث، به روشنی جهش فوق‌العاده‌ی علمی عصر انقلاب مهدی (عج) را مشخص می‌سازد؛ یعنی تحوّل و پیشرفتی به میزان بیش از دوازده برابر نسبت به تمامی علوم و دانش‌هایی که در عصر همه پیامبران راستین به بشریت اعطا شده است، حاصل می‌شود و درهای تمام رشته‌ها و شاخه‌های علوم مفید و سازنده به روی انسان‌ها گشوده می‌شود و راهی را که بشر هزاران سال پیموده است به میزان بیش از دوازده برابر در اندک زمانی پیموده می‌شود.

#### ۴. ارتباطات در عصر ظهور

در عصر ظهور، به جهت جهش علمی و پیشرفت فناوری و صنعت، وسایل ارتباطی و اطلاعاتی آن قدر پیشرفته خواهد بود که دنیا را همچون کف دست نشان می‌دهد و برای آگاهی به اقصی نقاط کشور، نیازی به وسایل و ابزار ارتباطی امروزی نیست. از این رو، حکومت مرکزی به کلّ عالم که تحت سیطره دارد، تسلط کامل داشته و به موقع و بدون فوت وقت وارد عمل شده، مشکل را حل می‌کند، هر گونه توطئه و فساد را در نطفه خفه می‌کند. بین امام مهدی (عج) و مردم، نامه‌رسانی وجود ندارد و مردم در هر نقطه‌یی از کره‌ی زمین، امام را مشاهده می‌کنند و امام با آنان سخن می‌گوید. این مسأله، اختصاص به امام و رعیت ندارد، بلکه مردم عادی نیز با همدیگر سخن می‌گویند و همدیگر را مشاهده می‌کنند، در حالی که یکی در مشرق عالم و دیگری در مغرب آن است!

وسایل انتقال صدا و تصویر به طور همگانی، ساده و آسان در اختیار پیروان او قرار می‌گیرد، آن چنان که اداره‌ی پست در آن عصر چیز زایدی به حساب می‌آید و مسایل جاری آن حکومت بدون نیاز به کاغذ بازی، حل و فصل می‌شود؛ زیرا همه دستورها و برنامه‌ها با سیستم «شهوت و حضور» ابلاغ و اجرا می‌شود.

بنابراین، این ارتباط مستقیم، نه تنها در سطح حکومت، بلکه میان عموم نیز عملی می‌شود. در این زمان، پیوندهای ظاهری، جسمانی و معنوی، دل‌ها را استحکام می‌بخشد، به گونه‌یی که جهان به شکل یک خانه و مردمش همچون اهل یک خانواده به شمار می‌آیند.

#### ۵. رفاه و آسایش در عصر ظهور

مدینه‌ی فاضله‌ی اسلامی در حقیقت، آرمان شهر آسایش و رفاه همگانی است. رفاه و تنعم به گونه‌یی خواهد بود که دیگر در سطح جامعه نیازمندی یافت نمی‌شود؛ چون توزیع عادلانه‌ی ثروت جایی برای فقر و طبقه‌ی ضعیف باقی نمی‌گذارد. دیگر در آن جامعه مانند جوامع کنونی عمل نمی‌شود که بیش از هشتاد درصد ثروت در دست کمتر از بیست درصد و بیست درصد آن در دست هشتاد درصد مردم باشد و در نتیجه، طبقه‌ی مرفه و فقیر پیدا شوند.

#### ۶. سفر به فضا در عصر ظهور

در عصر ظهور، به جهت وسایل فوق مدرنی که در اختیار مردم قرار می‌گیرد، سفر به فضا و کرات همانند سفرهای زمینی امری عادی خواهد بود. البته، روایات این نوع سفر به آسمان‌ها را مخصوص خود آن حضرت می‌دانند، لکن ظاهراً وضع آن زمان به گونه‌یی خواهد بود که سفر به آسمان‌ها همانند سفر از قاره‌ای به قاره‌ی دیگر در عصر ما بوده و امکانات سفر به فضا در اختیار همه قرار خواهد گرفت؛ یعنی زندگی بر روی زمین در آن مدینه‌ی فاضله وارد مرحله‌ی جدیدی خواهد شد،

به طور کلی، با وضعیت گذشته متفاوت است. همان گونه که امروزه، بشر به پیشرفت هایی در صنایع و نرم افزار دست یافته که اگر در گذشته گفته می شد، پذیرش آن تنها از طریق اعجاز مورد قبول واقع می شد. از این رو، پیشرفت های آن عصر برای مردم امروز ما به آسانی قابل قبول نیست و عده یی هم آن را از باب اعجاز حضرت مهدی (عج) قبول می کنند.

#### ۷. امنیت و سلامت در عصر ظهور

از جمله نیازهای اساسی بشر که در هر م نیازهای وی جایگاه ویژه یی دارد، امنیت است. این نیاز در ابعاد مختلف تجلی می یابد: امنیت اخلاقی، اقتصادی، حقوقی اجتماعی، خانوادگی و... از روایات ظهور استفاده می شود که مدینه ی فاضله ی اسلامی، شهری امن و سالم آن هم در معنای واقعی و در تمامی ابعاد آن است. قرآن کریم به انسان ها و مؤمنان مستضعف، وعده ی چنین شهر امن و سلامتی را داده است و فرموده است: «زندگی شما پس از خوف تبدیل به امن می گردد»، ولی تاکنون چنین امنیتی برای بشر در عالم تحقق پیدا نکرده است و ائمه ی اطهار علیهم السلام در تفسیر این آیه فرموده اند: «منظور، عصر ظهور حضرت مهدی آل محمد صلی الله علیه و آله است.»

#### ۸. تربیت در عصر ظهور

در مدینه ی فاضله ی اسلامی، تنها سخن از آسایش تن و وفور ثروت و رفاه مادی نیست، بلکه در نظر مهندسان این مدینه ی فاضله، انسان موجودی است دارای ابعاد مختلف که تکامل و رشد او در گرو رشد متوازن تمامی آن ابعاد است. مدینه ی فاضله در بهشت زمینی موعود تحقق نمی یابد، مگر آن که بارقه یی از آسمان در آن حلول کند. تربیت و پرورش روح انسان ها و توجه به اخلاق و فضایل معنوی که از اساسی ترین برنامه های ظهور است، در همین

راستا معنا می یابد. مدینه‌ی فاضله در عین اینکه شهر عدالت است، شهر رفاه، امنیت، تربیت، سجایا و فضایل انسانی نیز هست. در آن محیط، انسان‌های صالح تربیت می یابند، تا جامعه‌ی آرمانی و صالح پایه گذاری کنند. انسان‌ها علاوه بردستیابی به غنای مالی از غنای روحی نیز بهره‌مند خواهند شد و در کنار وفور ثروت، به کمال اخلاق و فضیلت می‌رسند و تزویر و نامردمی در روابط اجتماعی، جای خود را به یکرویی و یکرنگی می‌بخشد.<sup>(۱)</sup>

### شادی مدینه پس از ظهور

شاید بتوان گفت زیباترین و طرب انگیزترین رویداد در عصر ظهور و بلکه در طول زمان برای دوستان اهل بیت علیهم‌السلام و محبتان آل محمد صلی الله علیه و آله آن روزی است که حضرت بقیه الله (ارواحنا فداه) قدم در شهر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌گذارد و به کنار قبر آن حضرت می‌آید. حضرت امام صادق علیه‌السلام مدینه را در آن روز چنین توصیف می‌فرمایند: «آن زمان که امام عصر (ارواحنا فداه) وارد شهر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌شود، امری عجیب رخ می‌دهد که شادی مؤمنان ظاهر می‌گردد و ذلت و خواری کافران هویدا می‌شود. مفضل سؤال می‌کند: آن واقعه چیست؟ حضرت در جواب می‌فرماید: «او حضرت مهدی علیه‌السلام است که بر قبر جدش وارد می‌شود و می‌فرماید: ای گروه خلائق! آیا این قبر جدّم رسول خداست؟ عرض می‌کنند: بلی، ای مهدی آل محمد! پس می‌فرماید: چه کسی در کنار او دفن شده است؟ آنان جواب می‌دهند... سپس از آن که سه بار از مردم اقرار می‌گیرد، دستور می‌دهد تا آن دو نفر را از قبر خارج کنند و بر درختی خشکیده

(۱) انتظار، شورای نویسندگان: مسعود پور سید آقایی - نصرت الله آیتی - محمد صابر جعفری...

بالا برده و آویزان کنند. در این هنگام، به جهت امتحان مردم، درخت سبز شده و شاخه هایش بلند می‌شود، تا حدی که به زمین می‌رسد. در این حین، آنان که در قلبشان ذره‌یی شک نسبت به حقانیت آن وجود مقدس و دشمنی با دشمنان اوست و ذره‌یی از محبت آنان (اهل بیت) در وجودشان هست، می‌گویند: به خدا سوگند! این عین شرافت است و رستگار شدیم به خاطر محبت اینان! اینجاست که محبان آنها علاقه و محبتشان را به آن دو اظهار می‌کنند. ناگهان از جانب حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) ندایی بلند می‌شود که هر کس این دو نفر را دوست دارد، به کناری رود. در این هنگام، مردم دو دسته می‌شوند: عده‌یی که از دوستان آنها و گروهی که متنفر از آنانند. حضرت بقیه الله (ارواحنا فداه) به گروه منحرفان و دشمنان ولایت امر می‌کند تا از آن دو نفر بیزاری و تبری بجویند. آنها می‌گویند: ای مهدی آل محمد! ما آن زمان که از اینها چنین کرامتی مشاهده نکرده بودیم و نمی‌دانستیم که آنها نزد خداوند چنین مقامی دارند، از آنان تبری نمی‌کردیم حال که چنین دیدیم به هیچ وجه، از آنها تبری نخواهیم کرد... بلکه به خدا سوگند از تو و هر کس که به تو ایمان دارد و ایمان به این دو نفر نداشته و آنها را از قبر خارج کرده و آویزانشان کرده است، بیزار و متنفریم. در این زمان، حضرت بقیه الله (ارواحنا فداه) امر می‌کند و بادی سیاه بر آنها می‌وزد. آنان مثل درختان خشکیده‌ی خرما می‌گردند. سپس به امر حضرت مهدی، آن دو را از درخت پایین آورده و به اذن الهی زنده می‌گردند. به امر حضرتش تمام مردم تجمع کرده و در برابر مردم، آنها را به محاکمه می‌کشد. سپس هر آنچه از جنایات مرتکب شده‌اند یک یک بر آنان بیان فرموده.. و آن دو به همه آنها اعتراف می‌کنند. سپس دستور می‌دهد تا قصاص شوند. پس از آن، به امر جناب، بار دیگر به دار

آویخته می‌شوند و فرمان ملوکانه‌ی حضرت صادر شده، آتشی از دل زبانه می‌کشد و آن دو را به شرار قهر خود می‌سوزاند. سپس به فرمان آن حضرت باد، خاکسترشان را می‌برد.<sup>(۱)</sup>

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرمایند: «المهدى من ولى وجهه كالقمر الدرى...»  
مهدی (عج) از فرزندان من است که صورت او مانند ماه فروزان است<sup>(۲)</sup>. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرمایند: والله ليغيبن امامكم سنين من الدهر... ولتفيضن عليه اعين المؤمنين؛

«سوگند به خدا، امام شما سالیان درازی غایب می‌شود و چشم‌های مؤمنین (در فراق او) اشکباران است.»<sup>(۳)</sup>

امام سجاد عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرمایند: ...ان اهل زمان غيبته القائلون بامامته المنتظرون لظهوره افضل اهل كل زمان لان الله تعالى ذكره اعطاهم من العقول والافهام والمعرفة ما صارت به الغيبة عندهم بمنزله المشاهده؛

«مردمانی که در زمان غیبت مهدی (عج) به سر می‌برند و معتقد به امامت او و منتظر ظهور وی هستند، از مردمان همه زمان‌ها برترند؛ زیرا خدای که یادش بزرگ است و به آنان خرد و فهم و شناختی ارزانی داشته است، غیبت امام برای آنان مانند حضور امام است<sup>(۴)</sup>. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرمایند: اذا قام القائم لا يبقى ارض نودی فيها شهادة ان لا اله الا الله و ان محمدا رسول الله؛

(۱) (الزم الناصب ۲/۲۵۸ و معجم الملاحم و الفتن ۲/۵۱)

(۲) بحار الانوار ج ۵۱، ص ۸۵، كشف الغمه.

(۳) بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۴۷، غیبت نعمانی.

(۴) بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲، احتجاج.

«هنگامی که حضرت قائم (عج) قیام کند، هیچ زمینی نماند مگر اینکه در آنجا گلبانگ اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمدا رسول الله بلند گردد»<sup>(۱)</sup>.  
پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمایند: المهدی طاووس اهل الجنة؛ «مهدی (عج) طاووس بهشتیان است»<sup>(۲)</sup>.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمایند: لا تقوم الساعة حتى يقوم القائم الحق منا و ذلك حين ياذن الله عزوجل له و من تبعه نجى و من تخلف عنه هلك...؛ روز قیامت برپا نخواهد شد تا اینکه قائم به حق که از ماست، قیام کند و این امر هنگامی محقق می شود که خدای بزرگ اجازه ی قیام دهد و هرکس از او اطاعت کند، نجات یابد و هرکس از وی سرپیچی نماید، نابود شود»<sup>(۳)</sup> امام باقر علیه السلام می فرمایند:... یوحى اليه فيعمل بالوحى بامر الله؛ «از سوی خدا به حضرت مهدی (عج) الهام می شود و او هم طبق دستور خدا به الهام عمل فرماید»<sup>(۴)</sup>.  
پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمایند: انتظار الفرج بالصبر عباده؛ «انتظار فرج همراه با شکیبایی عبادت است»<sup>(۵)</sup> امام باقر علیه السلام می فرمایند: اذا قام القائم يسوى بين الناس حتى لا ترى محتاجا الى الزكاه...؛ «هنگامی که حضرت قائم ظهور می کند، اموال را میان مردم چنان به تساوی قسمت می نماید که دیگر نیازمند

(۱) بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۴۰، تفسیر عیاشی.

(۲) بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۰۵، طرائف.

(۳) بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۶۵، عیون الاخبار الرضا علیه السلام.

(۴) بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۹۰.

(۵) بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۴۵، دعوات راوندی.

به زکاتی را نمی‌بینی<sup>(۱)</sup>». امام باقر علیه السلام می‌فرمایند: ... انی لو ادرکت ذلک لابقیت نفسی لصاحب هذا الامر؛ «اگر من زمان حضرت مهدی (عج) را درک می‌کردم، خود را برای خدمت به او نگاه می‌داشتم و آماده می‌نمودم.»<sup>(۲)</sup>

پیامبر عزیز می‌فرمایند: يخرج الناس من المشرق فیوطئون للمهدی سلطانه؛ «مردمی از مشرق زمین قیام می‌کنند و زمین‌های حکومت مهدی (عج) را فراهم می‌سازند.»<sup>(۳)</sup> امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: اعرف امامک فانک اذا عرفته لم یضرک تقدم هذا الامر او تأخر. «امام خود را بشناس. اگر امام خود را شناختی چه ظهور زودتر اتفاق افتد، یا دیرتر به تو زیانی نمی‌رساند.»<sup>(۴)</sup> ... و یجی ء والله ثلاث مائه و ثلاثه عشر رجلا فیهم خمسون امراه یجتمعون بمکه... «سوگند به خدا سیصد و سیزده نفر نزد مهدی (عج) در مکه گرد می‌آیند که پنجاه زن نیز همراه آنهاست...!»<sup>(۵)</sup>

### یاران عصر ظهور

برای انصار و یاران آن حضرت ویژگی‌هایی به شرح زیر است:

آنها اغلب جوان هستند و پیران، انگشت شمارند. دل‌هایی قوی و قدرت بدنی فوق‌العاده‌ی دارند. به سرعت خود را به مکه می‌رسانند، تا او را یاری دهند. تعدادشان سیصد و سیزده نفر از غیر عرب‌هاست. تعداد پنجاه زن در هسته‌ی

(۱) بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۹۰.

(۲) بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۴۳، غیبت نعمانی.

(۳) بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۸۷، کشف الغمه.

(۴) بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۴۱، غیبت نعمانی.

(۵) بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۳، تفسیر عیاشی.



اولیه‌ی آن وجود دارد که به امور پزشکی و امداد و درمان و سایر امور اشتغال می‌یابند. حضرت علی (علیه السلام) در خطبه‌ی معروف به «خطبه البیان» آن گاه که خود را معرفی می‌فرماید، به این قسمت می‌رسد که «منم پدر امامان پاک، منم پدر مهدی (علیه السلام) که در آخر الزمان قیام می‌کند.» در این حال، مالک اشتر که پایین منبر مولا بود به پا خاسته، از حضرت می‌پرسد: این قیام کننده از فرزندان شما، کی قیام می‌فرماید؟ حضرت فرمود: اذا زهق الزاهق ۱. و خفت الحقایق ۲. ولحق اللاحق ۳. و ثقلت الظهور ۴. و تقاربت الامور ۵. و حجب النشور ۶. و ارغم المالک ۷. و سلک السالک ۸. و دهش العدد ۹. و هاجت الوسوس ۱۰. و غیطل العساعس (الفسارس) ۱۱. و ماجت الامواج ۱۲. وضعف الحاج ۱۳. و اشتهد الحرام ۱۴. و ازدلف الحضام ۱۵. و اختلفت العرب ۱۶. و اشتد الطلب ۱۷. و نکص الهرب ۱۸. و طلبت الديون ۱۹. و ذرقت العيون ۲۰. و اغبن المغبون ۲۱. و شاط النشاط ۲۲. و حاط الهباط ۲۳. و (عج) زال المطاع ۲۴. و اظلم الشعاع ۲۵. و صمت الاسماع ۲۶. و ذهب العفاف ۲۷. و سجع الانصاف ۲۸. و استحوظ الشيطان ۲۹. و عظم العصيان ۳۰. و حکمت النسوان ۳۱. و فدحت الحوادث ۳۲. و نفثت النوافث ۳۳. و اختلفت الالهواء ۳۴. و عظمت البلوی ۳۵. و اشتدت الشکوی ۳۶. و استمرت الدعوی ۳۷. و قرض القارض ۳۸. و لمض القارض ۳۹. و تلاحم الشداد ۴۰. و نقل الملحاد ۴۱. و (عج) ت الفلاه ۴۲. و خج (عج) الولاه ۴۳. و نضل البارخ ۴۴. و عمل الناسخ ۴۵. و نزلت الارض ۴۶. و عطل الفرض ۴۷. و كتب الامانه ۴۸. و بدت الخيانه ۴۹. و خشيت الصيانه ۵۰. و اشتد الغيظ ۵۱. و اراع الغيظ ۵۲. و قاموا الادعياوء ۵۳. و قعدوا الاولياء ۵۴. و خبثت الاغنياء ۵۵. و نالوا الاشقياء ۵۶. و مالت الجبال ۵۷. و اشكل الاشكال

۵۸. وشيع الكربال ۵۹. ومنع الكمال ۶۰ (۱)

امام ششم علیه السلام در ارتباط با روزهای اول ظهور از امام عصر (بیانی نقل فرمودند که خلاصه و جان این خطبه به فرمایش علامه مجلسی چنین است: «من مجموعه‌یی از کمالات انبیا و ائمه‌ی معصومین هستم و آنچه سبب شد که مردم از آنها [ائمه و انبیا] متابعت کنند، همه در وجود من جمع شده است.»

به گفته‌ی شاعر

آنچه خوبان دارند، تو تنها داری!

اکنون به متن و ترجمه‌ی فرمایش امام صادق علیه السلام توجه فرمایید:

«آقای ما قائم پشت به خانه کعبه می‌زند و مردم را مخاطب قرار داده، چنین فرماید: هرکسی بخواهد آدم و شیث را ببیند، بیاید مرا ببیند، ای مردم! هرکس بخواهد نوح و پسر او سام را ببیند، من نوح و سام هستم. آگاه باشید، هرکس بخواهد ابراهیم و اسماعیل را ببیند، بیاید مرا ببیند. ای جهانیان! آن کسی که مایل باشد عیسی و شمعون را زیارت کند، بداند که من عیسی و شمعون هستم. ای مردم دنیا! اگر کسی بخواهد محمد صلی الله علیه و آله و سلم و امیرالمؤمنین علیه السلام را زیارت کند، من محمد و امیرالمؤمنین هستم. ای مردم عالم! هرکسی بخواهد حسن و حسین را زیارت کند، بیاید مرا ببیند، من حسن و حسینم. ای مردم! هرکسی بخواهد ائمه‌ی معصومین از فرزندان امام حسین علیه السلام را ببیند، من همان ائمه از فرزندان حسین هستم.» (۲)

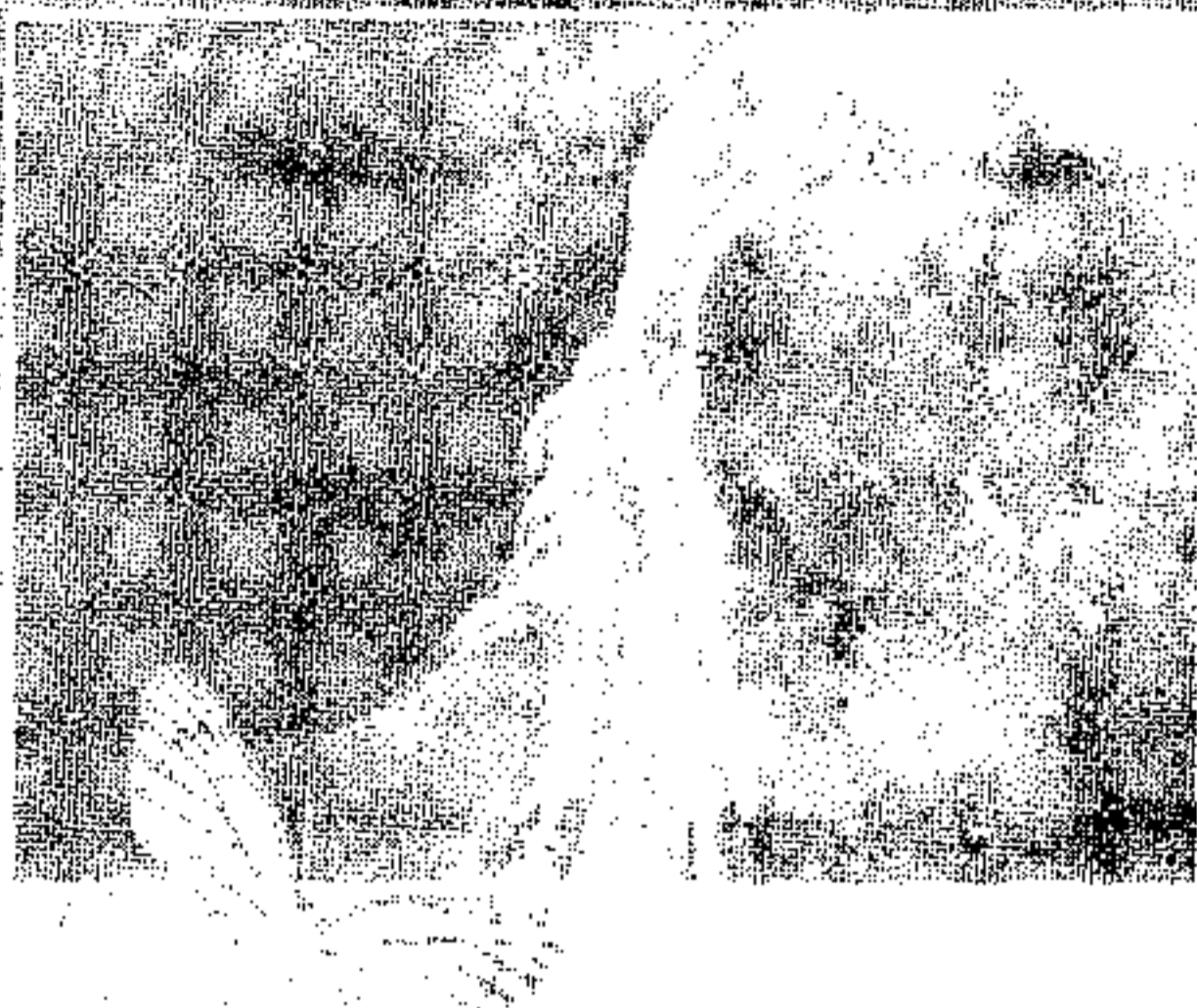
(۱) الزام الناصب، ج ۲، ص ۱۸۱.

(۲) غیبت طوسی، ص ۲۶۸.

## یاران امام مهدی

هر کدام از آنها قدرت چهل مرد را خواهند داشت. همچون ابر پاییزی زمان ظهور حضرت سریع جمع می‌شوند. پارسایان شب و شیران روزند. شب‌ها را به زمزمه‌ی قرآن و مناجات می‌پردازند. محبت آن حضرت را نه زبانی، بلکه در قلب خود دارند. فقط از خدا می‌ترسند. فریاد «لا اله الا الله» و «الله اکبر» آنان همواره بلند است. یاران مهدی بهترین دلیران روی زمین هستند، یا از بهترین جنگاوران هستند که بر روی زمین تا به امروز بوده‌اند. یاران مهدی مردانی هستند که خدا را آن گونه که باید، شناخته‌اند. یاران مهدی، پرچمداران حضرت هستند. یاران مهدی فقیهان، قاضیان و فرمانروایان هستند. یاران مهدی از امتحانات و آزمایش الهی، موفق بیرون آمده‌اند. یاران مهدی از ملامت‌های دشمنان بیم و هراسی به خود راه نمی‌دهند.

یاران مهدی بدون هیچ تردید و شکی در ذات اقدس الهی، در راه هدف خود گام می‌گذارند. یاران مهدی تمام امور زندگی خود را بر اساس رضای خالق تنظیم می‌نمایند. تلاش روزانه و کوشش و جهاد یاران حضرت، آنان را خسته نمی‌کند و مانع عبادت شبانه‌ی آنان نمی‌شود. آروزی یاران مهدی، شهادت در راه اوست. یاران مهدی در پهنه‌ی عمل و مبارزه دلیرتر از شیر و برنده‌تر از نیزه هستند. یاران مهدی با شهامت و شجاعت روحانی و معنوی، قلم نابودی بر تمامی فسادها و ظلم‌ها می‌کشند. یاران مهدی با تمام وجود از امام خویش اطاعت می‌کنند. اطاعت آنان، زبانی نیست، بلکه همچون اطاعت کنیز از ارباب است. هنگام حرکت پیشاپیش دشمنان ترس از آنان دور می‌شود. یاران مهدی، شیعیان کاملی برای مولای خود هستند و افعال و صفاتشان مطابق افعال و صفات امام است. در مقابل امام خود که مظهر تمام عیار عدل و کمال است، خضوع کامل دارند.



حضرت مہدی

ملاقات و عنایت

### مرحوم آیت الله سید محمد باقر مجتهد سیستانی

محمد باقر مجتهد سیستانی تصمیم می‌گیرد، برای تشرّف به محضر امام زمان (عج)، چهل جمعه در مساجد شهر مشهد زیارت عاشورا بخواند. در یکی از جمعه‌ها نوری را از خانه‌یی مشاهده می‌کند که نزدیک مسجد بود. به سوی خانه می‌رود و حضرت ولی عصر، امام زمان (عج) را می‌بیند که در یکی از اتاق‌های آن خانه تشریف دارند. در اتاق، جنازه‌یی قرار داشت که پارچه‌ی سفیدی روی آن کشیده شده بود. ایشان می‌گوید: هنگامی که وارد شدم اشک می‌ریختم. سلام کردم. حضرت به من فرمودند: «چرا این گونه به دنبال من می‌گردی و این رنج‌ها را متحمل می‌شوی؟ مثل این باشی (اشاره به آن جنازه کردند)، تا من به دنبال شما بیایم.» سپس فرمودند: «این، بانویی است که در دوره‌ی کشف حجاب (در زمان رضاخان پهلوی) هفت سال از خانه بیرون نیامد، تا چشم نامحرم به او نیفتد!»

### آیت الله سید محمد باقر ابطحی اصفهانی می‌گوید:

شبی در عالم رؤیا امام زمان (عج) را دیدم. به ایشان عرض کردم: چه کنم تا به شما نزدیک شوم؟ به زبان فارسی فرمودند: «عملت را عمل امام زمان قرار بده.» من گمان کردم منظور حضرت این است که در مورد هرکاری ببین اگر امام زمان (عج) این کار را می‌کند تو هم انجام بده. عرض کردم: این آرزوی من است. چه کنم که در این امر موفق باشم؟ فرمودند: «الاخلاص فی العمل؛ در کارهای خود اخلاص داشته باش.» یکی از بازرگانان اصفهانی که مورد اعتماد گروهی از دانشمندان بود، در عالم رؤیا به محضر امام زمان (عج) مشرّف می‌شود و از ایشان می‌پرسد: فرج شما کی خواهد رسید؟ امام (عج)

می فرمایند: نزدیک است. به شیعیان ما بگویید دعای ندبه را روزهای جمعه بخوانند. (۱)

### **در تشرّف مرحوم سید احمد بن سید هشتم بن سید حسن موسوی رشتی**

سید احمد در مسافرت حج از قافله جدا می شود و راه را گم می کند. به او می گویند: نماز نافله بخوان، تا راه را پیدا کنی. او نماز شب می خواند. پس به او می فرمایند: «زیارت جامعه بخوان. ایشان زیارت جامعه را از حفظ می خواند. پس می فرمایند: زیارت عاشورا بخوان. او زیارت عاشورا، با تمام لعن و سلام و دعای علقمه از حفظ می خواند. آن گاه او را سوار بر مرکب می کند و می فرماید: چرا شما نافله نمی خوانید؟ نافله، نافله، نافله! همچنین می فرماید: چرا شما عاشورا نمی خوانید؟ عاشورا، عاشورا، عاشورا! سپس می فرماید:

این ها دوستان شما هستند که در کنار نهر آبی فرود آمده اند، برای نماز صبح وضو بگیرند. (۲)

### **سروشی از غیب: روایتی از زبان شهید حاج احمد متوسلیمان**

«...می ترسیدم که این عملیات موفق نشود، مثلاً آبروریزی شود و از این قبیل فکرها، که یک دفعه از اتاق زدم بیرون تا در آن تاریکی وضو بگیرم. در حین وضو تمام فکر و ذکرم این بود که با این امکانات (محدود) چطور می شود

(۱) ملاقات با امام زمان، ص ۴۵.

(۲) نجم الثاقب، ص ۴۶۴.

عملیات کرد و پیروز شد!

ناگهان احساس کردم از میان تاریکی، از پشت سر فردی دستش را روی کتف من گذاشت و فشار داد. وضو گرفتن را فراموش کردم، خواستم برگردم و بیرسم جریان از چه قرار است که یکباره همان فرد به زبان آمد و گفت: برادر احمد! شما انگار خداوند و ائمه را فراموش کرده‌اید که به فکر آمبولانس و تویوتا و امکانات مادی این دنیا هستید؟ مرد! توکل به خدا کن و این امکانات را نادیده بگیر که شما پیروز خواهید شد. ان شاءالله این عملیات، عملیات دیگری به نام بیت المقدس دارید، بعد از آن هم برای جنگ با اسرائیل عازم لبنان خواهید شد، آنجا پایان کار است و دیگر بر نمی‌گردید!»

### سفارش کمک به پدر

مرد دلاک، پدری داشت که در خدمت به او از هیچ عملی دریغ نداشت، حتا آب تطهیرش را او می‌برد و منتظر می‌ایستاد، تا برگردد و به جایش برساند. پیوسته، به پدر خدمت می‌کرد، مگر شب‌های چهارشنبه که به مسجد سهله می‌رفت و تا صبح بیتوته می‌کرد و به همین جهت، از خدمت پدر معذور بود، ولی پس از مدتی دیگر به مسجد سهله نرفت. از او پرسیدند: چرا دیگر به مسجد سهله نمی‌روی؟ گفت: چهل شب چهارشنبه به مسجد سهله رفتم. عرب اسب سواری را دیدم که به طرف من می‌آید، پیش خود گفتم: شاید این مرد راهزن باشد و مرا برهنه کند. وقتی که به من رسید، با زبان عرب بدوی صحبت کرد و پرسید: کجا می‌روی. گفتم مسجد سهله. گفت: آیا با تو خوردنی هست؟ گفتم: نه! فرمود: داری! دست خود را در جیب کن تا بفهمی. گفتم:

چیزی نیست. فرمود: چرا هست. من دست در جیب کردم مقداری کشمش یافتم، یادم آمد که برای فرزند کوچکم خریده بودم و فراموش کرده‌ام. آن گاه سه مرتبه فرمود: «اوصیک بالعود» و عود به زبان عرب بدوی، پدر پیر را گویند؛ یعنی تو را بر خدمت پدر پیرت سفارش می‌کنم. پس از این سخن، از نظرم ناپدید شد. دانستم که ایشان وجود صاحب الزمان (عج) بودند و احترام پدر تا این حد ارزشمند است. لذا دیگر به مسجد سهله نرفتم و این کار را ترک نمودم! (۱)

حوضی نزدیک چاه، واقع در باغ مسجد جمکران (که هم اکنون در اثر توسعه و تغییر و تبدیل از بین رفته است) قرار داشت. زنی در آن جا عجله می‌کرد که هر چه زودتر وضو بگیرد و به نماز جماعت برسد. سیدی را می‌بیند که بالای حوض ایستاده است، سید به آن زن می‌گوید: بعد از نماز، به امام جماعت بگو این چه نمازی است که در تمام آن به فکر جو الاغ هستی؟ آن زن پس از اتمام نماز به امام جماعت پیغام را می‌گوید. امام جماعت وقتی پیام را می‌شنود به سر و صورت خود زده، گوید: بین آن سید کجا است؟ هر چه می‌گردند، او را نمی‌یابند! (۲)

### تشرف مستأجر و عنایت حضرت علیه السلام

سید کریم محمودی در تهران در کوچه‌ی غریبان در منزل یکی از بازاری‌ها زندگی می‌کرد. آن بنده‌ی خدا نمی‌دانست که مستأجر او چه انسان بلند مرتبه

(۱) شیفتگان، ج ۳، ص ۱۵۳.

(۲) ملاقات بانوان با امام عصر (عج). ص ۲۴۴.



و بزرگواری ست. پس از مدتی که سید در خانه‌ی او می‌نشیند، به او می‌گوید: آقا سید کریم با کمال معذرت اگر ممکن است منزل ما را تخلیه کنید؛ چرا که خودمان به آن نیازمندیم. سید چند روز مهلت می‌خواهد تا جایی را فراهم کند، اما به هر دری می‌زند، جایی پیدا نمی‌کند. سرانجام، کار به جایی می‌رسد که صاحب منزل می‌گوید: که آقا سید! دیگر راضی نیستیم در منزل بمانی. سید بزرگوار با شنیدن این جمله به ناچار اثاث منزل خودش را جمع می‌کند و در گوشه‌یی از کوچه، پرده‌یی می‌کشد و در سرمای زمستان کرسی می‌گذارد در این افکار غوطه‌ور بود که چه باید کرد، ناگاه متوجه می‌شود که امام عصر (عج) نزدیک می‌شود. به سوی آن بزرگوار می‌رود و عرض اخلاص و ارادت می‌کند. آن حضرت می‌پرسد؟ سید کریم! چه می‌کنی؟ می‌گویند: سرورم، خود می‌دانید. آن حضرت می‌فرماید: دوستان ما باید در فراز و نشیب‌ها شکیبا باشند. می‌گویند: آری، سرورم! خاندان پیامبر در راه خدا رنج و فشار، آوارگی، شهادت و اسارت بسیار دیدند اما خدای را سپاس، که مصیبت کرایه‌نشینی را ندیده‌اند، در فصل زمستان از منزل رانده شوند. حضرت، تبسم نموده، می‌فرماید: آری، اما مهم نیست، نگران نباش، منزل درست می‌شود. و می‌روند! سپس از نظرها غایب می‌شوند. به فاصله‌ی چند دقیقه، مرحوم حاج سید مهدی خرازی که از تجار و خوبان تهران بود و اندکی به عظمت آقا سید کریم آشنا بود، سر می‌رسد و بی‌درنگ منزلی را در بازارچه‌ی علی شهریاری برای سید کریم خریده و او را به خانه‌ی جدید می‌برد! (۱)

(۱) شیفتگان، ج ۲، ص ۱۰۴.

## دیدار یار مهربان

حضرت امتحان می‌کنند

روزی حضرت به حجره سید عبدالکریم تشریف آوردند، در حالی که او مشغول کفافی بود. پس از دقایقی، حضرت فرمودند: «سید عبدالکریم! کفش من نیاز به تعمیر دارد، برایم پینه می‌زنی؟» سید عبدالکریم عرض کرد: آقا جان به صاحب این کفش که مشغول تعمیر آن هستم، قول داده‌ام کفش را برایش حاضر کنم اگر شما امر می‌فرمایید آن را کنار بگذارم و کفش شما را تعمیر کنم (توضیح این که امر امام بر هر واجبی مقدم است حتا بر نماز و در این جا به سید عبدالاکریم امر نفرموده بودند و آلا ایشان بدون معطلی امر حضرت را اجابت می‌کردند) حضرت چیزی نفرمودند و سید مشغول کارش شد. پس از دقایقی، مجدداً آن حضرت فرمودند: «سید عبدالکریم! کفش من نیاز به تعمیر دارد، برایم پینه می‌زنی؟» سید عبدالکریم کفشی را که مشغول پینه زدن بود کنار گذاشت، بلند شد و دستانش را دور کمر حضرت حلقه زد و به مزاح گفت: اگر یک بار دیگر بفرمایید: «کفش مرا پینه می‌زنی؟» داد و فریاد می‌کنم که ای مردم! آن امام زمانی که دنبالش می‌گردید، پیش من است، بیایید زیارتش کنید! حضرت لبخند زدند و فرمودند: «خواستیم امتحان کنیم، تا معلوم شود به قولی که داده‌ای، چقدر مقید هستی!»<sup>(۱)</sup>

(۱) مجله خورشید مکه، شماره ۶.

## دیدار یار مهربان

شیعیان، ما را نمی‌خواهند: حاج محمد علی فشندی تهرانی می‌گوید: در مسجد جمکران قم، اعمال را به‌جا آورده و با همسرم می‌آمدم. آقای نورانی داخل صحن شده و قصد داشتند به طرف مسجد بروند. گفتم این سید در این هوای گرم تابستان تازه از راه رسیده حتماً تشنه است. لذا ظرف آبی به دست او دادم، تا بنوشد پس از آن که ظرف آب را پس داد، گفتم: آقا! شما دعا کنید و فرج امام زمان علیه السلام را از خدا بخواهید، تا امر فرج نزدیک گردد. فرمودند: «شیعیان ما به اندازه‌ی آب خوردنی، ما را نمی‌خواهند؛ اگر بخواهند، دعا می‌کنند و فرج ما می‌رسد!» وقتی این جمله را فرمودند، تا نگاه کردم دیگر ایشان را ندیدم. فهمیدم وجود اقدس امام زمان (عج) را زیارت کردم و حضرتش امر به دعا نموده است. لا اله الا انت سبحانک انا کنا من الظالمین «ای خدای مهربان! خدایی جز تو نیست، تو پاک و منزهی، ما از ظالمین بودیم، پس عفو مان کن و فرج مولای عزیزمان را برسان.»<sup>(۱)</sup> مرجع بزرگ حضرت آیت‌الله العظمی بهجت (دامت برکاته) به نقل از فردی، فرمود: روزی با ماشین یک شرکت آلمانی عازم ایران بودم، راننده برای صرفه جویی در وقت برخلاف مسیر عادی از راه میان بر به طرف ایران حرکت کرد. اتفاقاً در میانه‌ی راه ماشین خراب شد، راننده‌ی آلمانی پس از عیب‌یابی ماشین به من گفت: اگر وسیله‌ی بی به‌دستمان نرسد، یک ماه معطلی داریم! من خیلی نگران شدم پس بدون توجه به حرف‌هایش به حضرت بقیه‌الله استغاثه کرده و کمک

(۱) برگرفته از کتاب شیفتگان حضرت مهدی (عج).

خواستیم. ناگهان از دور کامیونی با بارِ سبزی دیده شد بسیار خوشحال شدیم؛ زیرا در آن جاده، ماشینی رفت و آمد نمی‌کرد. وقتی آن ماشین به ما رسید، ایستاد. مرد عربی از ماشین پیاده شد و به زبان محلی آلمانی با آن راننده سخن گفت! و به اصرار از او خواست تا استارت را فشار دهد. راننده با ناراحتی به آن عرب گفت: خرابی ماشین از جای دیگری است، نه از این کلید تا آن را فشار دهیم! مرد عرب دوباره از آن مرد خواست تا همان کلید را فشار دهد سرانجام آن راننده با عصبانیت و از روی ناچاری کلید را فشار داد و بلافاصله ماشین روشن شد. بسیار خوشحال شدیم و از آن مرد عرب تشکر کردیم و به راه افتادیم. چند قدمی پیش نرفته بودیم که ناگهان به هوش آمدم که این مرد عرب زبان آن هم در این کشور غریب چه کسی بود؟ بلافاصله توقف کردیم وقتی از ماشین پیاده شدیم، اصلاً کویری بی‌انتهای آن بیابان وجود نداشت و کسی نبود!

آیت الله العظمی شیخ جواد تبریزی می‌گوید:

آقای رکنی، امام جمعه بندر لنگه، علت شیعه شدن یک آخوند سنی را - که به تازگی شیعه شده است - برایم نقل کرد: سبب شیعه شدنش این بود که آن شخص به شهر می‌رود، فرشی می‌خرد و آن را بر وانتی می‌گذارد. وقتی پیاده می‌شود راننده‌ی وانت فرار می‌کند. خیلی متأثر می‌شود، می‌گوید: امام زمان شیعیان به ذهنم آمد، گفتم اگر حق می‌گویید، باید فرشم را برگرداند. دقایقی بعد در می‌زنند، او در را باز می‌کند و راننده‌ی وانت را می‌بیند که فرش را برگردانده است! می‌گوید: چرا آوردی؟ راننده پاسخ می‌دهد: در را باز کردم، تا ماشین را داخل گاراژ ببرم، در بسته شد. دوباره باز کردم، بسته شد. فهمیدم این فرش قضیه‌ای دارد. از این رو،

آن را پس آوردم، از شما هم طلب بخشش دارم!

### آقا من برای شما زحمت می‌کشم

مرحوم شیخ عبدالله ممقانی فرمودند

شبی هنگام نوشتن کتابی به کتاب رهن تهذیب «شیخ طوسی» احتیاج پیدا کردم، هر چه فکر کردم که در این وقت شب کتاب را از کجا پیدا کنم، فکرم به جایی نرسید! دلم شکست و اشکم جاری شد. به امام زمان (عج) متوسل شده و عرض کردم: آقای من! من برای شما زحمت می‌کشم و این کار، مال شماست؛ بنابراین، باید شما کمک کنید. ناگهان گویا به من الهام شد که در میان کتاب‌های پاره و اوراق باطله‌یی که در گوشه‌ی طاقچه‌ی اتاق بود، نگاه کنم. من قبلاً چندین بار آن را زیر و رو کرده بودم و حتّاً احتمال نمی‌دادم که مطلوب من آن جا باشد، بلافاصله از جا برخاستم و مجدّداً آن را جستجو کردم. ناگهان به یک تهذیب برخورددم که با خط بسیار جالبی نوشته شده بود آن را برداشتم و مورد استفاده قرار دادم. چند روزی این کتاب نزد من بود و از مطالب آن استفاده می‌کردم، بعد از پایان استناده، آن کتاب ناپدید شد و هر چه گشتم آن را نیافتم!

### حضرت فرمودند: شما میهمان ما هستید

مرحوم آیت الله شاهرودی در یکی از سفرهای زیارتی کربلا که با جمعی از رفقا با پای پیاده حرکت نمودند، در حدود معروف به سبع الدجیل سخت مریض شدند و شدت تب به حدّی رسید که روی زمین افتادند و قدرت حرکت نداشتند پس به رفقا فرمودند: شما بروید و از فیض زیارت محروم نشوید، وقتی برگشتید، جنازه‌ی مرا به نجف اشرف برده و در وادی السلام دفن کنید.

رفقا و دوستان به دستور ایشان حرکت کردند. ایشان پای خود را به سمت قبله کشید و در آن آفتاب گرم، منتظر قدم حضرت عزرائیل بودند که ناگاه صدای سم حیوانی به گوش رسید، از گوشه‌ی چشم نگاهی کرد، دید یک نفر با چفیه‌ی سفید و سوار بر الاغ سفید به سوی او آمد، پیاده شد و با زبان عربی فصیح گفت: یا سید محمود شاهرودی! کیف انت؟ عرض کرد: کماتری؟ فرمود: کجایت درد می‌کند؟ عرض کرد: همه جای بدنم درد می‌کند. آن آقا دست بر بدن او کشید و به هر جا که دست آقا رسید، درد، آرام گرفت تا این که سید برخاست و نشست. سپس آقا فرمود: سوار شوید! عرض کرد: من حالم خوب است، می‌توانم پیاده بروم، شما سوار شوید. حضرت فرمودند: نه! چون شما میهمان ما هستید، باید سوار شوید. آیت‌الله شاهرودی سوار و آن آقا پیاده حرکت کردند. بعد از چند دقیقه، به روستایی که نزدیک شط دجله و سمت سامرا بود و آن را قلعه می‌نامیدند رسیدند. آن آقا خداحافظی نموده، برگشت و آیت‌الله شاهرودی جلوی قهوه‌خانه آمدند و مشغول خوردن چای شدند و راهی که حدود یک روز طی می‌شد، در مدت چند دقیقه طی کرده بودند. بعد از مدتی، دوستان از راه رسیدند، در حالی که مراقب پشت سرشان بودند که ببینند از آیت‌الله شاهرودی خبری هست یا نه؟ چون وارد قهوه‌خانه شدند، دیدند آیت‌الله سید محمود شاهرودی آن جا نشسته، چای هم خورده و استراحت هم کرده است، انگار هیچ راهی نرفته و مریض نبوده است. گفتند: چه گونه خوب شدی و چه گونه آمدی؟ آقا فرمودند: حدود سه ساعت است که آمده‌ام و قصه را نقل کردند. دوستان بدون اختیار صدا زدند، معجزه شده است!

### چه‌گونه نمی‌توان امام زمان (عج) را دید؟

علامه حلی (متوفی ۷۲۶ ه.ق) در زادگاهش حله سکونت داشت و دارای حوزه‌ی درس بود. او هر شب جمعه با وسایل آن زمان از حله به کربلا برای زیارت مرقد شریف امام حسین علیه السلام می‌رفت. با این که بین این دو شهر ده فرسنگ فاصله است. او که بعد از ظهر روز پنجشنبه سوار بر الاغ خود به راه می‌افتاد و شب جمعه در حرم مطهر امام حسین علیه السلام می‌ماند و بعد از ظهر روز جمعه به حله مراجعت می‌کرد. در یکی از روزهایی که به طرف کربلا رهسپار بود، در راه، شخصی به او رسید و همراه علامه با هم به کربلا رفتند، علامه با رفیق تازه‌اش هم صحبت شد، در این میان مسائلی پیش آمد. علامه دریافت که با مرد بزرگ و عالمی هم صحبت شده است؛ زیرا هر مسئله و مشکلی که می‌پرسید رفیق راهش جواب می‌داد. از وسعت علم رفیق راهش متحیر ماند! با هم گرم صحبت بودند، تا آن که در مسئله‌ی آن شخص برخلاف فتوای علامه فتوا داد. علامه گفت: این فتوای شما برخلاف اصل و قاعده است و دلیلی هم که این قاعده را از بین ببرد، نداریم. آن شخص گفت: چرا، دلیل موثقی داریم که شیخ طوسی (رحمه‌الله علیه) در کتاب تهذیب، در وسط فلان صفحه آن را نقل کرده است. علامه گفت: من چنین حدیثی در کتاب تهذیب ندیده‌ام. آن شخص گفت: کتاب تهذیبی که در پیش توست در فلان صفحه و سطر این حدیث مذکور است. علامه در دنیایی از حیرت فرو رفت زیرا شخص ناشناس به تمام علایم و خصوصیات نسخه‌ی منحصر به فرد کتاب تهذیب اشاره کرد. لذا علامه درک کرد که در پیشگاه شخص بزرگی قرار گرفته، پس مسائل پیچیده‌یی که برای خودش حل نشده بود، مطرح کرد و جواب شنید. در این وقت تازیانه‌یی که در دست داشت، به زمین افتاد. ناگاه از آن شخص

ناشناس پرسید: آیا در غیبت کبری امکان ملاقات با امام زمان (عج) وجود دارد؟ آن شخص ناشناس تازیانه را از زمین برداشته و به علامه داد، در این هنگام دستش به دست علامه رسید و گفت: چه گونه نمی توان امام زمان (عج) را دید در صورتی که اکنون دستش در دست توست! علامه با شنیدن این سخن خود را به دست و پای امام زمان (عج) انداخت و آن چنان محو عشق او شد که برای لحظاتی چیزی نفهمید، پس از مدتی به حال عادی خود بازگشت، کسی را در آن جا ندید. وقتی به منزل مراجعت نمود و کتاب تهذیب خود را باز کرد، آن حدیث با همان علایم از صفحه و سطر تطبیق می کردند لذا در حاشیهی آن صفحهی کتاب نوشت: «این حدیثی ست که مولایم امام زمان (عج) مرا به آن خبر داده است.»

### تشرّف در عرفات

حجّت الاسلام و المسلمین آقای حسین انصاریان برای این جانب (محمدی ری شهری) نقل کردند: فردی به نام محمد علی اربابی تهرانی بود که با آقای شیخ رجبعلی خیطاط رابطهی بسیار نزدیکی داشت دربارهی سفرش به مکه گفت: شب نهم به عرفات رسیدم. در آن زمان، عرفات بسیار تاریک بود و از چراغ دستی استفاده می شد. ساعت ده شب بود و من پیوسته، متذکر حضرت امام عصر (عج) بودم. البته، نه برای زیارتشان؛ چرا که خود را لایق زیارت ایشان نمی دانستم. بیرون چادر متذکر بودم. هیچ کس در آنجا حضور نداشت، ولی صدایی به زبان فارسی روان شنیدم که گفت: آقای حاج محمد علی! به عقب برگشتم و با چهرهی منور روحانی و آسمانی مواجه شدم. گفت: بیا کنار دست من! گفتم: چشم! و در حقیقت، به سوی ایشان کشانده شدم و کنار او



نشستم. فرمود: امشب، شب عرفه است. زیارت حضرت سید الشهداء وارد است، دلت می‌خواهد من یک زیارت بخوانم؟ حاج محمد علی گفت: من از کودکی زیارت‌های معروف را شنیده بودم با آنها آشنایی داشتم و مضامین و کلماتشان را می‌دانستم. به ایشان گفتم: بله خیلی دوست دارم. حدود یک ساعت، زیارت را خواند که من تا آن زمان نشنیده بودم. کلمه به کلمه می‌خواند، من حفظ می‌کردم و تا آخر به حافظه‌ام می‌سپردم. گریه کردن آن شخص هم غیر قابل توصیف بود. پس از زیارت، خدا حافظی کرد و رفت، او هر قدر از من دور می‌شد، زیارت نیز از خاطر من می‌رفت، تا این که به کلی آن را فراموش کردم. از مکه به کاظمین رفتم، کنار راه‌آهن ایستاده بودم، که ناگاه همان شخص را دیدم، ایشان نزدیک آمد، سلام کرد و گفت: به تهران که رفتی، سلام مرا به آقا شیخ محمد حسن طالقانی برسان. می‌گفت: وقتی به تهران آمدم و نزد آقا شیخ محمد حسن رفتم، قضیه را نقل کردم، ایشان بسیار گریست و مرا متوجه کرد که آن شخص امام عصر (عج) بوده است. در حالی که من، نه در عرفات و نه در کاظمین، آن بزرگوار را نشناخته بودم!

حضرت مهدی  
(عج)

توصیه‌های

چه خوش است وقتی که نسیم جانبخش کلام محبوب بر کویر تفتیده‌ی جانِ عاشقان می‌وزد. آری، پیام فرستاده است.  
بیایید، بشنوید و توشه گیرید و اینک، این عطر دلنواز کلام یار:

### **به سمت چپ و راست منحرف نشوید...**

و به سمت راست و چپ متمایل نگردید، بلکه راه و مقصد خود را بر یک سنت و روش روشن به سوی دوستِ ما قرار دهید، که من برای شما خیرخواهی نمودم و خداوند بر من و شما شاهد است؛ اگر غیر از این بود که صلاح شما را خواستار بوده و رحمت و شفقت و مهربانی کردن بر شما (شیعیان) را دوست داریم، زبان از خطاب به شما درمی‌کشیدم. (شما را نصیحت نمی‌کردیم). امام زمان (ارواحنا فداه) چنانچه شیعیان ما - که خداوند بر انجام طاعت خویش آنها را موفق گرداند - در راه وفای به عهد و پیمانی که بر دوش دارند، همدل می‌شدند، میمنت دیدار ما از ایشان به تأخیر نمی‌افتاد و سعادت دیدن ما زودتر نصیبشان می‌شد، دیداری بر مبنای شناختی درست و صداقتی از آنان نسبت به ما و ما را از شیعیان دور نگه نمی‌دارد مگر اعمال بد آنان که به ما می‌رسد و برای ما ناخوشایند و دور از انتظار است.<sup>(۱)</sup>

از مرحوم آیت الله مرعشی نجفی:

نقل شده است یکی از علمای نجف اشرف که به قم آمده بود، می‌گفت: مدتی برای رفع مشکلی به مسجد جمکران می‌رفتم، ولی نتیجه نمی‌گرفتم. روزی هنگام نماز، دلم شکست و عرض کردم: مولا جان! آیا بد نیست با وجود امام،

(۱) بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۷.

به علمدار کربلا، قمر بنی هاشم متوسل شوم و او را نزد خدا شفیع قرار دهیم؟ در حالتی میان خواب و بیداری امام زمان فرمودند: نه تنها، بد نیست و ناراحت نمی‌شوم، بلکه شما را راهنمایی هم می‌کنم؛ چون خواستی از حضرت ابوالفضل حاجت بخواهی، این چنین بگو:

«یا ابا الغوث ادرکنی»<sup>(۱)</sup>

خداوند تبارک و تعالی لوحی برای حبیب خود، خاتم الانبیاء می‌فرستد که آن والا مقام آن را در ولادت سیدالشهداء به حضرت صدیقه کبری (س) هدیه می‌کند و جابر بن عبدالله انصاری آن را در دستان حضرت فاطمه زهرا می‌بیند و می‌گوید: دیدم لوحی سبز رنگ است، گمان کردم از جنس زمرد است و نوشته‌هایی با خط سفید بر آن مرقوم شده و خداوند اسمای اوصیای حضرت خاتم الانبیاء را ذکر می‌کند و هر کدام را به صفتی می‌خواند تا به اینجا می‌رسد که خداوند می‌فرماید: «و خارج می‌کنم از او (حضرت امام هادی علیه السلام) دعوت کننده به راهم و مخزن علم خود، حسن را و حجت‌های خود را به محمد، رحمت عالمیان تکمیل می‌کنم. پس، خداوند او را تکمیل کننده‌ی حجت‌های خود قرار داده و او رحمت عالمیان است.»

در حدیث لوح، امام زمان می‌فرمایند: تقوا پیشه کنید، تسلیم ما باشید و کار را به ما واگذارید که بر ماست، شما را از سرچشمه، سیراب بیرون آوریم، چنان که بردن شما به سوی چشمه از سوی ما بود... به سمت راست میل نکنید و به سوی چپ منحرف نشوید و توجه خود را همراه با محبت و دوستی به سوی ما قرار دهید و بر

(۱) توصیه‌های حضرت مهدی، چاپ گروه کتاب نشر گلستان.

مسیر دستورات روشن و قطعی دین حرکت کنید که همانا من برای شما خیرخواهی می‌کنم و خداوند بر من و شما گواه است و اگر نبود علاقه‌ی ما به نیکو بودن شما، و رحمت و مهربانی‌مان بر شما به سخن گفتن با شما نمی‌پرداختیم.<sup>(۱)</sup>

مرحوم سید بن طاووس می‌گوید:

سحرگاه در سرداب مقدّس از حضرت صاحب الامر شنیدم که می‌فرمود: خدایا! شیعیان ما را از شعاع نور ما و باقیمانده‌ی طینت ما خلق کرده‌ای، آنها با اتکا بر محبت و ولایت ما گناهان زیادی کرده‌اند، اگر گناهان آنها در ارتباط با توست، از آنها بگذر، که ما از آنها راضی شدیم و آنچه از گناهان که در ارتباط بین آنها و مردم است، خودت میان آنها را اصلاح کن و از خمسی که حق ماست، به آنها بده، تا راضی شوند؛ ایشان را در بهشت وارد کن، از آتش جهنم نجات بده و همراه با دشمنان ما بر آنان خشم نگیر.<sup>(۲)</sup>

مرحوم علامه مجلسی:

در کتاب بحارالانوار نقل می‌کند: هر گاه خواستید به وسیله‌ی ما به خداوند بلند مرتبه توجه کنید و به سوی ما روی آورید، همان گونه که خداوند تعالی فرموده است، بگویید: سلام علی آل یس...<sup>(۳)</sup>

اناالمهدی [و] انا قائم الزمان اناالذی املاها عدلا کما ملئت جورا ان الارض لا تخلو من حجه و لایبقی الناس فی فتره و هذه امانه لاتحدث بها الاخوانک من اهل الحق؛ «من مهدی و قائم الزمان هستم. من آن کسی هستم که زمین را پر از عدل

(۱) بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۲.

(۲) نجم الثاقب، ص ۳۴۸.

(۳) بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۱.

می‌کنم همان گونه که پر از ستم شده است. رمین هرگز از حجت خالی نمی‌ماند، مردم در وقفه نمی‌مانند و این، امانتی است که جز به برادرانت از اهل حق مگو.»<sup>(۱)</sup>  
 انا خاتم الاوصیاء و بی یدفع الله عزوجل البلاء عن اهلی و شیعتی؛  
 «من آخرین وصی هستم که خداوند بزرگ به وسیله‌ی من گرفتاری‌ها را از خاندان و شیعیانم دور می‌گرداند.»<sup>(۲)</sup>

و اذا اذن الله لنا فی القول ظهر الحق و اضمحل الباطل؛  
 «هنگامی که خدا به ما اجازه‌ی سخن گفتن بدهد، حق آشکار شود و باطل نابود گردد.»<sup>(۳)</sup>

زعمت الظلمه ان حجه الله داحضت لو اذن لنا فی الکلام لزال الشک؛  
 «ستمکاران پنداشته‌اند که حجت خداوند از بین رفتنی است، اگر به ما اجازه‌ی سخن گفتن داده شود، تردیدها از بین می‌رود.»

اما ظهور الفرج فانه الی الله تعالی ذکره و کذب الوقاتون؛  
 «اما ظهور فرج، پس آن به اراده‌ی خدایی است که یادش بزرگ است و هر کس (برای ظهور) وقت تعیین کند دروغ گفته است.»<sup>(۴)</sup>  
 ... اکثروا الدعاء بتعجیل فان ذلک فرجکم؛

«برای تعجیل فرج، بسیار دعا کنید؛ زیرا همین، موجب فرج و گشایش شماست.»<sup>(۵)</sup>

(۱) کمال الدین، ص ۴۴۵.

(۲) همان، ص ۴۴۱.

(۳) بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۹۶، غیبت شیخ.

(۴) کمال الدین، ص ۴۳۰.

(۵) همان، ص ۴۸۴.

فاتقوا و سلموا لنا و ردوا الامر الينا فعلينا الاصدار كما كان منا الايراد و لا تحاولوا كشف ما غطي عنكم؛

«از خدا بترسید، تسلیم ما شوید و کارها را به ما بسپرید، پس برماست که شما را از سرچشمه، سیراب برگردانیم همان گونه که بردن شما به سوی سرچشمه به وسیله ما بوده است. و در پی آنچه از شما پوشیده است نروید.»<sup>(۱)</sup>

... سیاتی [الی] شیعتی من یدعی المشاهده الافمن ادعی المشاهده قبل خروج السفیانی و الصیحه فهو کاذب مفتر؛

«برخی نزد شیعیان من آمده و ادعای دیدار مرا می کنند. آگاه باشید، هر کس پیش از خروج سفیانی و ندای آسمانی، ادعای دیدار نماید، او دروغگو و تهمت زننده است.»  
ملعون ملعون من اخرا لمغرب الی ان تشتبک النجوم. ملعون ملعون من اخر الغداه الی ان تنقضی النجوم؛

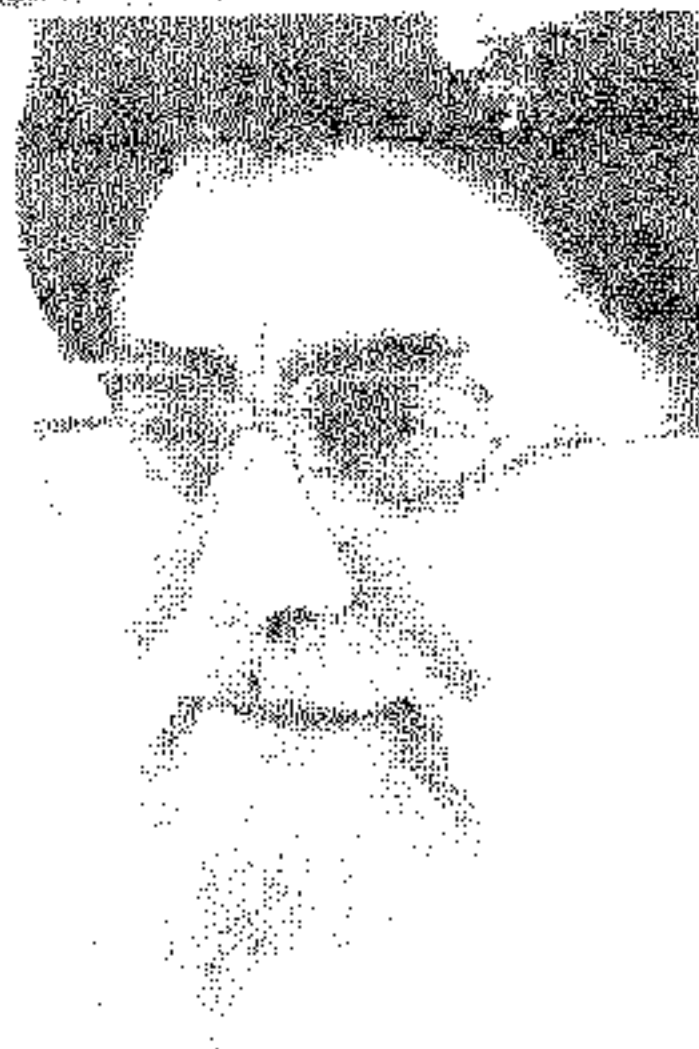
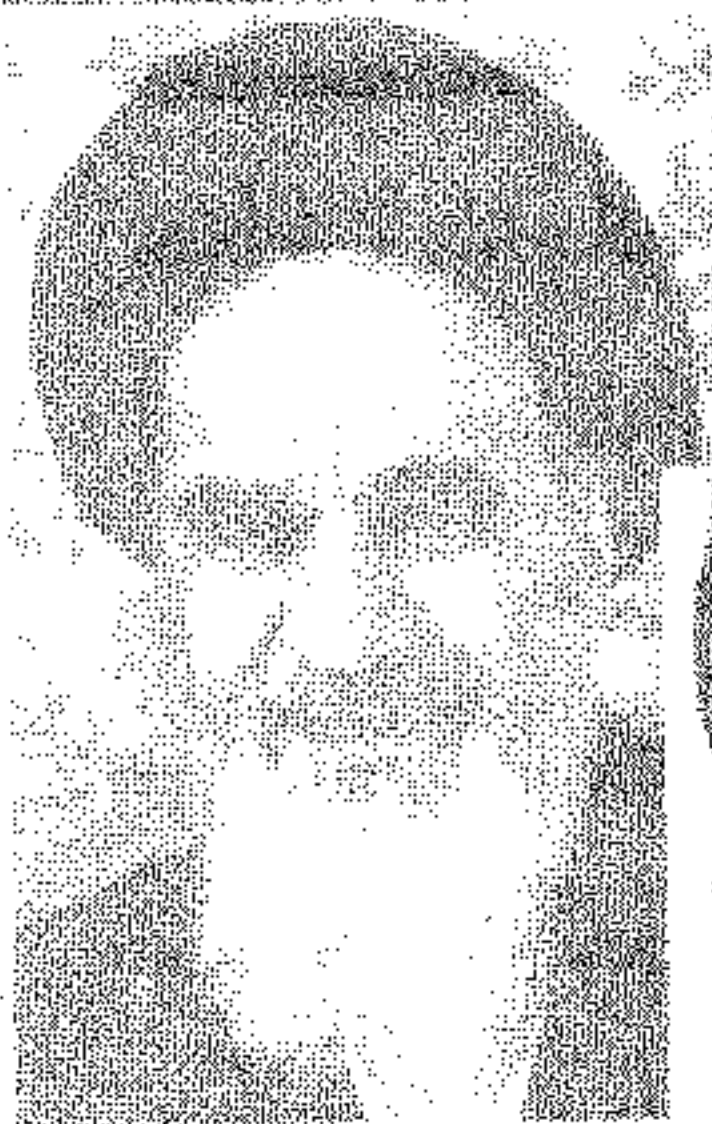
«از رحمت خدا به دور است کسی که نماز مغرب را به اندازه‌ای تاخیر بیندازد، که ستاره‌ها آشکار شوند. از رحمت خدا دور است کسی که نماز صبح را به اندازه‌ای تاخیر بیندازد، تا ستاره‌ها ناپدید شوند.»<sup>(۲)</sup>

فما ارغم انف الشیطان بشیء مثل الصلواه فصلها و ارغم انف الشیطان؛  
«هیچ چیز مانند نماز، بینی شیطان را به خاک نمی ساید. پس نماز بخوان و بینی شیطان را به خاک بسای.»<sup>(۳)</sup>

(۱) همان، ص ۴۸۵.

(۲) بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۵، غیبت شیخ.

(۳) همان، ج ۵۳، احتجاج.



(عج)

حضرت مهدی  
در مورد مقام معظم رهبری  
امام خمینی (ره)  
و سخنان



حکومت ما، حکومت حضرت ولی عصر است و ما بر این عقیده‌ایم که این انقلاب، زمینه ساز ظهور آن حضرت است. اندیشه‌ی رهبران این نهضت پیرامون صاحب حقیقی آن، صاحب عصر بوده و زمان، راهگشای رهپویان این نهضت است. در این بخش به بررسی سخنان رهبر کبیر انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی (علیه السلام) و مقام معظم رهبری، حضرت آیت الله خامنه‌ای درباره حضرت مهدی می‌پردازیم.

### سخنان امام خمینی (ره) در مورد امام زمان (عج)

«شما الان وظیفه‌ی سنگینی دارید. شما الان تحت نظر خدا و تحت نظر امام زمان (عج) هستید. ملائکه شما را مراقبت می‌کنند، نامه‌ی اعمال شما را به امام زمان (عج) عرضه می‌دارند. باید متوجه باشید! مبادا، از این اختیاراتی که حالا پیدا کرده‌اید و از این قدرتی که الان پیدا کرده‌اید و [از] زیر بار آن قدرت ظالم بیرون رفتید، خودتان یک قدرت ظالمه باشید و به برادران خودتان تعدی کنید.<sup>(۱)</sup> از خداوند تعالی مسألت می‌کند که ظهور ولی عصر (عج) را نزدیک فرماید و چشم‌های ما را به جمال مقدسش روشن کند!

ما همگی انتظار فرج داریم و باید در این انتظار، خدمت کنیم. انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام است و ما باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا بکند و ان شاء الله مقدمات ظهور تهیّه بشود.<sup>(۲)</sup> من امیدوارم که ما به مطلوب حقیقی برسیم و این نهضت به نهضت بزرگ اسلامی متصل بشود، و

(۱) صحیفه نور، ج ۷، ص ۲۰۲، ۵۸/۴/

(۲) صحیفه نور، ج ۷، ص ۲۵۵، ۵۸/۴/

آن نهضت ولی عصر (عج) هست. (۱) ما حضرت مهدی (عج) را یکی از افرادی می‌دانیم که تابع اسلام و تابع پیغمبر اسلام است، لکن تابعی است که نور چشم پیغمبر اسلام است؛ و اجرا می‌کند این مطالبی را که حضرت رسول اکرم ﷺ فرموده است (۲). رهبر همه شما و همه ما وجود مبارک بقیه الله است و باید ماها و شماها طوری رفتار کنیم که رضایت آن بزرگوار را که رضایت خداست، به دست بیاوریم. (۳) با اتکا به خدای تبارک و تعالی و پشتیبانی صاحب این کشور، امام زمان (عج) این مقصد را به آخر خواهد رسانید. (۴) من امیدوارم که ان شاء الله حضرت بقیه الله (عج) زودتر تشریف بیاورند و این طبیب واقعی بشر، با آن دم مسیحایی خود اصلاح کند این‌ها [دنیا] (۵) را. شما [رزمندگان] ایمان دارید قلب‌هایتان با مبدأ نور و قدرت پیوند خورده است، پیوندی ناگسستنی، اما آنها این را نمی‌فهمند. شما مورد نظر امام زمان (عج) هستید و از آن جا که ایمان و قدرت و امام زمان (عج) را دارید، همه چیز دارید (۶). نمی‌شود یک دفعه کارها درست بشود و هیچ خلافتی واقع نگردد. در زمان خود پیامبر ﷺ و حضرت امیر علیه السلام هم خلاف واقع می‌شد. باید جهات مثبت را نگاه کرد، نه جهات منفی را؛ ما نباید توقع داشته باشیم که صبح کنیم،

(۱) صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۱۷۵، ۵۹/۳/.

(۲) صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۳، ۵۹/۵/۲۰.

(۳) صحیفه نور، ج ۱۴، ص ۹۴، ۵۹/۱۲/۴.

(۴) صحیفه نور، ج ۱۴، ص ۲۱۲، ۶۰/۲/۱۰.

(۵) صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۴۹، ۶۱/۷/۱۱.

(۶) صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۱۱۲، ۶۳/۱۲/۶.

در حالی که همه چیز سر جای خودش باشد. در زمان حضرت صاحب (عج) هم که ایشان با تمام قدرت می‌خواهند عدل را اجرا نمایند، به این ترتیب نمی‌شود که هیچ کس حتا خلاف پنهانی هم نکند و بالاخره همان‌ها هم که مخالف هستند، حضرت صاحب (عج) را شهید می‌کنند. در روایات قریب به این معنا اشاره دارد که بعضی فقهای عصر با ایشان مخالفت می‌کنند<sup>(۱)</sup>. حضرت صاحب هم که تشریف می‌آورند، برای همین معناست اقامه عدل و امر به معروف و نهی از منکر رزمندگان باید ان شاء الله علم را به دست صاحب علم بدهند... زندگی سید الشهداء علیه السلام، زندگی حضرت صاحب (عج)، زندگی همه انبیای عالم، همه‌شان برای این معنا بوده است که در مقابل جور، حکومت عدل را می‌خواستند درست کنند<sup>(۲)</sup>. ما مفتخریم که ائمه معصومین از علی بن ابی طالب گرفته تا منجی بشر، حضرت مهدی صاحب زمان (علیهم‌الاف‌التحیات و السلام) که به قدرت خداوند قادر، زنده و ناظر امور است، ائمه ما هستند. آن روزی که ان شاء الله تعالی مصلح کل، ظهور نمایند، گمان ننمایید که معجزه شود و یک روزه عالم اصلاح شود، بلکه با کوشش‌ها و فداکاری‌ها، ستمکاران سرکوب و منزوی می‌شوند. اگر نظر شماها مثل بعضی عامی‌های منحرف آن است که برای ظهور آن بزرگوار باید کوشش در تحقق کفر و ظلم کرد، تا عالم را ظلم فرا گیرد و مقدمات ظهور فراهم شود، «انا لله و انا الیه راجعون»<sup>(۳)</sup>

(۱) صحیفه نور، ج ۱۹، صص ۱۸۰-۱۸۱، ۶۴/۴/۹.

(۲) صحیفه نور، ج ۲۰، صص ۱۹۰-۱۹۱، ۶۶/۱۲/۳۰.

(۳) صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۱۷۷ (وصیتنامه).

### سخنان حضرت آیت الله خامنه‌ای (۲) درباره‌ی امام زمان (عج)

«مسأله‌ی امام زمان (عج) یکی از ارزنده‌ترین مسایل اسلامی است که هم در دوران مبارزه با طاغوت به مبارزین امید می‌داد و هم امروز که روز حکومت اسلامی، حکومت مستضعفین زمین است ما را تشویق می‌کند که حرکت خود را تسریع کنیم<sup>(۱)</sup>. اگر آن حضرت با کفر می‌جنگد، برای عدالت زحمت می‌کشد و مجاهدت می‌کند، ما هم که مأموم و دنباله‌رو او هستیم باید برای گسترش عدالت مجاهدت کنیم<sup>(۲)</sup>. اگر آن حضرت، پرچم دین و قرآن و نظام الهی را در سراسر عالم خواهد گستراند، ما هم که دنباله‌رو و معتقد به او هستیم، باید تا حدی که در توان ماست، در گوشه‌ای از دنیا، پرچم اسلام را برافراشته نگاه داریم<sup>(۳)</sup>. جمهوری اسلامی، نتیجه‌ی برداشت صحیح از اعتقاد به امام زمان (عج) و الگوی کوچکی برای آن حکومت عظیم جهانی است. جمهوری اسلامی نمونه‌ای از حکومت اسلامی است و مشخصه‌ی اصلی آن، جمهوریت آن است<sup>(۴)</sup>. اعتقاد به امام زمان (عج) و این که آن حضرت با ظهور خود دنیا را پیر از عدل و داد می‌کند، وسیله‌ی حرکت و عامل نشاط برای ملت ما و تمام کسانی است که به این مسأله اعتقاد دارند<sup>(۵)</sup>. رابطه‌ی قلبی و معنوی بین آحاد مردم و امام زمان (عج)، امید و

(۱) رسالت، ۶۷/۱۱.

(۲) رسالت، ۶۷/۱۱.

(۳) رسالت، ۶۷/۱۱.

(۴) رسالت، ۶۷/۱۱.

(۵) جمهوری اسلامی، ۶۷/۱۱.

انتظار را به طور دایم در دل آنها زنده نگه می‌دارد و این خود، از پربرکت‌ترین حالات انسانی است. اعتماد و امید به آینده، یکی از ابعاد انتظار است که به واسطه‌ی آن، مبارزه در راه خیر و صلاح معنا پیدا می‌کند<sup>(۱)</sup>.

امید به آینده‌ای روشن که در آن، سراسر زندگی بشر را تفکر الهی فراخواهد گرفت، بُعد دیگر انتظار است<sup>(۲)</sup>. مردم باید روح انتظار را به تمام معنا در زندگی خود زنده کنند<sup>(۳)</sup>. منتظران حضرت حجت (عج) تردیدی ندارند که روزگار ظلم، طغیان و تجاوز سرانجام به پایان خواهد رسید و قدرت قاهره‌ی حق همه قلّه‌های فساد و تعدّی را از بین خواهد برد<sup>(۴)</sup>. ما معتقدیم با ظهور مهدی موعود (عج) اندیشه و عقول بشری از همیشه خلاق‌تر خواهد بود، ملت‌ها با یکدیگر نمی‌جنگند، از عوامل جنگ افروزی اثری نخواهد بود و صلح و امنیت کامل در مقیاس جهانی آن به وجود خواهد آمد. ما باید برای رسیدن به چنین دورانی تلاش کنیم، تا جهان روز به روز به این عصر آرمانی نزدیک‌تر شود<sup>(۵)</sup>. نفس انتظار و امید، به انسان جرأت اقدام، و حرکت و نیرو می‌بخشد<sup>(۶)</sup>.

(۱) جمهوری اسلامی، ۶۸/۱۲/۲۳.

(۲) جمهوری اسلامی، ۶۹/۱۲/۱۲.

(۳) جمهوری اسلامی، ۶۹/۱۲/.

(۴) جمهوری اسلامی، ۷۰/۱۲.

(۵) جمهوری اسلامی، ۷۰/۱۲/.

(۶) جمهوری اسلامی، ۷۲/۱۱/.

حضرت  
پیرامون مہدی (عج)  
پرسش و پاسخ

### ۱. شرایط ظهور امام عصر (عج) چیست؟

آنچه از روایات برداشت می‌شود و شرط کلی و اساسی می‌باشد، آمادگی فکری مردم دنیاست به طوری که همه آنها احساس کنند، تنها حکومت حضرت ولی عصر (عج) است که آنها را به سعادت و آرامش و خوشبختی می‌رساند و تنها آن حضرت و حکومت او را بخواهند و با آغوش باز و از روی کمال میل از او استقبال نمایند.

### ۲. چه گونه برای ظهور امام زمان (عج) آمادگی پیدا کنیم؟

باید با ساختن و تهذیب، خود را به کمالات روحی برسانیم، تا هر چه بیشتر آن حضرت از ما راضی گردند، به علاوه، این درخواست از خداوند، تأثیر بسیار زیادی در تعجیل ظهور ایشان خواهد داشت؛ چون دعا کردن خالصانه نشأت گرفته از درک ظلم و جور زمان و میل واقعی به حکومت جهانی امام عصر (عج) است و مضاف بر این، خود دعا کردن باعث ایجاد روحیه‌ی اشتیاق و میل بیشتر به ظهور آن حضرت می‌شود.

### ۳. اگر امام عصر (عج) زنده است، چرا ما او را نمی‌بینیم؟

معلوم نیست که ما او را نبینیم، بلکه به احتمال قوی، اگر او جایی حاضر باشد و جمعی اطرافش باشند، او را خواهند دید، ولی ممکن است او را هنگام دیدن، نشناسیم. در حقیقت، معنی غیبت این نیست که بدن مقدّسش در جایی باشد و دیده نشود، بلکه معنی غیبت آن حضرت، پنهان بودن صفات و خصوصیات او می‌باشد، که منجر به شناخت و معرفت او می‌گردد.

### ۴. آیا در زمان غیبت کبری دیدن آن حضرت ممکن نیست؟ اگر هست

چرا فرموده‌اند: کسی که ادّعی مشاهده کند دروغگوست؟

بدون تردید، می‌شود آن حضرت را دید و بدن مقدّسش را زیارت نمود و این موضوع را هزاران تشرفی که اتفاق افتاده است، تأیید می‌کند و بسیاری از مشرف شدگان هم انسان‌هایی صادق و خود ساخته‌ای بوده‌اند که ذره‌ای احتمال کذب در آنها نیست؛ از جمله: علمای بزرگی همچون سید بن طاووس، شیخ مفید، علامه بحر العلوم و مقدّس اردبیلی؛ از علمای هم عصر ما هم بزرگانی همچون: مرجع بزرگ آیت الله مرعشی نجفی و آیت الله بافقی و... لیاقت تشرف به محضر مقدّس امام عصر (عج) را پیدا نموده‌اند، اما جمع این قضایا و آن روایت که هر کس ادعای مشاهده کرد دروغگو است، این است که بگوییم منظور آن حضرت این بوده که اگر کسی ادعای مشاهده کند، مانند ادعایی که حضرت علی بن محمد سمری و سایر نواب کرده‌اند؛ یعنی بین شیعیان اعلام کند که من به خدمت امام زمان (عج) مشرف می‌شوم، هر کس کاری یا سوّالی دارد، بپرسد؛ دروغگوست.

۵. آیا صدقه دادن برای سلامتی امام زمان صحیح است و آیا امام عصر (عج) بیمار هم می‌شوند؟

بدون تردید، هر عملی که از روی محبت و علاقه به امام عصر (عج) انجام شود، خوب است و جای تردید نیست که صدقه دادن برای آن حضرت، علامت محبت به آن حضرت است. علاوه بر این، سیره‌ی علما در گذشته هم بر این بوده است. حتّاً در کتاب‌هایشان صدقه دادن برای آن حضرت را توصیه نموده‌اند؛ مانند سفارش مرحوم سید بن طاووس به فرزندش در کتاب **موجه**، صفحه ۱۵۳ همچنین مرحوم آیت الله میرزا محمد تقی اصفهانی، صاحب کتاب **مکیال المکارم** در جلد دوم صفحه ۲۱۲، که آن را یکی از



وظایف بندگان خدا در قبال امام زمان (عج) دانسته است.

### ۶. دَجَال کیست؟

دَجَال در لغت به معنی کسی است که در پوشاندن حق و جلوه دادن باطل فعال باشد و لذا هر کس دارای این صفت باشد و موقعیت اجتماعی هم داشته باشد، طوری که بتواند حق را از مردم بپوشاند، او را دَجَال می‌نامند. در آخرالزمان افراد بسیاری از این قبیل در بین جوامع بشری ظاهر می‌شوند و حتا در بعضی روایات آمده که در آخرالزمان، چهل دَجَال ظهور می‌کند، بلکه طبق معنایی که شد، تمام اقطاب متصوفه و تمام بدعت گذاران در دین و تمام کسانی که مذهبی غیر از مذهب حقه‌ی اسلامی اختراع کرده‌اند، دَجَالند؛ و کسی که در مقابل آن حضرت بایستد، و بخواهد با او مبارزه کند و نور او را خاموش نماید، به تمام معنا، دَجَال است؛ در روایات از او بسیار یاد شده و شرح حال و خصوصیات قیام او مکرر ذکر گردیده است. نام او طبق بعضی از روایات صائد بن صید و از اطراف اصفهان است. خدای تعالی او را در روز جمعه در شام به دست حضرت مهدی (عج) می‌کشد و دنیا را از لوث وجود این ناپاکان پاک می‌کند.

### ۷. آیا امام زمان (عج) همسر و فرزند دارند؟

مسئله‌ی یکی از سنت‌های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، ازدواج است که فرموده: النکاح سنتی فمن رغب عن سنتی فلیس منی. یکی از مستحبات مؤکد در دین اسلام ازدواج است و امام زمان (عج) هم کوچک‌ترین مستحبتی را کنار نمی‌گذارد، تا چه رسد به چنین عملی که بسیار هم تأکید شده است. در زیارت روز جمعه عرض می‌کنیم: السلام علیک و علی اهل بیتک و یا خود آن

حضرت در زیارت ناحیه مقدسه خطاب به جدّ بزرگوارشان حضرت سید الشهداء علیه السلام می‌گویند: السلام عليك... سلام من لو كان معك فداك بروحه و جسده و ماله و ولده و روحه لروحك فداه و اهله لاهلك و قائم؛ «سلام بر تو، سلام کسی که اگر در کربلا با تو بود، روح، تن، مال و فرزندانش را فدای تو می‌نمود و جانش را فدای جان تو و خانواده‌اش را سپر بلای اهل بیت تو می‌نمود.» اینها همه می‌تواند دلیل بر این باشد که آن حضرت، زن و فرزند دارند؛ و، در هیچ روایتی دیده نشد، که آن حضرت ازدواج نخواهند نمود و...

#### ۸. تاریخچه مسجد جمکران چیست؟

شیخ حسن بن مثله جمکرانی گوید: من شب سه‌شنبه، هفدهم ماه مبارک رمضان، سال ۳۹۳ هجری قمری در خانه‌ی خود خوابیده بودم که ناگاه جماعتی از مردم به درب خانه‌ی من آمدند، مرا از خواب بیدار کردند و گفتند برخیز و طلب امام مهدی (عج) را اجابت کن که تو را می‌خواند! آنها مرا به محلی که اکنون مسجد است، آوردند. وقتی که خوب نگاه کردم، تختی دیدم که فرشی نیکو بر آن گسترده شده و جوانی سی‌ساله بر آن تخت تکیه بر بالش کرده و پیری هم کنار او نشسته است. آن پیر حضرت خضر علیه السلام بود. پس، آن پیر مرا بنشانند. حضرت مهدی (عج) مرا به نام خود خواند و فرمود: «برو به حسن مسلم که در این زمین کشاورزی می‌کرد، بگو این زمین شریفی‌ست، حق تعالی آن را از زمین‌های دیگر برگزیده است و دیگر نباید در آن کشاورزی کنند.»

حسن بن مثله عرض کرد: ای مولا و سرورم! لازم است که من دلیل و نشانه‌ای داشته باشم، تا مردم حرف مرا قبول کنند.

حضرت فرمود: «نه، تو برو و آن رسالت را انجام بده، ما خودمان نشانه‌هایی برای آن قرار می‌دهیم. پیش سید ابوالحسن برو و به او بگو حسن مسلم را احضار کند و سود چند ساله‌ایی را که از زمین به دست آورده است، وصول کرده و با آن پول، مسجد را بنا کند...» حسن بن مثله می‌گوید: چون مقداری راه رفتم، دوباره مرا بازخوانده و فرمودند: «بُزی در گله‌ی جعفر کاشانی است، آن را خریداری کن و بدین وضع بیاور؛ آن را بکش و بین بیماران انفاق کن. هر بیمار و مریضی که از گوشت آن بخورد، حق تعالی او را شفا دهد.» وی می‌گوید: من سپس به خانه بازگشتم و تمام شب را در اندیشه بودم، تا اینکه نماز صبح را خواندم و به سراغ علی مندر رفتم و ماجرای شب گذشته را برای او نقل کردم سپس با او به همان موضع شب گذشته رفتم.

وقتی که رسیدیم، زنجیرهایی را دیدیم که طبق فرموده‌ی امام (عج)، حدود بنای مسجد را نشان می‌داد. سپس به قم نزد سید ابوالحسن رضا رفتیم و چون به خانه‌ی او رسیدیم، خادمان او گفتند که او از سحر در انتظار شماست آیا تو از جمکران هستی. به او گفتم: آری! پس به درون خانه رفتم. سید مرا بسیار احترام گذاشت و به من گفت: ای حسن بن مثله! من در خواب بودم که شخصی خطاب به من فرمود: «حسن بن مثله نامی از جمکران پیش تو می‌آید، هر چه گوید تصدیق کن و به سخنش اعتماد، کن که سخن او سخن ماست.» از لحظه‌ای که بیدار شده‌ام تا این ساعت، منتظر تو بودم، حسن ماجرای شب گذشته را تعریف کرد.

سید بلافاصله دستور داد اسب‌ها را زین کنند، آنها را بیرون آورده و سوار شدند. وقتی به نزدیک روستای جمکران رسیدند، گله‌ی جعفر کاشانی را دیدند.

حسن بن مثله به میان گله رفت بزی که از پس همه‌ی گوسفندان می‌آمد، پیش حسن دوید. جعفر، سوگند یاد کرد که این بز در گله‌ی من نبوده و تا کنون آن را ندیده بودم! به هر حال، آن بز را به مسجد آورده و ذبح نمودند و چون فرد بیماری از گوشت آن می‌خورد، با عنایتِ خداوند تبارک و تعالی و الطاف حضرت بقیةالله (عج) شفا می‌یافت.

۹. چه کسانی و تحت چه شرایطی می‌توانند امام زمان (عج) را ملاقات کنند؟

۱. دیدار حضرت مهدی با عنوان غیرواقعی ایشان، طوری که کاملاً برای دیدار کننده ناشناس باشند. این گونه دیدار به وفور و به طور دایم برای کسانی که در محل زندگی ایشان سکونت دارند و یا افرادی که با ایشان برخورد می‌نمایند، در هر نقطه‌ای که باشد، روی می‌دهد.

۲. دیدار با آن حضرت با عنوان حقیقی ایشان بدون اینکه ملاقات کننده - مگر پس از پایان دیدار - متوجه این امر باشد. این، همان حالتی است که اکثر دیدارهای نقل شده را شامل می‌شود.

۳. دیدار با آن حضرت با عنوان حقیقی ایشان در حالی که دیدار کننده نیز در اثنای ملاقات متوجه این امر شده باشد. در اخبار مشاهده و دیدار کم است؛ زیرا غالباً مخالف مصلحت می‌باشد و با غیبت تامه و کامل حضرت مهدی (عج) منافات دارد.

۱۰. آیا حضرت مهدی (عج) از زمان ظهور خویش آگاهی دارد؟

با توجه به این مسأله که امامان علیهم‌السلام از عالم غیب خبر دارند و در مواقع نیاز و ضرورت مطالب و حقایقی را دریافت می‌کنند، می‌توان گفت که خداوند از این

طریق زمان ظهور را به مهدی موعود (عج) الهام می‌فرماید، چنان‌که امام صادق علیه السلام فرمود: «امامی از ما غایب می‌شود، پس چون خداوند اراده کند که او را آشکار و ظاهر گرداند، اثری در دل وی پدید می‌آید، به این گونه به امر پروردگار ظاهر می‌گردد.»

### ۱۱. چرا امام زمان (عج) تاکنون ظهور نکرده است؟

پیروزی هر انقلاب و هر فعالیت اجتماعی به سلسله‌ایی از شرایط و موقعیت‌های عینی و خارجی بستگی دارد که بدون فراهم شدن آن شرایط، نمی‌تواند به هدفش برسد؛ اگر چه قسمتی از شرایط و موقعیت‌های انقلاب مهدی (عج) آسمانی و خدایی است و جنبه‌ی آسمانی دارد، اما اجرای کلی مأموریت وی وابسته به شرایط عینی و خارجی است.

همان گونه که آسمان، چشم به راه ماند، تا پنج قرن از جاهلیت بگذرد و آن‌گاه ندای آخرین رسالت آسمانی را از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بشنود. این انتظار، یعنی اجرای برنامه‌ی الهی هم مستلزم موقعیت‌های عینی و خارجی، یا عواملی مانند: محیط مساعد و فضای عمومی مناسب و یا برخی ویژگی‌های جزئی است که جنبش دگرگونی بخش از لایه‌لای پیچ و خم‌های جزئی، در جست و جوی آن است.

### ۱۲. سفیانی کیست؟

یکی از علایم ظهور امام مهدی (عج) که وقوعش حتمی و قطعی شمرده شده است، خروج سفیانی است.

اخبار و روایاتی که بر وجود و خصوصیات او دلالت دارند، بدین ترتیب می‌باشند:

حتمی بودن خروج او: امام صادق علیه السلام فرموده است: «پیش از قیام قائم (عج) پنج علامت حتمی می باشد: یمانی، سفیانی، صیحه‌ی آسمانی، قتل نفس زکیه و فرو رفتن سرزمین بیدا.»

و از برخی روایات چنین استفاده می شود که سفیانی مسلمان منحرفی ست که کینه‌ی حضرت علی علیه السلام را به دل دارد. چنان که امام صادق علیه السلام می فرماید: «گویا سفیانی را می بینم که در میدان کوفه‌ی شما جایگاه خود را گسترده و منادی او فریاد می زند: هر کس سر شیعه‌ی علی بن ابی طالب را بیاورد، هزار درهم را می گیرد، آگاه باشید که در آن روز حکومت شما تنها به دست زنازادگان خواهد بود.»

زمان خروج او: امام صادق علیه السلام می فرماید: «امر سفیانی از مسایل حتمی ست و خروجش در ماه رجب می باشد.»

همچنین می فرماید: «خروج سفیانی، یمانی و خراسانی در یک سال و یک ماه و یک روز واقع خواهد شد.»

مکان خروج او: امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: «سپس پسر جگرخوار (هند، همسر ابوسفیان) از وادی یابس خروج کند، تا به منبر دمشق نشیند.»

امام هادی علیه السلام در ضمن حدیثی چنین فرموده است: «خراسانی و سفیانی خروج خواهند کرد، این، از مشرق و آن دیگری، از مغرب.»

### ۱۳. امام زمان (عج) از کجا ظهور می کند؟

وقتی اوضاع عمومی جهان مساعد شد و افکار مردم جهان برای پذیرش حکومت حق و عدالت آماده گشت، نوبت انقلاب مهدی موعود فرا می رسد و خداوند به آن حضرت اذن و اجازه‌ی نهضت می دهد. در این زمان است که

امام مهدی (عج) در مکه ظاهر می‌شود و انقلاب جهانی خود را آغاز می‌کند. چنان‌که مفضل از حضرت صادق علیه السلام پرسید: ای آقای من! حضرت مهدی (عج) از کجا و چه گونه ظهور می‌کند؟ حضرت فرمود: «ای مفضل! او به تنهایی ظهور می‌کند، به تنهایی کنار خانه‌ی کعبه می‌آید و به تنهایی شب را در آنجا می‌گذراند.» امام باقر علیه السلام فرموده است: «هنگامی که قائم قیام علیه السلام از مکه خروج کند، منادی او ندا می‌دهد که: هلا! هیچ کس غذا و آشامیدنی بر ندارد! او سنگ موسی بن عمران را به همراه خود می‌برد که آن بار شتری ست. پس، در هیچ منزلی فرود نمی‌آید مگر اینکه چشمه‌ها از آن جاری می‌گردد.»

لذا از امور قطعی و مسلم زمان ظهور حضرت مهدی (عج) این است که آن جناب از مکه خروج می‌کند.

۱۴. اولین کسی که با امام زمان (عج) بیعت کرده و دست حضرت را می‌بوسد کیست؟

مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود: «آن‌گاه که خداوند به حضرت قائم اجازه‌ی خروج دهد، آن حضرت به منبر رود، پس مردم را به سوی خویش دعوت کند، به خداوند سوگندشان دهد و به حق خویش آنها را بخواند به اینکه بین ایشان به روش رسول خدا صلی الله علیه و آله رفتار کند و به کردار آن حضرت عمل کند. آن‌گاه خداوند جبرئیل را می‌فرستد تا نزد او بیاید. جبرئیل در حجر اسماعیل به آن حضرت فرود می‌آید و می‌گوید: من نخستین کسی هستم که با تو بیعت می‌نمایم. دست خویش را برای بیعت باز کن. پس دست به دست آن حضرت گذارد و متجاوز از ۳۱۰ مرد نزد او بیایند و با او بیعت نمایند؛ و در

مکه می فرماید تا یارانش به ده هزار نفر برسد، سپس از آنجا به مدینه رهسپار گردد.»

۱۵. اولین سخنانی که امام بعد از ظهور می فرمایند چیست؟

هنگامی که خداوند اذن ظهور به امام مهدی (عج) بدهد، آن حضرت برای اصلاح جهانی قیام می کند و در کنار خانه‌ی خدا در میان رکن و مقام از سیصد و سیزده یار باوفایش - که فرماندهان لشکری و کشوری حکومت حق هستند - بیعت می گیرد. نخستین جمله‌ای که بر زبان جاری می فرماید، آیه‌ی بقیة الله... است. چنان که امام باقر علیه السلام می فرماید: «هنگامی که مهدی (عج) ظاهر شود، پشت خود را به خانه‌ی کعبه تکیه می دهد و اولین سخنی که می گوید این آیه شریفه است: ﴿بَقِيَّةَ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ أَنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ سپس می فرماید: «من بقیة الله، خلیفة الله و حجة الله در میان شما هستم و در آن حال، احدی بر او سلام نمی کند جز اینکه می گوید: السلام علیک یا بقیة الله»

۱۶. اصحاب و یاران امام زمان (عج) چند نفر و دارای چه ویژگی‌هایی هستند؟

هنگامی که بنیان‌گذار حکومت جهانی، حضرت مهدی موعود (عج) بر اساس عدالت و آزادی واقعی، مأمور به تشکیل حکومت می شود، تعداد ۳۱۳ نفر از یاران خاص آن حضرت که همگی از تربیت شدگان مکتب ولایت و از عاشقان پاکبخته‌ی خاندان وحی هستند، در اطراف شمع وجود مقدسش جمع می شوند و به تشکیل حکومت واحد جهانی مأموریت می یابند. آیات بسیاری از قرآن کریم توسط امامان معصوم علیهم السلام به یاران حضرت مهدی (عج)



تأویل و تفسیر شده است. از جمله «اینما تکنونوا یات بکم الله جمیعاً»؛ «هر کجا که باشید، خداوند شما را یک جا گرد می آورد.»  
 امام صادق علیه السلام فرمود: «این آیه شریفه در حق یاران قائم (روحی فداه) نازل شده است.»

### ۱۷. مقرّ حکومتی امام زمان (عج) در کجاست؟

یکی از امور قطعی در عصر ظهور امام زمان (عج) این است که مقر و مرکز سلطنت آن حضرت در شهر کوفه است. شواهد راجع به این مسأله بسیار است که جای هیچ شک و تردیدی را باقی نمی گذارد.

مفضل از امام صادق علیه السلام پرسید: خانه ی مهدی (عج) در کجا خواهد بود و مؤمنین در کجا جمع می شوند؟

حضرت فرمود: «مقرّ حکومت او شهر کوفه است و محلّ حکومتش، مسجد جامع کوفه و بیت المال و محل تقسیم غنائم، در مسجد سهله واقع در زمینهای صاف و مسطح و روشن نجف و کوفه است.»

و همچنین امیرالمؤمنین، علی علیه السلام در یک پیش بینی و خبر غیبی چنین می فرماید:

«گویی هم اکنون به شیعیانمان در مسجد کوفه می نگریم که خیمه ها زده اند و قرآن را بدان گونه که نازل شده به مردم می آموزند. بدانید که قائم ما چون قیام کند، آن مسجد را بازسازی خواهد کرد و قبله ی آن را استوار خواهد ساخت.»

### ۱۸. امام زمان (عج) چه گونه و توسط چه کسی به شهادت می رسد؟

پیرامون شهادت یا درگذشت امام زمان (عج) روایت متعددی در دست می باشد، ولی با توجه به سخن امام حسن علیه السلام که فرموده است: «هیچ کدام از

ما امامان نیست، جز آن که مسموم یا شهید می شود.»

درباره‌ی شهادت حضرت و چگونگی آن، روایت شده است: «هنگامی که سال هفتاد به پایان آید و مرگ حضرت فرا رسد، زنی به نام سعیده از طایفه‌ی بنی تمیم، ایشان را به شهادت می‌رساند. ویژگی آن زن این است که مانند مرده‌ها محاسن دارد. او از بالای بام به هنگامی که حضرت در حال عبور است، سنگی به سوی ایشان پرتاب می‌کند و آن حضرت را به شهادت می‌رساند. چون حضرت رحلت می‌کند، امام حسین علیه السلام مراسم غسل و کفن و دفن آن حضرت را عهده‌دار می‌شود.» البته سند قطعی و متواتر ندارد.

۱۹. آیا قیام مهدی (عج) مسلحانه است؟ و منظور از قیام با شمشیر چیست؟

مسلم است که امام مهدی (عج) نیز مانند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نخست اعلان دعوت عمومی می‌کند و در آغاز ظهورش مردم را از پیام انقلاب خود آگاه می‌سازد و اتمام حجت می‌کند. در این میان عده‌ی دعوتش را می‌پذیرند و راه سعادت پیش می‌گیرند و عده‌ی به مخالفت برمی‌خیزند که امام مهدی (عج) در برابر اینها قیام مسلحانه می‌کند. چنان که امام جواد (عج) فرموده است: «وقتی ۳۱۳ نفر یاران خاص حضرت قائم (عج) به خدمتش در مکه رسیدند، حضرت دعوتش را برای جهانیان آشکار می‌سازد و وقتی که این تعداد به ده هزار نفر رسید، به اذن خدا قیام مسلحانه می‌کند و خروج می‌نماید.»

۲۰. حضرت مهدی (عج) در زمان غیبت کبری در کجا اقامت دارد؟ ضروریات زندگی خویش را چه گونه تهیه می‌نماید؟

قبل از هر سخنی، لازم به ذکر است که طرح و اثبات این گونه مسایل در اثبات اصل غیبت امام زمان (عج) مداخله‌ای ندارد، ولی در مقام پاسخ عرض می‌کنیم: از برخی روایات و حکایات معتبر چنین استفاده می‌شود که آن امام در عصر غیبت کبری در مکان خاص و شهر معینی استقرار دائمی ندارد و به طور ناشناس، بین مردم، زندگی و رفت و آمد می‌کند.

از جمله شهرهایی که به طور مسلم به مقدم مبارک امام زمان (عج) مزین شده: مدینه طیبه، مکه معظمه، نجف اشرف، کوفه، کربلا، کاظمین، سامرا، مشهد، قم و بغداد است و نیز مقام‌ها و مکان‌هایی که آن حضرت تشریف فرما شده‌اند، متعدّدند؛ مانند: مسجد جمکران، مسجد کوفه، مسجد سهله، مقام حضرت صاحب الامر در وادی السلام، نجف و در حله؛ ولی مکان معین و دائمی را برای حضرت نمی‌توان بیان کرد.

اما راجع به اینکه حضرت مهدی در عصر غیبت ضروریات زندگی خویش را از قبیل: لباس و غذا و غیره چه گونه تهیه می‌کند؟ آیا به طور عادی است یا به نحو اعجاز؟ به هر دو صورت ممکن است، صورت بگیرد. وقتی آن حضرت به طور ناشناس بین مردم رفت و آمد داشته باشد، مانعی هم ندارد که ضروریات خود را به طور معمول تهیه نماید.

ضمن اینکه در برخی حکایات، تهیه مایحتاج به نحو اعجاز انجام گرفته است، چنان که خداوند متعال به عنایت مخصوص خود، به حضرت مریم، مادر عیسی علیه السلام از عالم غیب روزی داده است، هیچ استبعادی ندارد که خاتم الاولیاء علیه السلام را نیز از خزانه‌ی غیب خود رزق و روزی دهد.

۲۱. چرا وقتی که نام قائم برده می‌شود شیعیان تمام قد می‌ایستند؟

یکی از اعمالی که بین شیعیان مرسوم و معمول بوده است، این است که چون نام «قائم» (عج) در جایی برده می‌شود، اهل مجلس، بلند می‌شوند؛ اگر چه دلیلی مسلم بر وجوب قیام به هنگام ذکر این لفظ در دست نیست، اما در این حد می‌توان گفت که این امر بین مردم به عنوان یک عمل مستحب، ریشه‌ای مذهبی دارد و در حقیقت، اظهار ادب و احترام به آن امام عزیز است، چنان‌که نقل شده: در حضور امام رضا علیه السلام در خراسان کلمه‌ی «قائم» ذکر شد، حضرت برخاست و دستش را بر سر نهاد و فرمود: اللهم عجل فرجه و سهل مخرجه؛ «خداوندا! بر فرجش شتاب کن و راه ظهور و نهضتش را آسان گردان».

از روایتی دیگر چنین استفاده می‌شود که این رفتار در عصر امام صادق علیه السلام نیز معمول بوده است. از حضرت صادق علیه السلام سؤال شد: علت قیام در موقع ذکر «قائم» چیست؟ حضرت فرمود: «صاحب الامر غیبتی بسیار طولانی دارد و از کثرت لطف و محبتی که به دوستانش دارد، هر کس وی را به لقب قائم که اشاره دارد به دولت کریمه‌ی او و اظهار تأثیری از غربت، اوست، یاد کند، آن حضرت هم نظر لطفی به او خواهد نمود، چون در این حال، مورد توجه امام واقع می‌شود، سزاوار است از باب احترام به پاخیزد و از خدا تعجیل در فرجش را مسألت نماید.»

## ۲۲. سید حسنی کیست؟

یکی دیگر از علایم ظهور حضرت مهدی (عج)، خروج سید حسنی است. امام صادق علیه السلام ضمن حدیثی طولانی به مفضل بن عمر می‌فرماید: «سید حسنی، آن جوان زیبا از طرف سرزمین دیلم (از بلاد گیلان) خروج کرده و با صدای رسا صدا می‌زند: ای آل محمد! دعوت آن کس را که از غیبتش متأسف

بودید، اجابت کنید! - این صدا از ناحیه‌ی ضریح پیغمبر ﷺ بلند می‌شود - پس گنج‌های خدا از طالقان او را پذیرا می‌شوند. آنها گنج‌هایی هستند، اما چه گنجی، نه طلا و نه نقره است، بلکه مردانی می‌باشند که ایمانی فولادین دارند و بر اسب‌های چابک سوار اسلحه به دست گرفته و پی در پی ستمگران را می‌کشند، تا آن‌که وارد کوفه می‌شوند. در آن موقع، بیشتر روی زمین را از لوث وجود بی‌دینان پاک کرده‌اند. آنها کوفه را محل اقامت خود قرار می‌دهند.



حضرت مهدی

وصف  
اشعار در

هر جا که سفر کردم	تو همسفرم بودی
از هر طرفی رفتم	تو راهبرم بودی
با هر که سخن گفتم	پاسخ ز تو بشنفتم
به هر که نظر کردم	تو در نظرم بودی



### خدا کند که بیایی

الا که راز خدایی	خدا کند که بیایی
تو نور غیب نمایی	خدا کند که بیایی
شب فراق تو جانا	خدا کند به سر آید
سر آید و تو بیایی	خدا کند که بیایی
دمی که بی تو بر آید	خدا کند که نباشد
الا که هستی مایی	خدا کند که بیایی
به گفت و گوی تو دنیا	به جست و جوی تو دلها
تو روح صلح و صفایی	خدا کند که بیایی
به هر دعا که توانم	ترا همیشه بخوام
الا که روح دعایی	خدا کند که بیایی
دل مدینه شکسته	حرم به راه نشسته
تو مروهای، تو صفائی	خدا کند که بیایی
تو مشعری، عرفاتی	تو زمزمی، تو فراتی

تو رمز آب بقایی خدا کند که بیایی<sup>(۱)</sup>



گفتم به دوست از چه نهانی ز دیده‌ام  
 گفتا ز بس بی ادبی از تو دیده‌ام  
 گفتم به دوست توبه کنم از گناه خویش  
 گفتا ز غیر توبه شکستن ندیده‌ام  
 گفتم به دست تو قلم عفو سرمدی است  
 گفتا به روی نامه زشتت کشیده‌ام  
 گفتم هزار راز نهان در دل من است  
 گفتا نگفته راز نهانت شنیده‌ام  
 گفتم به اشک دیده زارم عنایتی  
 گفتا که گوهری است که من پروریده‌ام<sup>(۲)</sup>



دلبر مه لقا

بینوایم، نوای من مهدیست

دردمندم، دوای من مهدی است

(۱) هم‌نوا با نینوا.

(۲) هم‌نوا با نینوا.



من غریبم دراین زمانه ولی  
 مونس درد آشنای من مهدی است  
 گرچه از داغ هجر می سوزم  
 راضیم چون شفای من مهدی است  
 گه به یادش ز خواب برخیزم  
 نیمه شب دعای من مهدی است  
 ناله نالان شده ز ناله‌ی من  
 ناله‌ی ناله‌های من مهدی است  
 چون قیامت ز خاک برخیزم  
 اندر آنجا نوای من مهدی است  
 آن‌که در روز محشر می‌بخشد  
 از عنایت خطای من مهدی است<sup>(۱)</sup>



### حجاب نگاه

گفتم به اشک: از چه روانی ز دیده‌ام  
 گفتا: ز بس که ماتم هجران کشیده‌ام  
 گفتم به اشک: از چه بود رنگت ارغوان  
 گفتا: که من همان دل در خون تپیده‌ام

(۱) سید حسین هاشمی.

گفتم: صبور باش و مبار از کنار چشم  
گفتا: که من حجاب نگاه دو دیده‌ام  
گفتم: تمام آبروی من ز سوز توست  
گفتا: که حاصل دل محنت کشیده‌ام  
گفتم: برای وصل نگارم چه کرده‌ای؟  
گفتا: ز دیده، خون فراوان چکیده‌ام  
گفتم به اشک: مهدی زهراء علیها السلام کجاستی؟  
گفتا: ز دل نشانی او را شنیده‌ام  
کرب و بلا و طوس و بقیع، خانمان اوست  
اما هنوز صورت ماهش ندیده‌ام  
این ناله‌های سینه‌ی سوزان «هاشمیست»  
کان را به آه نیمه شب پروریده‌ام



ای دوست دو چشمان سیاه تو مرا کشت  
ابرو و لب و ناز نگاه تو مرا کشت  
این قدر مکن عشوه تو با این دل زارم  
آن زلف خم و چهره‌ی ماه تو مرا کشت  
کوتاه کنم حرف دلم با تو بگویم  
ای هستی من، خال سیاه تو مرا کشت

از بهر گناهم تو چرا گریه نمایی  
 شرمم ز غم گاه به گاه تو مرا کشت  
 گویند که از شام بلا اشک تو خون است  
 ای وای غم و غصه و آه تو مرا کشت  
 گفתי تو که هم صبح کنی گریه و هم شام  
 این گریه‌ی هر شام و پگاه تو مرا کشت



من **مهدیم** در دست تیغ انتقامم  
 مادر، به قبر مخفیت بادا سلامم  
 این قلب مجروحم کباب از غربت تو  
 باریده اشکم قرن‌ها بر تربت تو  
 شب تا سحر سوختم از سوز داغت  
 بودم چراغ قبر بی شمع و چراغت  
 مادر، برایت گریه همچون ابر کردم  
 هم سوختم، هم ساختم، هم صبر کردم  
 یا با ظهورم انتقامت را بگیرم  
 یا در کنار قبر پنهانت بمیرم  
 من بهترین یار و فادار تو هستم  
 روز ظهورم هم عزادار تو هستم



کاشکی می شد یه شب نگاهت کنم  
 چون به فدای یک نگاهت کنم  
 چه کار کنم دلم به غم رسیده  
 جمعه غروب، بهونتو می گیره  
 همش بهت دروغ می گم، می دونم  
 یه راست بگم، می خوام پیشت بمونم  
 همه می گن وقتی بیای بهاره  
 از آسمون بارون گل می باره  
 کاشکی می شد من اون روزو ببینم  
 بوسه‌ای از خال لبات بچینم  
 دلم می خواد ناله کنم ز سینه  
 تا که بیای با هم بریم مدینه  
 ای همه بود و نبود و هستم  
 یه عمریه منتظرت نشستم  
 پشت بقیع کنار من بمونی  
 روضه‌ی مادر و خودت بخونی<sup>(۱)</sup>



(۱) همنا نینوا

اباصالح التماس دعا هر کجا رفتی یاد ما هم باش  
 نجف رفتی، کاظمین رفتی، کربلا رفتی، یاد ما هم باش  
 مدینه رفتی به پابوس قبر پیغمبر، مادرت زهرا  
 به دیدار قبر بی شمع مجتبی رفتی، یاد ما هم باش  
 زیارت نامه می خوانی در کنار آن تربت خاموش  
 بغل کردی قبر مخفی مادرت زهرا یاد ما هم باش  
 نماز حاجت که می خوانی مسجد کوفه از برای فرج  
 دعا کردی از برای فرج التماس دعا، یاد ما هم باش



گفتم شبی به مهدی، بردی دلم ز دستم  
 من منتظر براهت، شب تا سحر نشستم  
 گفتا: چکار بهتر از انتظار جانان  
 من راه وصل خود را بر روی تو نبستم  
 گفتم دلم ندارد بی تو قرار و آرام  
 من عقده‌ی دلم را امشب دگر گسستم  
 گفتا: حجاب وصلم باشد هوای نفست  
 گرفتم را شکستی، دستت رسد به بدستم  
 گفتم: ببخش جرمم، ای رحمت الهی!  
 شرمنده‌ی تو بودم، شرمنده تو هستم

گفتا: هزار نوبت از جرم من گذشتم  
 پرونده تو دیدم، چشمان خود ببستم  
 گفتم که «هاشمی» را جز تو کسی نباشد  
 چون تیر از کمانِ هر آشنا بجستم  
 گفتا: مباحث نومید از خانه امیدم  
 من کی دل محبّ شرمنده را شکستم؟<sup>(۱)</sup>



### بِهانه دل

بیا که بی تو دل من بهانه می‌گیرد  
 به این نشان، که ز کویت نشانه می‌گیرد  
 به دل ز هجر جمال تو آتشی دارم  
 که هر نفس به هوایت زبانه می‌گیرد  
 نشسته مرغ دلم روی بام خانه تو  
 گمان مبر که جز این گوشه لانه می‌گیرد  
 شدم گدای در خانه‌ای که جبرئیل  
 همیشه اذان از این آستانه می‌گیرد  
 امام عصر، ولی خدا، عزیز رسول  
 که دل سراغ رخس عاشقانه می‌گیرد

(۱) سید حسین هاشمی نژاد

فدای مادر مظلومه‌اش که در محشر  
 سراغ شیفتگان، دانه دانه می‌گیرد  
 توانتقام بگیر از عدوی خونخواری  
 که راه فاطمه با تازیانه می‌گیرد



دلبر ناز منی  
 نازنینا ناز کم کن، دلبر ناز منی، تو  
 بلبل زهرایی و مرغ خوش آواز منی، تو  
 من بنازم قد و بالای تو را ای سرو قامت  
 سایه افکن بر سرم سرافزار منی، تو  
 از ازل عشقت (عج) این گردیده با آب و گل من  
 تا ابد سرمایه‌ی انجام و آغاز منی، تو  
 پَر شکسته در هوایت پر زنان شد مرغ جانم  
 روی بامت منزلت ده، روح پرواز منی، تو  
 عقده‌ها دارم ز دل درد هجران جمالت  
 باز کن عقده ز کارم، محرم راز منی، تو



## اذن نگاه

گفتم شبی به «مهدی» (ع) اذن نگاه خواهم  
 بهر وصال رویت، سوی تو راه خواهم  
 گفتا که زاد راهم، ترک گناه باشد  
 من عاشقان خود را، پاک از گناه خواهم  
 گفتم که نفس سرکش، آلوده‌ام پسندد  
 از شرّ دشمن خود، از تو پناه خواهم  
 گفتا لباس تقوا، بر قامتت بپوشان  
 تا بخشش گناهت، من از اله خواهم  
 گفتم سلام دل را هر صبح و شام، بپذیر  
 من پاسخ سلامم، با یک نگاه خواهم  
 گفتا سلام از تست، اما جواب از ما  
 لیکن سلام از تو، با سوز و آه خواهم  
 گفتم که «هاشمی» را برهان ز شرّ عصیان  
 با اشک شست‌وشوی قلب سیاه خواهم  
 گفتا: که من نرانم از درگهم گدا را  
 عفو ترا ز ایزد در هر پگاه خواهم



تمام حاجت مجنون، اشاره لیلاست

اگر چه در دل لیلا همیشه ناپیداست



تمام رنج محبت به خاطر یار است  
 همیشه در غم یار است آن که خاطر خواست  
 ترنج و دست چه حاجت به آن مانی که  
 هزار یوسف مصری خدای یوسف ماست  
 فضای صحن دل من مسیر یارم نیست  
 اگر چه راه عبورش همیشه از دل هاست  
 غم ظهور نخوردم، حضور هم گم شد  
 ز فیض بهره نبردم اگر چه او اینجاست  
 ز فرط معصیت ما حبیب تنها شد  
 دلیل هجرت آن با وفا ز غفلت ماست.<sup>(۱)</sup>



### نیر عشق

یک شب بیا به خانه‌ی من آشیانه کن  
 دل را رها ز ماتم و درد زمانه کن  
 گفتم به دل که در غم او صبر پیشه کن  
 گفتا برای دیدن او ترک خانه کن  
 گفتم حجاب بین من و او چه گشته است  
 گفتا که ترک خویشتن اندر میانه کن

(۱) رازهای کمال، هاشمی.

گفتم برای دیدن رویش کنم چه کار  
 گفتا به تیر عشق، هوا را نشانه کن  
 گفتم به دل که خون شده‌ای از فراق او  
 گفتا مرا ز گوشه‌ی چشمت روانه کن  
 گفتم اگر که حال دعایم شود نصیب  
 گفتا دعا به جان امام زمانه کن<sup>(۱)</sup>



چهره‌ی گل باغ و صحرا را گلستان می‌کند  
 دیدن مهدی (عج) هزاران درد، درفان می‌کند  
 مدعی گوید که با یک گل نمی‌گردد بهار  
 من گلی دارم که عالم را گلستان می‌کند



فدای سوز و آه آتشینت	فدای یک نگاه دلنشینت
فدای چهره و خال یمنت؟؟	تمام هستی و بود و نبودم



(۱) سید حسین هاشمی.

الا مسافر صحرا، خدا کند که بیایی

امید غایب زهرا، خدا کند که بیایی

هزار چشم بدو ختم در انتظار قدمت

گل شکفته زهرا خدا کند که بیایی



اگر چه دل به غیر تو نبستم      ولی از روی تو شرمنده هستم

سر خوان تو روزی خورده ام      نمک خوردم، نمکدان را شکستم



چندیست که از دست خودم هم گله دارم

حس می‌کنم انگار ز تو فاصله دارم

آیا شود آن روز بیاید که بگویم

از دست گل فاطمه من هم صله دارم



دل تنگ تماشای تو خواهد      وصال قد رعناى تو خواهد

دل در حجّ عشقت کرده احرام      طواف خال زیبای تو خواهد



گفت پیغمبر نبیّ انس و جان      گر بماند روزی از عمر جهان

حق کند طولانی آن یک روز را      تا بیاید مهدی صاحب زمان



مهدی بیا چاره ما را تو ساز کن      با یمن مقدم خود ما را سر افراز کن  
دشمن بسته به روی ما راه کربلا      این راه بسته را ز عنایت تو باز کن



لب تشنه اگر آب نبیند، سخت است  
شب جهره مهتاب نبیند، سخت است  
نوکر من و ارباب تویی، مهدی جان  
نوکر، رخ ارباب نبیند سخت است



کاش مهدی به جهان چهره هویدا می‌کرد  
گره از مشکل پیچیده ما وا می‌کرد  
کاش مهدی می‌آمد و با آمدنش  
قبر مخفی فاطمه، پیدا می‌کرد

### آدرس پایگاههای اینترنتی ویژه امام عصر (عج)

WWW.almuntazar.com	المنتظر (فارسی، انگلیسی، اردو)
WWW.almahdi.co.uk	المهدی (ع)
WWW.almahdi.com	المهدی (ع)
WWW.al-almahdi.org	المهدی (ع) (عربی)
WWW.theimamahdi.org	المهدی (ع) (انگلیسی)
WWW.montazar.net	المهدی (ع) (فارسی، انگلیسی)
WWW.imamahdi.net	حضرت امام مهدی (ع)
WWW.mahdi.org.uk	حضرت امام مهدی (ع)
WWW.hazratmahdi.com	حضرت امام مهدی (ع)
WWW.shareintl.org	سایت امام مهدی (ع)
WWW.englasmahdi.com	شبکه اجلاس مهدویت
WWW.ejlasmahdi.com	شبکه اجلاس مهدویت (ع) (فارسی، عربی، انگلیسی)
WWW.imamahdi.net	شبکه اطلاع رسانی امام مهدی (ع) (فارسی، عربی، انگلیسی)
WWW.baqeiatollah.org	مجله بقیة الله (عربی)
WWW.khorshidemabkkeh.com	مجله خورشید مکه
WWW.hawzah.net/magalat/mo/moud.htm	مجله موعود
WWW.almahdi.co.uk	محفل امام زمان (ع) (انگلیسی، اردو)
WWW.sicoa.org	مرکز اسلامی صاحب الزمان (ع) اتلانتا (انگلیسی)
WWW.hazratesaheb.com	مرکز فعالیتهای اسلامی صاحب الزمان (عج) کرمان

WWW.jamkaranmosque.org	مسجد جمکران
WWW.baqiyatullah.com	موسسه اسلامی بقیة الله
WWW.mahdieh.org	مهديه (انگلیسی)
WWW.almahdi.com	موسسه المهدی (ع) (انگلیسی)
WWW.nooralmahdi.org	مؤسسه بقیة الله الاعظم مشهد مقدس
WWW.yamahdi.homepage.com	یا مهدی (ع)
WWW.yamahdi.org	یامهدی (ع) (انگلیسی، اردو)
WWW.almodarresi.com	آیت الله سید محمد تقی مدرس (فارسی، عربی، انگلیسی)
WWW.imamrohami.com	آیت سید محمد صادق روحانی (فارسی، عربی، انگلیسی)
WWW.alqazwini.com	آیت الله سید محمد مرتضی فزوی (انگلیسی)
WWW.imamsadrnews.fs.com	پایگاه اطلاع رسانی امام موسی صدر (فارسی)
WWW.mesbahyazdi.org	آیت الله مصباح (فارسی، عربی انگلیسی)
WWW.saanei.org	آیت الله یوسف صانعی
WWW.sadr.foundation	الامام السید موسی الصدر (عربی، انگلیسی)
WWW.khomeni.org	امام خمینی - لندن
WWW.al-khoei.org	بنیاد آیت الله خوئی
WWW.lankarani.net	پایگاه اطلاع رسانی آية الله فاضل (فارسی، عربی، انگلیسی)

WWW.khomeini.com	پایگاه امام خمینی
WWW.khomeini.net	پایگاه خمینی
WWW.12th.org	حجة الاسلام شیخ عیسی احمد قاسم اثنی عشری
WWW.wilayh.org	دفتر آیت الله خامنه‌ای (فارسی، عربی، انگلیسی، اردو)
WWW.kamalheidary.org	سماحة العلامة السيد کمال الحیدری (عربی)
WWW.imam - moussa.de	شبکه امام موسی صدر (عربی)
WWW.almutadi.com	شیخ عبدالعظیم مهتدی بحرانی (عربی)
WWW.allame - jafari.com	شیخ محمد جعفری
WWW.bayynat.org.lb	علامه سید حسن نصرالله
WWW.alsadr.com	کنگره بین المللی شهید صدر (فارسی، انگلیسی، عربی)
WWW.al - sadir.org	مرجع شهید محمد صادق الصدر (عربی)
WWW.unmmah.net/khoei	مرکز امام خوئی (انگلیسی)
WWW.alidibagi.org	مکتب سماحه السيد ابوالقاسم الديباجي عربي
WWW.al - hakim.com	مکتب سید محمد باقر حکیم (عربی)
WWW.imam - shirazi.org	موقع الامام الشيرازي (عربی، انگلیسی)

## منابع

ردیف	نام کتاب	نام نویسنده
۱	مکیال المکارم ج ۱ و ۲	مرحوم آیت الله سید محمدتقی موسوی
۲	مهدی موعود	علامه محمدباقر مجلسی
۳	صحیفه مهدیه	سید مرتضی مجتهدی سیستانی
۴	بحار الانوار	علامه مجلسی
۵	ملاقات با امام زمان (عج)	سید حسن ابطحی
۶	شیفتگان حضرت مهدی (عج)	احمد قاضی زاده
۷	توصیه های حضرت مهدی (عج)	گروه کتاب نشر گلستان
۸	معرفت امام عصر	سید محمد بنی هاشمی
۹	ناله های فراق	سید حسین هاشمی نژاد
۱۰	عصاره خلقت	آیت الله جوادی آملی
۱۱	صدایت می زنم، سلامت می دهم، دعایت می کنم	محمدباقر انصاری
۱۲	رازهای کمال	حاج زین العابدین غلام
۱۳	همنوا با نینوا	حاج زین العابدین غلام
۱۴	نجم الثاقب	میرزا حسین طبرسی نوری
۱۵	دادگستر جهان	ابراهیم امینی
۱۶	استانها و کرامات	سید جواد رضوی
۱۷	دورنمایی از دولت عدل الهی	دکتر رجبعلی مظلومی
۱۸	یکصد پرسش و پاسخ پیرامون امام زمان (عج)	علیرضا رجالی تهرانی



سید مهدی شجاعی	خدا کند تو بیایی	۱۹
جمعی از نویسندگان	عصر طلایی ظهور	۲۰
پورسید آقایی	میر مهر	۲۱
آیت الله صافی گلپایگانی	انتظار	۲۲
قاسم میرخلفزاده	کرامات الجحیه	۲۳
سید عباس موسوی مطلق	رابطه و توجهات امام زمان به امام حسین و شیفتگان	۲۴
شهید مطهری	قیام و انقلاب مهدی (عج)	۲۵
عبدالهادی الفضلی	در انتظار امام	۲۶
	المختار من کلمات الامام المهدی	۲۷
دانشگاه آزاد اسلامی کرج	ویژه نامه همایش موعود در ادیان	۲۸
سید احمد علم الهدی	انقلاب و پندارها	۲۹
حاج شیخ جواد خراسانی	مهدی منتظر	۳۰
محمد رضا حکیمی	خورشید مغرب	۳۱
محمد جواد مهدی	آخر الزمان	۳۲
سید مهدی شمس الدین	چون ظهور کند	۳۳
مرحوم حاج شیخ محمد خادمی شیرازی	نشانه های ظهور او	۳۴
سید حسین حسینی	مهر محبوب	۳۵
محمد حسین شاه آبادی	مهر بیکران	۳۶
محمود حکیمی	منتظر	۳۷
محمود داوری	چشم به راه روشنی	۳۸
عبدالرحیم - موگهی	جان جانان	۳۹